



فصل‌نامه تخصصی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی / بهار ۱۳۹۸ / ۵۲ صفحه  
برای ناشران، پدیدآورندگان، معلمان، مدیران مدارس، اولیا و کارشناسان آموزشی و پرورشی

روح برنامه درسی  
مبنای داوری کتاب‌های آموزشی

کشورهای در حال توسعه هم  
کلاس چندپایه دارند

کتاب برگزیده  
به انتخاب داوران دانش‌آموز



خرد ناب است برای عقل و زان

ایینه شوق است برای سوخته دلان

مشوای دانا است برای اهل کم کردن

کنج رون است برای سوداگران

همراه لایق است برای پیامبران



کتاب پیراه است برای سالکان  
در است سکوترین از دینی است که  
می توان در هیچکی اقوام امان  
بره در شمسکما از کتاب می آفا  
با کتاب می بالند و تجربه نامی خود  
رایه کتاب می سپارند از این

میان اسلام شیرین هر روز



این کتاب از حدیث و روایات و کلمات و معانی و معجزه بزرگ محمد و دستان کاتبان است  
کتابی که در هر وقت و هر جایی که بخواند دل را به سوی خدا می کشاند  
و هر که این کتاب را بخواند از هر دردی که در دلش است شفا می یابد  
و هر که این کتاب را بخواند از هر غمی که در دلش است شادمانی می یابد  
و هر که این کتاب را بخواند از هر غمی که در دلش است شادمانی می یابد



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

# جوانه

فصلنامه تخصصی سامان‌دهی  
منابع آموزشی و تربیتی

مدیر مسئول:

محمد ناصری

سر دبیر:

فریبا کیا

شورای برنامه‌ریزی:

فریبرز بیات

بهروز رضایی

دکتر محمود معافی

ناصر نادری

محبت‌الله همتی

حبیب یوسف‌زاده

مدیر داخلی:

مهتاب میرایی آشتیانی

وبراستار:

بهروز راستانی

طراح گرافیک:

سید جعفر ذهنی

کاریکاتوربست:

سعید رزاقی

عکاس

رضا بهرامی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۰۶۰۷۱

دورنما: ۰۲۱-۸۸۳۰۶۰۷۱

پیامک: ۰۲۱-۳۰۰۰۸۹۹۵۱۸

وبگاه: [samanketab.roshdmag.ir](http://samanketab.roshdmag.ir)

پیام‌نگار: [javaneh@roshdmag.ir](mailto:javaneh@roshdmag.ir)

## سرمقاله

گنجی که غنیمت برده‌ام / فریبا کیا

## نشست

روح برنامه‌دستی، مبنای داوری کتاب‌های آموزشی / س. رمضان پور

## گفت‌وگو

کشورهای در حال توسعه هم کلاس چندپایه دارند / محمدرضا حشمتی

اقتصاد قدرتمند دستاورد اقتصاددانان کوچک / ام لیلا صمدی

کتاب‌های بدون مشابه در بازار / زهرا سلیمی‌زاده

حیات پویا در خدمت حیات پویا / صدیقه رضائزاد

## مقاله

کتاب برگزیده به انتخاب داوران دانش آموز / علی‌رضا باقری جبلی

## نقد کتاب

یک الاغ و این همه ماجرا / محمدعلی قربانی

فهم فناوری نانو به یاری داستان / احسان مهرجو

گفتمان دل‌تنگی در خیابان پاییزی / نیره‌سادات هاشمی

## پرونده

آسیب‌های کتاب‌های کمک‌درسی غیر استاندارد

کتاب‌های کمک‌درسی غیر استاندارد، ایجاد انحراف در مسیر یادگیری / محمد ناصری

اندر احوالات کتاب‌های کمک‌درسی / دکتر میترا دانشور

جایگاه کتاب‌های کمک‌درسی در نظام آموزشی / سمیه میرزایی

کلوخ‌های کمک‌درسی و ذهن دانش آموز / دکتر حیدر تورانی

کتاب‌های کمک‌درسی و ایزوله کردن دانش‌آموزان / دکتر عظیم محبی

فدا شدن اهداف فرایندی در کتاب‌های کمک‌درسی / شهرناز بخشعلی‌زاده

ویژگی‌های کتاب‌های کمک‌درسی بد / محمود امانی طهرانی

یادگیری طوطی‌وار ماندگار نیست / دیانا فردین

با نان و واژه زنده‌ایم / مرجان فولادوند

کتاب‌های کمک‌درسی، آموزش تزیینی و سطحی / ناصر نادری

یار مهربان جا ندارد! / کاظم طلائی

از اول دچار اضطراب شدن / اصغر ندیری

کوله‌پشتی‌های پر از هیج / سعید بدیعی

کتاب کمک‌درسی، رحمت یا عذاب / سیدکمال شهابلو

کتاب‌های کمک‌در ۳۰ / مجید راستی

کوتاه کردن دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی / بابک نیک‌طلب

کوله‌پشتی‌های پر از خالی / علی اصغر جعفریان

ما هم ضرب المثل می‌شویم؟ / احمد عربلو

سلطنت تست و کتاب کمک‌درسی بر کلاس / افسانه موسوی گرمارودی

آفات فست‌فودهای آموزشی یا بازار یوسف‌های ارزان / حبیب یوسف‌زاده

فهرستگان منتشر شده در سال ۱۳۹۷

کارگاه آموزشی\_تبیینی ارزیابان جدید از نگاه دوربین

۲

۳

۶

۱۴

۱۶

۲۳

## گنجی که غنیمت برده‌ام

از نوشتن نخستین سرمقاله جوانه، در بهار سال ۹۲ (شماره ۳۹)، شش سال تمام گذشته است. در این سال‌ها بدون اغراق، تجربه‌های گران‌قیمتی به غنیمت برده‌ام.

هر جا که بوده‌ام، چیزی آموخته‌ام و گنجی اندوخته‌ام. در جمع ناشران ارجمندی که دغدغه یاددهی - یادگیری دارند؛ در جمع پدیدآورندگانی که تجربه‌های زیسته یک عمر را در برگ برگ کتاب‌هایشان نقش زده‌اند؛ از ارزیابانی دقیق که گوهر انصاف و عدالت را با هیچ چیز عوض نکرده‌اند؛ از معلمانی که شمع وجودشان را عاشقانه سوخته‌اند و چراغ دانایی را افروخته‌اند و بالاخره همکارانی مشتاق و انگیزه‌مند که لباس خدمت پوشیده‌اند و در راه آبادانی ذهن و ضمیر کودکان این مرزو بوم کوشیده‌اند. من و همکارانم، در این سال‌ها بسیار کوشیدیم تا فاصله‌ای را که - ناخواسته و بی‌دلیل - در بین دولت و ناشران افتاده است، از میان برداریم و هر دو از یک روزنه نگاه کنیم. در هر دو سو، بودند کسانی که می‌پنداشتند یا هنوز هم می‌پندارند که ما چیزی می‌گوییم و آن‌ها چیزی دیگر؛ ما راهی را می‌پوییم و آن‌ها راهی دیگر؛ ما چیزی می‌خواهیم و آن‌ها چیزی دیگر.

اما چون به هم نزدیک شدیم، به روشنی دیدیم که هر دو دغدغه دانایی و توانایی نوباوگان این سرزمین را در سر می‌پروریم و از هم بی‌خبریم. به هر بهانه که شد، کنار هم نشستیم و گفت‌وگو کردیم. نزدیک‌تر که شدیم، دیدیم رفیقیم و نه رقیب؛ و این پندار حاصل افسون‌های افسونگران بود. نزدیک‌تر که نشستیم، دیدیم در میدانسی که بازی می‌کنیم، ضرورتی ندارد یکی تن به بردن و دیگری باختن دهد؛ دیدیم می‌توان دست به دست هم داد و به همراهی برد - برد رسید.

دیدیم کتاب‌های کمک‌درسی با همه اشکالاتی که رواج بی‌رویه آن‌ها می‌تواند به بار آورد، یا آثار ویرانگری که برخی از آن‌ها می‌توانند روی بنای تعلیم و تربیت بر جا بگذارند، با همراهی می‌توانند به پشتیبانی برای کتاب‌های درسی و برنامه آموزشی تبدیل شوند و به نیازهای دانش‌آموزی در جایی از ملک پاسخ دهند و از نگرانی‌های او بکاهند.

امروز می‌توانیم از کتاب‌های خوب و بد حرف بزنیم؛ از کتاب‌هایی که خلاقیت‌زا یا انفعال‌آفرین‌اند. آموخته‌ایم که همه را به یک چوب نرانیم؛ گرچه هر از گاهی، تولید و تبلیغ انبوه کتاب‌های غیراستاندارد فضا را چنان مسموم و مه‌آلود می‌کند که به تصمیم‌هایی تن می‌دهیم که دل‌خواه و دل‌پسند ما نیستند و شکست‌ها هم بخشی از مسیر رفته هر انسانی است و باید اعتراف کرد که گاه موانعی در پیش رو سر برآورده است که گذشتن از آن‌ها نیازمند کوشش بیشتری بوده است.

از اتفاق، بخشی از این شماره جوانه، به بحث آسیب‌هایی می‌پردازد که کتاب‌های کمک‌درسی می‌توانند در فرایند یادگیری به جا بگذارند و برای استفاده صحیح از این کتاب‌ها، باید آسیب‌ها را دید و آن‌ها را زدود. این یادداشت‌ها، که اغلب به قلم نویسندگان توانای این مرزو بوم رقم زده شده است، خصوصاً برای ناشران کتاب‌های آموزشی غنیمتی است درخور؛ تا عیب‌ها را ببینند و از آن‌ها کناره گیرند.

اما دربارهٔ فواید کتاب‌های کمک‌درسی و نقش مثبتی که می‌توانند در فرایند یاددهی-یادگیری ایفا کنند، به نحو مستوفی در شماره‌های پیشین جوانه و مقدمهٔ کتاب‌نامه‌ها و فهرستگان و جاهای دیگر سخن گفته شده است.

و امروز که به راه رفته و به پشت سر می‌نگرم، احساس خرسندی می‌کنم. امروز سخن از ارزیابی کتاب‌های ناشران محترم، به دست کارشناسان خود آن‌هاست؛ امروز ناشران کتاب‌های کمک‌درسی عزم خود را برای تبدیل شدن به ناشرانی فعال‌تر در فرایند یاددهی و یادگیری و ایفای نقشی بیش از دنباله‌روی صرف از کتاب‌های درسی جزم کرده‌اند؛ امروز سخن از تألیف کتاب‌های درسی به دست ناشران آموزشی در میان است؛ و اگر دهه‌ای پیش‌تر این خواسته آرزویی دراز و دور از دسترس بود، اینک آرزویی بسیار نزدیک و در دسترس می‌نماید.

به این جمله بسنده کنم که هر چه در توان داشته‌ایم در میانه گذاشته‌ایم. امیدوارم خداوند این خدمت را از ما بپذیرد و گام‌های برداشته را پربرکت گرداند.



در هم‌اندیشی ارزیابان کتاب‌های آموزشی مورد تأکید قرار گرفت:

## روح برنامه‌درسی، مبنای داوری کتاب‌های آموزشی

انبوهی در بازار نشر کتاب‌های آموزشی باشیم که لزوماً تمام آن‌ها با رویکرد تعلیم و تربیت رسمی کشور متناسب نیستند. به همین دلیل آموزش و پرورش به‌عنوان متولی اصلی تعلیم و تربیت، رسیدگی به بازار آشفته‌نشر کتاب‌های کمک را با عنوان «طرح سامان‌دهی منابع آموزشی» و با هدف آشنایی هرچه بیشتر ناشران بخش غیردولتی با هدف‌های آموزش و پرورش به عهده گرفت. تاکنون نیز کارگاه‌ها و نشست‌های متعددی به‌منظور تحقق این هدف با تولیدکنندگان آموزشی برگزار شده‌اند، اما همچنان با نقطه مطلوب فاصله داریم.»

کیا با ارائه آماری از میزان همکاری ناشران آموزشی با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ادامه داد: «اکنون بیش از هزار ناشر به‌صورت آنلاین با دفتر ما در ارتباط هستند و تولیدات آن‌ها توسط ۲۰۰ تا ۳۰۰ کارشناس و متخصص در مجموعه موضوعات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.»

وی با تشریح اهمیت تخصص و تعهد داوران تصریح کرد: «انتظار این است که شما به‌عنوان داور در تمام مراحل ارزیابی، خود را جای مؤلف قرار دهید. اگر شما به‌عنوان مؤلف، کتابی را برای ما ارسال کنید، حتماً انتظار دارید که با رعایت تمامی مؤلفه‌های آموزشی مورد داوری قرار گیرد. پس سعی داشته باشید با انجام داوری اقناعی به‌صورت ساختارمند کتاب‌ها را ارزیابی کنید.»

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با بیان اینکه با گذشت ۱۹ سال از اجرای طرح سامان‌بخشی و معرفی هزاران منبع استاندارد، در نظر گرفتن نکاتی جای تأمل دارد، گفت: «فرهنگ‌سازی به‌منظور استفاده از منابع استاندارد اهمیت بالایی

بیش از ۱۹ سال از تلاش «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و به‌طور مشخص «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» برای سامان‌بخشی به بازار نشر کتاب‌های آموزشی و تربیتی می‌گذرد. در تمام این سال‌ها و در کنار مجموع فعالیت‌های انجام‌شده، داوران و ارزیابان یکی از ارکان اصلی این طرح هستند که بدون تردید همراهی و آگاهی آنان در پیشبرد هدف‌های آموزش و پرورش رسمی کشور و معرفی کتاب‌های مناسب به اولیای مدرسه، خانه و دانش‌آموزان نقش زیادی دارد. از این‌رو، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با برگزاری کارگاه و نشست‌های مستمر سعی دارد تا بیش از پیش داوران را با شاخص‌های به‌روزرسانی‌شده استانداردهای آموزشی آشنا و آنان را از نظرات یکدیگر بهره‌مند سازد. به همین منظور، در نشست دیگری ارزیابان با همراهی مسئولان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی بار دیگر گرد هم آمدند تا هم‌افزایی و هم‌اندیشی دیگری را تجربه کنند.



فریبا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با تأکید بر نقش منابع آموزشی و تربیتی در فرایند یاددهی و یادگیری گفت: «به‌جز کتاب‌های درسی، منابع آموزشی و تربیتی نیز تأثیر انکارناپذیری بر جریان یادگیری

دانش‌آموزان دارند. از سوی دیگر، میل به دانستن بیشتر از سوی والدین برای فرزندانشان فراتر از آنچه ساعات آموزش رسمی در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهد، سبب شده است، شاهد تولیدات

دارد و ما به‌منظور برداشتن قدم‌های بلندتر در این مسیر سعی کرده‌ایم از داوران معلم استفاده کنیم. چون معلمان ضمن آنکه از نزدیک دستی بر آتش دارند، در صورت آگاهی از استانداردها می‌توانند خودشان فرهنگ‌ساز و استفاده‌کننده منابع مورد تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باشند.»

وی ادامه داد: با انجام یک تحقیق جامع ملی و نظرسنجی از والدین و دانش‌آموزان مشخص شد، معلمان مهم‌ترین مرجع برای انتخاب منابع آموزشی در مدرسه‌ها هستند. به همین منظور ما معتقدیم که استفاده از معلمان داور به معنای فرستادن سفیران انتخاب منابع استاندارد به مدرسه‌هاست.»

کیا اظهار داشت: «برای انتخاب داوران تخصص، تعهد، علاقه‌مندی و آشنا بودن با برنامه درسی، ملاک‌های اصلی‌اند. پایبندی به این ملاک‌ها سبب شده است، برگزاری کارگاه‌های بیشتر با حضور داوران، زوایای پنهان مسائل را بر ما مکشوف سازد. ضمن آنکه این کارگاه‌ها در بازآفرینی شاخص‌های ارزیابی بسیار مؤثر هستند.»

وی یادآور شد: «تولیدکنندگان و ناشران آموزشی منتظرند، شما داوران آن‌ها را از خلأهای کتاب‌های ارسال‌شده مطلع سازید.»

#### ویژگی‌های عمومی کتاب‌ها



**بهروز رضایی**، از کارشناسان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در ادامه با بیان اینکه ارزیابی‌ها در دو بخش بررسی ویژگی‌های عمومی، ظاهری و کلی کتاب‌ها و بخش‌های تخصصی انجام می‌شود، درباره چگونگی امتیازدهی به جنبه‌های عمومی کتاب‌های آموزشی گفت: «از مجموع ۲۰۰ امتیاز موجود برای هر کتاب، حدود ۸۰ امتیاز یعنی حدود ۴۰ درصد به ویژگی‌های ظاهری کتاب تعلق دارد. با اینکه این بخش امتیاز کمتری را به خود اختصاص می‌دهد، اما عدم کسب امتیاز در برخی شاخص‌های عمومی باعث کاهش امتیاز و گاهی موجب رد شدن کتاب می‌شود.»

رضایی با برشمردن شاخص‌های موردتوجه در ویژگی ظاهری کتاب تصریح کرد: «طراحی جلد و میزان موفقیت آن در جلب مخاطب از جمله ویژگی‌های عمومی است. اینکه جلد کتاب چقدر توانسته در برانگیختن مخاطب برای مطالعه کتاب مؤثر باشد، باید مورد توجه داوران قرار گیرد. شاخص دیگر تناسب میان انتخاب عنوان کتاب و محتوای آن است.»

وی همچنین با اشاره به ضرورت هم‌خوانی قطع کتاب و گروه سنی مخاطب آن، اظهار داشت: «صفحه‌آرایی، به معنای راحت خوانده شدن و دیده شدن مطالب، موضوع دیگری است که باید

به آن توجه داشت. صفحه‌آرایی مناسب باعث خسته شدن چشم مخاطب نمی‌شود و او را به خواندن کتاب ترغیب می‌کند. در کنار صفحه‌آرایی، استفاده بجا و مناسب از شکل‌ها و تصویرها هم از دیگر ویژگی‌هایی است که کتاب خوب باید دارا باشد.»

این کارشناس توضیح داد: «یاددهی برخی درس‌ها مانند علوم تجربی به تصویر وابسته است. گاهی گفتن ساعت‌ها مطلب به‌صورت نظری مفهوم را به دانش‌آموز منتقل نمی‌کند، اما استفاده از یک تصویر مناسب برای انتقال آن مفهوم کافی است. کتاب‌هایی که در آموزش از تصویر و شکل به درستی بهره می‌گیرند، در واقع روند آموزش را تسهیل می‌کنند. البته نباید از نظر دور داشت که تناسب تصویر با فرهنگ ایرانی اسلامی بسیار حائز اهمیت است.»

کامل بودن شناسنامه کتاب، داشتن ارجاعات و منابع از دیگر مواردی بود که رضایی در برشمردن ویژگی‌های بخش عمومی کتاب به آن‌ها اشاره داشت. وی خاطر نشان کرد: «داوران باید در انتهای کار و پس از بررسی ویژگی‌های عمومی کتاب، دلایل رد شدن کتاب را با شرح دقیق و ارجاع به صفحه‌های کتاب اعلام کنند تا جای شبهه‌ای برای ناشران و مؤلفان باقی نماند.»

گفتنی است در جلسات جداگانه‌ای، ارزیابان حوزه‌های کتاب‌های آموزشی پیش‌دبستانی و ابتدایی، زیست، فلسفه، علوم تجربی، کار و فناوری، و زبان فارسی به تبادل نظر با یکدیگر پرداختند.

#### جراپی داوری کتاب‌ها



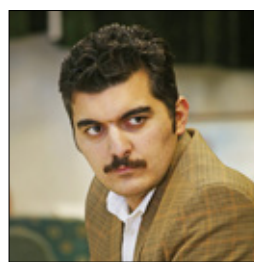
در بخشی از جلسه ارزیابی کتاب‌های آموزشی حوزه پیش‌دبستانی و ابتدایی، دکتر **فاطمه رمضان** با تأکید بر خطیر بودن تصمیم‌گیری در مورد ارزشیابی کتاب‌های آموزشی گفت: «وقتی از ما به‌عنوان

داوران کتاب‌های آموزشی دعوت به همکاری می‌شود، باید ابتدا این نکته را با خودمان روشن کنیم که چرا این کتاب‌ها داوری می‌شوند. کتاب درسی برای اینکه فرایند یادگیری را در مدرسه توسط معلمان راهبری کند، تدارک دیده شده است. اما به دلیل تنوع بافت اجتماعی، فرهنگی، منطقه‌ای و حتی زبانی کسانی که مخاطب این جریان هستند، با وجود دقت‌نظرها در تألیف یک کتاب درسی، دانش‌آموزان نمی‌توانند پاسخ همه نیازهای خود را دریافت کنند. کتاب‌های کمک‌درسی بخشی از این وظیفه را بر عهده می‌گیرند و در یادگیری تسهیل ایجاد می‌کنند.»

وی تأکید کرد: «متنوع ساختن روش‌های آموزش با توجه به تفاوت فردی دانش‌آموزان از دیگر وظایف کتاب‌های آموزشی است.»

فراهم کردن نمونه‌ها، مثال‌ها و مصداق‌های بیشتر برای مطالب کتاب درسی و ایجاد فرصتی برای ارزشیابی آموخته‌ها، نیز از کارکردهای کتاب‌های آموزشی است که این ارزیاب به آن‌ها اشاره داشت و گفت: «گاهی آموزش در کلاس درس خوب انجام شده است، اما می‌خواهیم بدانیم چقدر و در چه سطحی یادگیری اتفاق افتاده است. کتاب‌های آموزشی می‌توانند در رسیدن به این منظور کمک‌کننده باشند. البته بررسی دقیق کتاب‌های آموزشی از سوی داوران مستلزم مطالعه دقیق اهداف و اصول برنامه درسی و توجه به بایدها و نبایدها در تولید محتواست.»

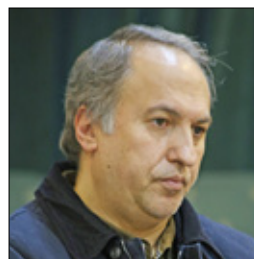
### رشد کیفیت کتاب‌های حوزه فنی و حرفه‌ای



**محسن کیا،** داور دیگری از گروه کار و فناوری گفت: «وزارت ارشاد فقط به کتاب مجوز چاپ می‌دهد. اما برای اینکه کتابی را بتوان در سطح مدرسه‌ها توزیع کرد، چه کمک آموزشی باشد چه کمک‌درسی، باید دارای استانداردهای لازم باشد.»

وی با استناد به جمله‌ای از «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» که به صراحت اعلام می‌کند، هنرجویان فنی و حرفه‌ای پس از فراغت از تحصیل باید بتوانند با استفاده از مهارت‌هایی که آموزش دیده‌اند، امرار معاش کنند، خاطرنشان کرد: «کتاب‌های آموزشی باید به تحقق این هدف کمک کنند. البته جای امیدواری زیادی دارد که ما در زمینه کتاب‌های آموزشی کار و فناوری شاهد تولیدات پربارتری باشیم، چون پس از چند سال مهجور بودن این کتاب‌ها، به عینه رشد و خیزش آن‌ها را مشاهده می‌کنیم.»

### یاددهی فراتر از کتاب درسی



**دکتر حسین قاسم‌پور،** رئیس گروه دفتر تألیف کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی، در هم‌اندیشی تخصصی این گروه، مهم‌ترین انتظار از کتاب آموزشی مناسب را حرکت در راستای افزایش غنای برنامه درسی اعلام کرد و

گفت: «در جهان پیشرفته‌ی تعلیم و تربیت، باید بتوانند فراتر از کتاب درسی به دانش‌آموزان کمک کنند تا یادگیری بیشتری اتفاق بیفتد. ما هم باید در داورها سخت‌گیرتر عمل کنیم و پیش از توجه به ناشر و مؤلف کتاب آموزشی، نگاهمان به برنامه درسی باشد؛ اینکه کتاب آموزشی مورد بررسی چقدر توانسته است در راستای تحقق و عملیاتی شدن هدف‌های برنامه درسی

قرار گیرد. در غیر این صورت، کتاب نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه عامل مختل‌کننده آموزش تلقی می‌شود.»

وی افزود: «ما به‌عنوان داور باید به روح برنامه درسی نزدیک شویم. باید سنج‌های در ذهنمان داشته باشیم که آن را مبنای قضاوت و سنگ محک داور کتاب‌ها قرار دهیم و این سنج‌ها همان برنامه درسی است. هر برنامه درسی از تعدادی عنصر تشکیل شده است. ما با دقت در این عناصر می‌توانیم مشخص کنیم که هر کتاب آموزشی که ما آن را داور می‌کنیم، بر مبنای کدام موضع‌گیری برنامه درسی تولید شده است.»

وی در برنامه درسی ادبیات در دوره‌های اول و دوم متوسطه، اولین عنصر را رویکردها و اصول حاکم بر برنامه درسی ادبیات عنوان کرد و پس از آن از اهداف، موضوعات، مفاهیم و سرفصل‌های آموزش، تجارب و فرصت یادگیری، و ارزشیابی به‌عنوان دیگر عناصر یاد کرد.

### ارشاد کتاب‌های آموزشی را تخصصی ارزیابی نمی‌کند

**فریبا کیا،** معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در همراهی با نشست ارزیابان گروه کار و فناوری، در پاسخ به سؤال یکی از کارشناسان درباره اینکه چرا کتاب‌های کمک‌درسی پیش از گرفتن مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند، گفت: «کتاب‌هایی که برای ارزیابی به دست ما می‌رسند، چاپ شده‌اند و دارای شابک هستند. از نظر قانونی اعطای مجوز نشر به هر کتابی به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این وزارتخانه کتاب‌ها را از نظر فیلترهای امنیتی، سیاسی و هنجارهای دینی و ارزشی بررسی می‌کند. بررسی کتاب‌ها از نظر عامل‌های آموزشی اصلاً توسط وزارت ارشاد انجام نمی‌شود.»

این مسئول ادامه داد: «آموزش و پرورش پس از مشاهده طعنه زدن برخی از کتاب‌های آموزشی به هدف‌های این وزارتخانه، نسبت به ورود آن‌ها موضع‌گیری کرد. برای مثال، پرورش خلایق و روح جست‌وجوگری در بچه‌ها، یکی از هدف‌های آموزش و پرورش است، اما بسیاری از کتاب‌های کمک‌درسی حتی پاسخ ریزترین پرسش‌های کتاب درسی را هم ارائه می‌کنند و دانش‌آموز را منفعل و تنبل بار می‌آورند. البته از مجموع پنج هزار عنوان کتابی که در سال به دست ما می‌رسد، ۳۰ درصد کتاب‌ها کمک‌درسی‌اند. اما جالب است بدانید که فقط در یک سال از سال‌های اخیر، ۱۵ هزار عنوان کتاب کمک‌درسی چاپ شده است و این یعنی ۱۴ درصد مجموع کتاب‌هایی که در یک سال به چاپ رسیده‌اند، برای ما ارسال شده‌اند.

کیا در پایان، ارزیابی تمامی کتاب‌های آموزشی را پیش از چاپ از نظر ساختاری و تأمین اعتبارات برای آموزش و پرورش غیرممکن دانست، اما بر حساسیت نسبت به داور کتاب‌هایی که قصد ورود به مدرسه‌ها را دارند، تأکید کرد.

محسن کیا:

هنرجویان

فنی و حرفه‌ای

پس از فراغت

از تحصیل باید

بتوانند با استفاده

از مهارت‌هایی که

آموزش دیده‌اند،

امرار معاش

کنند؛ بنابراین

کتاب‌های

آموزشی باید به

تحقق این هدف

کمک کنند

# کشورهای در حال توسعه هم کلاس چندپایه دارند

گفت‌وگو با سید حشمت الله مرتضوی زاده، مؤلف کتاب مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چند پایه



و برای توفیق بیشتر مدارج دانشگاهی را تا کسب مدرک دکترا طی کرده است. هم‌زمان براساس خلأی که از نظر منابع آموزشی برای معلمان و نومعلمان احساس کرد، به زبان و ادبیات معلمی دست به قلم شد تا بتواند با نوشتن حاصل مطالعات و تجارب زیسته‌اش، یار و مددکار همکاران جوان خود باشد و میراث ماندگاری از خود بر جای بگذارد که راهنمای تعلیماتی نومعلمان باشد.

ایشان، بین مدرسان تربیت‌معلم در سال ۱۳۸۶ به‌عنوان «مدرس نمونه کشوری» و در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان «پژوهشگر برتر کشوری» انتخاب شد. برگزیده شدن کتاب «مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چند پایه» در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد بهانه‌ای شد تا با وی گفت‌وگویی داشته باشیم.

و حرفه‌ای زندگی کند. بدانند که باید در دسترس باشد و در هر لحظه پاسخ‌گوی دانش‌آموزان باشد.

■ شما تاکنون کتاب‌های متعددی درباره موضوع‌هایی که مورد نیاز معلمان‌اند، تألیف کرده‌اید. ضرورت نوشتن کتاب «مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چند پایه» چه بود؟

حدود دو سال تربیت‌معلم عشایر دخترانه کشور در استان ما - کهگیلویه و بویراحمد - دایر بود و تدریس درس اصول و روش‌های تدریس به عهده من بود. با توجه به اینکه دانشجویان بعد از اتمام تحصیلات در مدارس عشایری مشغول به کار می‌شدند و اکثر مدارس عشایر چندپایه بودند، به این فکر افتادم که مدیریت، برنامه‌ریزی و تدریس ویژه کلاس‌های چندپایه را به آن‌ها آموزش دهم. در آن سال‌ها بهترین کتابی که وجود داشت، کتاب «برنامه‌ریزی، تدریس و اداره کلاس‌های چندپایه»، نوشته رضا رؤف رضایی بود. ۳۵ صفحه داشت و در زمان خودش بهترین کتاب بود. اما کافی نبود.

تحقیقات و مقالات متعدد خارجی را ترجمه کردم. ابتدا کتابی با عنوان «راهنمای تدریس در کلاس‌های چندپایه» تألیف کردم که توسط «انتشارات عابد» بیش از پنج بار چاپ شد. در بیش از ۱۰ استان کشور کارگاه آموزش معلمان کلاس‌های چندپایه برگزار کردم. وقتی دانشگاه فرهنگیان تأسیس شد، شورای عالی آموزش و پرورش

نوشتن کتاب کار آسانی نیست، خاصه اگر بخواهی کتابی برای معلمان بنویسی! برای معلمان کتاب نوشتن سخت‌تر است، زیرا معلم کسی است که اغلب بیش از نویسندگان در میدان عمل است و با آنچه که بعضی نویسندگان تصور و تجسم می‌کنند، او به عینه هر روز دست و پنجه نرم می‌کند. برای اینکه کتاب ما برای معلمان مفید و اثربخش باشد، باید علاوه بر دانش نظری، محیط عمل را هم بشناسیم و از مهارت‌های لازم برای فعالیت کارآمد و اثربخش در محیط عمل برخوردار باشیم. سیدحشمت‌الله مرتضوی‌زاده از جمله معلمانی است که سال‌ها با گوشت و پوست و استخوان خود کلاس درس در دوره‌های متفاوت مدرسه، مراکز تربیت‌معلمان و دانشگاه فرهنگیان را درک کرده است. از دوران دانشجویی به معلمی علاقه‌مند بوده

■ آقای دکتر مرتضوی‌زاده چطور شد معلمی را انتخاب کردید؟

در دورانی که دانشجوی دوره کارشناسی «دانشگاه علامه طباطبایی» بودم، هم‌زمان نهاد ریاست جمهوری، وزارت کشور، نیروی انتظامی و آموزش و پرورش اطلاعیه دادند که خواهان جذب دانشجویان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی هستند و باید پس از اتمام تحصیلات، متعهد به خدمت در مجموعه انتخابی باشند. به راحتی می‌توانستم در یکی از آن‌ها استخدام شوم، ولی به دلیل علاقه‌ای که به معلمی داشتم، آموزش و پرورش را انتخاب کردم و متعهد به خدمت در اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۷ تهران شدم. بعد از چهار سال به سختی توانستم به استان کهگیلویه و بویراحمد انتقال دائم بگیرم. پس از آن در روستاهای استان مسئولیت‌هایی مانند معلم تک‌پایه، معاون مدرسه و مدیر مدرسه را داشته‌ام. از معلمی لذت می‌برم و تأکید می‌کنم اگر بار دیگر به گذشته برگردم، باز هم معلمی را انتخاب می‌کنم و خدا را برای این توفیق شکر گزارم.

■ مهم‌ترین ویژگی معلم؟

مهم‌ترین ویژگی معلم این است که عاشق کارش باشد. معلمی را با تمام وجود دوست داشته باشد و به معلم بودن خود افتخار کند و شک و تردید نداشته باشد. دانش‌آموزان را آنچنان که هستند بپذیرد و عاشق آن‌ها هم باشد. رابطه صمیمانه‌ای با آن‌ها و والدینشان داشته باشد، حرفه‌ای عمل کند، حرفه‌ای لباس بپوشد



درس «برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های چندپایه» را در برنامه‌ی درسی رشته‌ی علوم تربیتی قرار داد. علاوه بر آن، در دانشگاه اصفهان موضوع پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری خود را در این زمینه انتخاب کردم. با معلمان دانش‌آموزان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی مصاحبه کردم. حاصل بیش از ۱۰ سال آموزش و پژوهش و نوشتن مقالات متعدد در این زمینه، به نوشتن کتابی با عنوان «مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه» منتهی شد که توسط «انتشارات کورش‌چاپ» به چاپ رسید و مورد استقبال معلمان، استادان و محققان قرار گرفت.

### ■ در نوشتن کتاب برای معلمان چه نکاتی را باید مورد توجه و دقت قرار داد؟

به نظر من:  
- رسا و شیوا باشد.  
- کاربردی باشد.  
- در جهت تحقق هدف‌های تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی نوشته شده باشد.  
- فرصت‌های یاددهی - یادگیری را فراهم کند.  
- مهارت‌محور باشد.  
- خودآموز باشد؛ یعنی معلم بتواند با مطالعه‌ی کتاب بینش، نگرش و مهارت جدیدی را دریافت کند.  
- معلم با مطالعه آن بتواند ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی دانش‌آموزان را بشناسد.  
- به معلمان برای درک نقش خود و دانش‌آموزان کمک کند.  
- به هر دو جنبه‌ی آموزشی و تربیتی در محیط کلاس درس و مدرسه توجه داشته باشد.

### ■ اگر بخواهید بار دیگر کتاب را بازبینی کنید، چه نکاتی را کاسته و چه نکاتی را اضافه می‌کنید؟

چیزی از کتاب کم نمی‌کنم، اما بحث تلفیق برنامه‌ی درسی را بسط می‌دهم.

### ■ برای معلم شدن در کلاس چندپایه به چه دانش‌ها و مهارت‌هایی نیاز است؟

معلم کلاس‌های چندپایه ابتدا به دانش و مهارت‌هایی که معلم تک‌پایه کسب می‌کند، نیاز دارد. البته باید آن‌ها را با شرایط کلاس خودش متناسب‌سازی کند. برای مثال، از همه‌ی روش‌های تدریس می‌تواند استفاده کند، اما اجرای روش‌ها در کلاس چندپایه با کلاس تک‌پایه متفاوت است. چون شرایط کلاس چندپایه با تک‌پایه متفاوت است. معلم چندپایه باید علاوه بر کسب مهارت‌های حرفه‌ای، چندحرفه‌ای باشد. از مسائل مذهبی و حقوقی اطلاعات مختصری داشته باشد تا بتواند اختلاف‌های محلی را برطرف کند و به سؤال‌های حقوقی و مذهبی جامعه‌ی محلی پاسخ دهد. سفیر پیشرفت و توسعه‌ی روستا باشد، طرح‌های اقتصادی را به کمک جامعه‌ی محلی پیاده کند، و کلاس‌های آموزش خانواده و مشاوره‌ی ازدواج را برگزار کند. معلم تک‌پایه

بر مواد درسی یک پایه مسلط است، اما معلم چندپایه باید بر محتوای کتاب‌های شش پایه تسلط داشته باشد و همچنین از درس‌های دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه هم اطلاع داشته باشد. به علاوه، دانش مدیریتی هم باید داشته باشد.

### ■ روند شکل‌گیری کتاب چگونه بود؟

ابتدا موقعیت کلاس‌های چندپایه را در ایران و جهان بررسی کردم. مقالات متفاوتی ترجمه کردم تا متوجه شدم، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه کلاس چندپایه وجود دارد. بیش از ۱۰ سال است که این موضوع را در کشور آموزش می‌دهم. تاکنون با سؤال‌های بی‌شماری از طرف معلمان روبه‌رو شده‌ام. با معلمان جلسه‌های متعددی برگزار کرده‌ام و مصاحبه‌ی گروهی و انفرادی انجام داده‌ام. ساعت‌ها نشست‌ها و کلاس آن‌ها را مشاهده کرده‌ام. مقاله‌های متعددی هم در مجلات رشد چاپ کرده‌ام. در دوره‌ی دکتری دانشگاه اصفهان این موضوع را عمیق‌تر بررسی کردم. سپس با توجه به سرفصل‌های این درس در رشته‌ی علوم تربیتی، این کتاب را تألیف کردم و مورد استقبال فراوان معلمان قرار گرفت.

### ■ آیا این کتاب فقط برای معلمان کلاس‌های چندپایه قابل استفاده است؟

درست است که این کتاب برای معلمان کلاس‌های چندپایه نوشته شده است، اما معلمان کلاس‌های تک‌پایه هم می‌توانند از آن استفاده کنند. مهم‌ترین روش تدریسی که معلمان کلاس‌های چندپایه مورد استفاده قرار می‌دهند، روش «هم‌شاگردی» یا «خلیفه‌گری» است. این روش در کشورهای دیگر ابتدا در دوره‌ی متوسطه‌ی تک‌پایه مورد استفاده قرار گرفت و سپس در کلاس‌های چندپایه رایج شد. بسیاری از محدودیت‌های این کلاس‌ها در کلاس‌های تک‌پایه هم وجود دارند، اما شدت و ضعف آن‌ها متفاوت است. برنامه‌ی هفتگی ابتدا به شیوه‌ی تک‌پایه نوشته می‌شود. سپس برنامه‌ی چندین پایه را کنار هم می‌گذارند. آن‌گاه برنامه‌ی هفتگی چندپایه شکل می‌گیرد.

معمولاً می‌پرسند: آیا تدریس تلفیقی یا برنامه‌ریزی تلفیقی در کلاس‌های تک‌پایه ضرورت ندارد؟ اتفاقاً ضرورت بیشتری دارد. معلم تک‌پایه می‌تواند محتوای سه درس متفاوت را با هم تلفیق کند و به‌صورت تلفیقی آموزش دهد. تلفیق اثرات بسیار مثبتی دارد. پس معلمان تک‌پایه اگر این کتاب را مطالعه کنند، کیفیت فعالیت‌های یاددهی - یادگیری کلاس خود را افزایش می‌دهند.

### ■ کلام آخر!

نکته‌ی آخر اینکه کلاس چندپایه کلاس زندگی است و معمار این زندگی معلم. به مسئولان وزارت آموزش و پرورش یادآوری می‌کنم، آیین‌نامه‌ی ۱۰ ماده‌ای کلاس‌های چندپایه، مصوبه‌ی هشتصدمین جلسه‌ی «شورای عالی آموزش» را اجرا کنند و امتیازهای ویژه‌ی مصوبه را برای معلمان این کلاس‌ها در نظر بگیرند.

کتابی که برای معلم نوشته

می‌شود باید: رسا

و شیوا، کاربردی،

مهارت‌محور،

خودآموز و در

جهت تحقق

اهداف سند

تحول بنیادین و

برنامه‌ی درسی ملی

باشد. هم‌چنین

به هر دو جنبه

آموزشی و

تربیتی در محیط

کلاس درس و

مدرسه توجه

داشته باشد

رشد جوانه  
شماره ۶۳  
بهار ۱۳۹۸

گفتگو با مهدی طغیانی، ناشر و زهره میرجابری نویسنده کتاب اقتصاددان کوچک

## اقتصاد قدرتمند دستاورد اقتصاددانان کوچک



«مؤسسه فرهنگی تربیت اقتصاد حکیم (مفتاح)» در «مرکز رشد و کارآفرینی دانشگاه اصفهان»، تولید محتوا در زمینه تربیت اقتصادی را آغاز کرده است. زهره میرجابری، مؤلف جوان و خوش ذوق کتاب اقتصاددان کوچک، کارشناس ارشد علوم اقتصادی از دانشگاه اصفهان است و اثرش حاصل علاقه‌ای است که به حوزه‌ی اثرگذاری اقتصاد در زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و معیشتی، از دوران دانشجویی در وی دیده می‌شد. گفت‌وگوی ما با خلق‌کنندگان این اثر نو و کاربردی که در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد تقدیری شد، در دو فضای جداگانه انجام شده است که ترکیب آن‌ها در ادامه می‌آید:

کتاب کاربردی «اقتصاددان کوچک» با هدف آموزش مفاهیم پایه‌ای اقتصاد به کودکان ۶ تا ۹ سال تدوین شده و در آن مفاهیم اقتصادی، همچون تولید و مصرف، تخصص و شغل، مبادله، پول و پس‌انداز، در قالب مثال‌های متنوع و جذابی ارائه شده‌اند. از این رو به سراغ تهیه‌کنندگان این اثر ارزشمند رفتیم تا از تجربه تولید آن جویا شویم.

گفت‌وگوی ما با دکتر مهدی طغیانی، ناشر و ویراستار علمی کتاب اقتصاددان کوچک و زهره میرجابری، مؤلف این اثر انجام شد. از فعالیت دکتر طغیانی در حوزه تربیت اقتصادی، بیش از یک دهه می‌گذرد. وی همچنین با همراهی استادان و دانشجویان دانشگاه اصفهان نزدیک به سه سال است که در

و مباحث مالی شخصی، داشته باشد، در محتوا آمده است. مباحثی چون انتخاب اقتصادی، تقسیم کار، تولید و منابع متفاوت آن، فرایندهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، و غیره را در کتاب پیش‌بینی کرده‌ایم. **میرجابری:** از آنجا که کتاب درصدد آموزش نحوه صحیح انتخاب و تصمیم‌گیری است، در این راستا انواع و اقسام مفاهیم اقتصادی به فراخور گروه سنی مخاطب که ۶ تا ۹ سال است، از طریق درس‌نامه‌ها، بازی‌ها و فعالیت‌های کلاسی به‌صورت کاربردی برای معلمان و مربیان تشریح شده‌اند تا با استفاده از این راهنمای کاربردی، بتوانند مفاهیم اقتصادی موردنیاز این گروه سنی را به‌صورت کاملاً کاربردی و مفید به کودکان تفهیم کنند.

■ **چه نیازی حس کردید که تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتید؟ الگویی هم برای این نوع از آموزش اقتصاد داشتید؟** **میرجابری:** زمانی که مشاهده کردیم، برخلاف سایر کشورها و حتی کشورهای همسایه که روی آموزش اقتصاد به کودکانشان سرمایه‌گذاری‌های آموزشی کلانی انجام داده‌اند، متأسفانه در کشور ما هنوز گام‌های اولیه هم در این راستا برداشته نشده است. تصمیم به مطالعه در حوزه آموزش اقتصاد به کودکان گرفتیم. در این مسیر منابع متفاوت آموزشی، از جمله روش‌های آموزشی، کتاب داستان‌ها، کتاب‌های آموزشی و تجربه‌های سایر کشورها، از جمله آلمان، آمریکا و ژاپن را مطالعه کردیم و به چارچوبی کلی برای آموزش اقتصاد از گروه سنی کودکان تا بزرگسالان رسیدیم. در نهایت تصمیم گرفتیم، یک سلسله کتاب‌های آموزشی برای مربیان و معلمان تألیف کنیم که در

■ **لطفاً کتاب «اقتصاددان کوچک» را به مخاطبان رشد جوانه معرفی بفرمایید.**

**طغیانی:** پروژه «اقتصاددان کوچک» بخشی از کلان پروژه‌ای است که در حوزه تربیت اقتصادی در دست اقدام داریم. این کلان پروژه، ایده‌ای است که درصدد اجرای آموزش مفاهیم اقتصادی از سنین کودکی تا اواخر دوره جوانی است (شامل سنین ۵-۳، ۹-۶، ۱۲-۹، ۱۵-۱۳ و ۱۸-۱۶). کتاب مربی و کتاب کار پروژه اقتصاددان کوچک، در سال ۱۳۹۶ چاپ شد. بقیه قطعه‌های این پازل هم در دست تهیه هستند. ساختار این کتاب به‌نوعی طراحی شده که حتی مربی‌ای که درس اقتصاد نخوانده است نیز بتواند مفاهیم اقتصادی موردنظر را به دانش‌آموزان منتقل کند و ما در نهایت بتوانیم نسلی تربیت کنیم که هم قدرت تحلیل و فکر اقتصادی داشته باشد و هم بتواند رفتارهای اقتصادی مناسب از خود بروز دهد. رفتارهای اقتصادی صحیح، آینده کشور را آبادتر از گذشته می‌سازد. این همان منطقی است که پشت برنامه اقتصاددان کوچک قرار دارد.

**میرجابری:** «اقتصاددان کوچک» کتابی است با هدف آموزش یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی؛ یعنی مدیریت انتخاب‌ها. بر این اساس که حوزه تأثیرگذاری اقتصاد را باید فراتر از مدیریت معیشت دانست.

■ **این کتاب دارای چه ساختار و محتوایی است؟**

**طغیانی:** ساختار کتاب درس‌نامه‌ای و طرح درسی است که باید در آموزش مفاهیم اقتصادی از آن استفاده شود. آگاهی، توانایی و یا شایستگی‌هایی که به نظر می‌رسد هر کسی باید در حوزه دانش اقتصاد

آن‌ها، مفاهیم اقتصادی و نحوه تدریس آن‌ها به گروه‌های سنی متفاوت آموزش داده شود. کتاب اقتصاددان کوچک اولین کتاب از این دوره چند جلدی است.

### ■ چرا این عنوان را برای کتاب انتخاب کردید؟

**میر جابری:** کتاب اقتصاددان کوچک درصدا آموزش نحوه تدریس مفاهیم اقتصادی از پایه‌ای‌ترین مباحث تا پیشرفته‌ترین مباحث به معلمان و مربیان و به فراخور گروه سنی مخاطب مفاهیم است. از آنجا که محتوای کتاب شامل آموزه‌های اقتصادی برای کودکان گروه سنی ۶ تا ۹ سال است، اقتصاددان کوچک از نظر نگارنده بهترین عنوان شناخته شد.

### ■ از نظر شما بهترین کتاب آموزشی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

**میر جابری:** از نظر من بهترین کتاب آموزشی، کاربردی‌ترین کتاب است. یعنی کتابی که محتوای آموزشی را، به گونه‌ای ملموس و تجسم‌یافته و البته قابل استفاده در زندگی و آینده، به مخاطبان خود ارائه دهد.

### ■ وجه تمایز کتاب شما با سایر کتاب‌های آموزشی و نکات مثبت آن در چیست؟

**طغیانی:** ما در حوزه آموزش مفاهیم اقتصادی در سنین کودکی، نمونه‌ای به این سبک نداریم. اگر نمونه‌هایی هم به صورت پراکنده وجود داشته باشند، ترجمه شده‌اند. کتاب اقتصاددان کوچک اولین کتابی است که به صورت تألیف در دسترس است و سعی شده از آخرین یافته‌های دانش اقتصاد استفاده شود و مفاهیم کاملاً کاربردی و در متن زندگی به بچه‌ها آموزش داده شود. قالب‌هایی مناسب بچه‌ها در آن پیش‌بینی شده است و بچه‌ها احساس می‌کنند که در کلاس مشغول بازی هستند. بچه‌ها فعالیت‌هایی را که کاملاً مناسب سنشان است، انجام می‌دهند و به هیچ‌وجه سخنرانی یا خطابه‌ای توسط مربی نداریم.

**میر جابری:** در حال حاضر آموزش مفاهیم اقتصادی هیچ جایگاهی در برنامه درسی دوره دبستان ندارد. اقتصاددان کوچک اولین و تنها کتابی است که تاکنون در این حوزه منتشر شده است. بنابراین، اصلی‌ترین ویژگی آن، در موضوع و شناختی است که آموزش می‌دهد. ضمن اینکه کتاب از نظر ساختار و مراحل تدریس، یک راهنمای کامل و کاربردی برای مربیانی است که کمترین آشنایی را با مباحث اقتصادی دارند و به آن‌ها می‌آموزد که مفاهیم به ظاهر دشوار اقتصادی را چگونه با روشی کودکانه می‌توان در عمق وجود کودکان نهادینه کرد؛ به نحوی که بتوانند آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار ببرند.

### ■ به عنوان نویسنده، انتظارتان از خوانندگان و کاربران کتابتان، از جمله معلمان و مربیان، چیست؟

**طغیانی:** طبیعتاً کاربر این کتاب معلمان یا مربیانی هستند که احساس می‌کنند، اقتصاد دانشی است که مورد نیاز بچه‌هاست. چرا که بچه‌ها باید انتخاب‌ها و تصمیمات اقتصادی داشته باشند. افرادی که این احساس نیاز را می‌بینند، علاقه‌مند می‌شوند و تصمیم می‌گیرند که آموزش‌هایی ارائه دهند. اما متأسفانه محتوای لازم در این زمینه در دسترس نیست. کتاب اقتصاددان کوچک به این افراد کمک می‌کند و قطعاً کتابی نیست که کسی صرفاً برای لذت شخصی آن را بخواند. قطعاً

کتابی کاربردی است و معمولاً کسانی از این کتاب استفاده می‌کنند که بخواهند در کلاس درس از آن استفاده کنند.

**میر جابری:** انتظار من از معلمان و مربیان این است که هنگام تدریس کتاب اقتصاددان کوچک، در درجه نخست روی تفهیم مفاهیم به کودکان و متعاقب آن اجرا و کاربرد مفاهیم در کلاس درس تمرکز کنند. چرا که هدف این کتاب صرفاً آموزش یک سلسله لغات و اصطلاحات جدید به کودکان نیست، بلکه هدف آن آموزش مهارت‌ها و کاربرد مفاهیم اقتصادی در عرصه‌های متفاوت زندگی است. همچنین، گرچه که این کتاب در حد امکان یک کتاب آموزشی، بازی‌ها و فعالیت‌های کلاسی را برای آموزش مفاهیم در خود گنجانده است، با این حال انتظار می‌رود مربیان و معلمان با توجه به شرایط و امکانات کلاس خود، بازی‌ها و فعالیت‌های جدید، اما مرتبط و اثرگذار را تدوین کنند.

### ■ اهمیت گنجاندن بحث آموزش اقتصاد را در برنامه درسی ابتدایی تا چه حد می‌دانید؟

**طغیانی:** ابتدایی دوره‌ای است که در آن، مفاهیم پایه در ذهن بچه‌ها شکل می‌گیرد و اقتصاد هم موضوعی است که باید به شکل پایه به آن نگاه کرد. مفهوم انتخاب‌ها و تصمیم‌های اقتصادی، چه تصمیم‌گیری‌های مالی چه در حوزه تولید، مصرف و شناخت تار و پود اقتصاد در اجتماع، مفاهیم پایه‌ای دارد که باید در این سن شکل بگیرد. البته در هر سنی می‌توانیم مفاهیم اقتصادی را که مفاهیم عامی بوده و برای همه لازم‌اند، آموزش دهیم. چرا که افراد با اقتصاد زندگی می‌کنند و انتخاب‌های اقتصادی انجام می‌دهند. اما شاید در سنین بالاتر به این اهمیت و به این اثربخشی نباشد و به همین خاطر معتقدم در دوره ابتدایی باید به آن توجه کرد. به علاوه، نتایج مطالعات ما در مورد کشورهای پیشرفته دنیا که در دو جلد از کتاب «تعلیم و تربیت اقتصادی» توسط «دانشگاه امام صادق (ع)» چاپ شده است، نشان داد که آن کشورها در سنین ابتدایی و حتی پیش از دبستان به بحث آموزش مفاهیم اقتصادی می‌پردازند و این ضرورت در همه جای دنیا شناخته شده است.

**میر جابری:** مطالعه علم اقتصاد صرفاً به یادگیری امور پولی و مالی، مانند بورس، سرمایه‌گذاری و در نهایت کسب ثروت محدود نیست. اقتصاد طبق یکی از بهترین تعریف‌هایش، علم مطالعه انتخاب‌ها تحت شرایط کمیابی است و کمیابی به شرایطی اطلاق می‌شود که نتوان همه خواسته‌ها را به‌طور هم‌زمان برآورده ساخت. کودکان نیز زمانی که نتوانند همه خواسته‌هایشان را به‌طور هم‌زمان برآورده کنند، با مسئله کمیابی روبه‌رو شده‌اند. آن‌ها نمی‌توانند هم‌زمان هم تلویزیون تماشا کنند و هم فوتبال بازی کنند. نمی‌توانند هم‌زمان دو اسباب‌بازی جدید داشته باشند. پس آن‌ها هم باید انتخاب کنند. با مطالعه علم اقتصاد، کودکان یاد می‌گیرند که چگونه در زندگی شخصی خود بهترین انتخاب را داشته باشند. بر همین اساس، آموختن علم اقتصاد از دوران کودکی ضرورت و اهمیت دارد.

مفاهیمی همچون کسب درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بودجه‌بندی مخارج و مشابه آن، از جمله آموزه‌های پولی و مالی هستند که باید از سنین کودکی آموزش داده شوند. اما باید این را هم دانست که اصل و بنیان هر اقدامی مبتنی بر انتخاب صحیح و تصمیم‌گیری درست است. آشنایی با مفاهیم اقتصادی پایه‌ای، یعنی آشنایی با هنر انتخاب

### طغیانی: ابتدایی

### دوره‌ای است که

### در آن، مفاهیم

### پایه در ذهن

### بچه‌ها شکل

### می‌گیرد و اقتصاد

### هم موضوعی

### است که باید

### به شکل پایه به

### آن نگاه کرد.

### مفهوم انتخاب‌ها

### و تصمیم‌های

### اقتصادی، چه

### تصمیم‌گیری‌های

### مالی چه در حوزه

### تولید، مصرف

### و شناخت تار و

### پود اقتصاد در

### اجتماع، مفاهیم

### پایه‌ای دارد که

### باید در این سن

### شکل بگیرد



**میرجابری:**  
**آشنایی با مفاهیم اقتصادی پایه‌ای، یعنی آشنایی با هنر انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح در زندگی شخصی، نحوه کنش و واکنش عوامل اقتصادی و تأثیر آن بر روند کلی اقتصاد و جامعه؛ که این مسائل نه تنها خود را در امور پولی و مالی نشان می‌دهند، بلکه در تمام عرصه‌ها و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیر گذارند.**

**■ تا چه اندازه به یادگیری اقتصاد در سند تحول بنیادین و هدف‌های آموزش و پرورش اشاره شده است؟**

**میرجابری:** در سند تحول بنیادین و هدف‌های آموزش و پرورش، به تعلیم و تربیت اقتصادی به‌عنوان یکی از ساحت‌های تعلیم و تربیت اشاره شده است. همچنین، تقویت و نهادینه‌سازی نهادهای اقتصادی از طریق آموزش در زمره راهبردهای کلان این سند قرار دارد.

**طغیانی:** سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به یادگیری اقتصاد توجه کرده و یک ساحت تربیت را با عنوان «ساحت اقتصادی و حرفه‌ای» به رسمیت شناخته است. اما متأسفانه سیر آمدن این ساحت و این نکات از سند تحول به کتاب‌های درسی به خوبی طی نشده است. آنچه که در سند تحول به آن پرداخته شده، به نحو خیلی رقیق‌تری وارد برنامه درسی ملی شده است. به نظر می‌رسد آن قدری که باید و شاید در آموزش و پرورش رسمی به‌صورت حرفه‌ای به هدف‌های سند تحول در ساحت اقتصادی پرداخته نشده است.

**■ از نکات مثبت کتابتان درس‌نامه‌های متنوع و جذاب کلاسی است. از این درس‌نامه‌ها و کاربرد آن‌ها بفرمایید.**

**میرجابری:** در کتاب اقتصاددان کوچک، ۱۸ مفهوم اقتصادی در قالب پنج فصل متوالی معرفی شده‌اند. در هر فصل، علاوه بر هدف‌های کلی و هدف‌های آموزشی، یک سلسله هدف‌های کاربردی زیر عنوان «کودک باید بتواند» وجود دارد که ناظر بر گروهی از آموزه‌های کاربردی است و انتظار می‌رود کودک، پس از تدریس فصل، قادر به رعایت و انجام آن‌ها به‌صورت عملی در زندگی روزمره خود باشد. بر همین اساس، در قسمتی با عنوان «فرایند تدریس»، تدریس مفاهیم در قالب تعدادی از فعالیت‌های کلاسی به مربیان پیشنهاد شده است. این فعالیت‌ها در چند قسمت و به‌صورت چند گام آموزشی آورده شده‌اند و شامل بازی، کتاب داستان، پوستر و اسلاید آموزشی می‌شوند. به نحوی که هر فصل دارای حداقل یک یا چند بازی، فعالیت کلاسی، و یک یا چند کتاب داستان است. انتظار می‌رود مربیان بتوانند با گرفتن ایده و سرخط از این فعالیت‌ها، گام‌ها و فعالیت‌هایی متناسب با امکانات و فضای کلاس درس خود تدوین کنند.

**■ اگر از شما بخواهیم منتقد کار خود شوید، چه خواهید گفت؟**

**طغیانی:** کتاب اقتصاددان کوچک اولین کار مجموعه ما بود و طبعاً کاستی‌هایی دارد. بعضی از محتواها و برنامه‌هایی را که در کتاب

رشد جوانه  
 شماره ۶۳  
 بهار ۱۳۹۸



آمده‌اند، شاید به سختی بتوان اجرا کرد. اما ما سعی کرده‌ایم در مجموعه‌های بعدی این موارد را لحاظ کنیم.

**میرجابری:** کتاب اقتصاددان کوچک اولین کتابی است که در حوزه آموزش اقتصاد به کودکان تألیف شده است و طبیعتاً خالی از ایراد و اشکال نیست. کم و کاست این کتاب زمانی خود را به درستی نشان می‌دهد که به‌صورت برنامه‌ریزی شده و در سطحی نسبتاً وسیع توسط مربیان و آموزگاران مورد استفاده قرار گیرد. به نحوی که بتوان از نظرات، انتقادات و دیدگاه‌های آن‌ها در بهبود این کتاب بهره جست. اما از نظر

خودم، شاید بتوانم کیفیت پایین چاپ کتاب را یکی از نقاط ضعف آن بدانم، چرا که به اقتضای بضاعت ناشر و به منظور کاهش تعداد صفحات کتاب، ناگزیر به کوچک کردن فونت آن شدیم که همین کار تا حدودی خواندن آن را دشوار کرده.

**■ آیا کتاب تازه‌ای در دست تألیف دارید؟**

**طغیانی:** قطعات مجموعه اقتصاددان کوچک در حال کامل شدن است و در مسیر تدوین اقتصاددان نوجوان هستیم. «اقتصاددان کوچک ۲» برای سنین ۱۰ تا ۱۲ سال و «اقتصاددان نوجوان» برای سنین ۱۳ تا ۱۵ سال، در حال آماده‌سازی است. این مجموعه کمک می‌کند تا دانش اقتصاد به نحو بهتری وارد برنامه درسی رسمی شود. ما هم برنامه مکمل اقتصاددان کوچک را با عنوان «اقتصادیار کوچک» در دست چاپ داریم که تا قبل از پایان سال ۱۳۹۷، چاپ خواهد شد. در مجموعه اقتصادیار کوچک، با رویکرد اقتصاد مقاومتی به سراغ مفاهیم اقتصادی رفته‌ایم تا تکمیل‌کننده مجموعه اقتصاددان کوچک باشد. مجموعه اقتصادیار کوچک نیز نو و جدید است و حتی برای کسانی که اقتصاد نخوانده‌اند، کاملاً کاربردی و مفید است.

**میرجابری:** زمانی که تصمیم به نگارش اقتصاددان کوچک گرفتیم، قرار بر این بود که جلد‌های بعدی این کتاب، حتی تا گروه سنی جوانان و بزرگسالان ادامه پیدا کند. متأسفانه همکاری من با ناشر پس از انتشار این کتاب قطع شد. من در حال حاضر، مشغول ترجمه کتابی داستانی برای گروه سنی نوجوانان از زبان ترکی استانبولی به فارسی هستیم. با این حال، هر زمان که امکان همکاری با ناشری علاقه‌مند به این حوزه وجود داشته باشد، این آمادگی را دارم که با رویکردی متفاوت و نوین، باز هم در این حوزه کار کنم.

**■ هر نکته دیگری که لازم می‌دانید، ذکر بفرمایید.**

**میرجابری:** از تمام مربیان و آموزگاران خواهش‌مندم که به این کتاب و به این حوزه آموزشی به‌عنوان یک ضرورت تربیتی برای کودکان بنگرند و ضمن به‌کارگیری آن در کلاس‌های آموزشی خود، نظرات و پیشنهادهایشان را، به استناد مشاهدات کاربردی و عملی در کلاس‌های درس، برای تکمیل و تصحیح کتاب به ما ارائه دهند تا بتوانیم نقش مؤثری در تربیت اقتصادی نسل آینده‌ساز کشور ایفا کنیم.

# کتاب‌های بدون مشابه در بازار



در این بین، علوم رایانه ارتباطی تنگاتنگ با آموزش پیدا کرده است و برای افزایش بهره‌وری و کیفیت بهتر آموزش، نیاز به یادگیری کار با رایانه، برای کودکان نیز به امری ضروری بدل شده است؛ از این رو با سرکار خانم «هما ملک» مؤلف یک مجموعه از کتاب‌های رایانه برای کودکان گفتگو کرده‌ایم. کتاب ایشان در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد برگزیده شده است.

امروزه علوم رایانه، چنان با زندگی روزمره درآمیخته است که آشنایی با مفاهیم و یادگیری آن، به یک اصل گریزناپذیر و ضروری تبدیل شده است.

برای سنجش توانایی افراد در مهارت‌های علوم رایانه، یک گواهی‌نامه بین‌المللی با عنوان (ICDL) International Computer Driving License

طراحی شده است. این گواهی‌نامه، تأییدکننده کفایت کاربران در انجام کارهای عمومی با رایانه و به عبارتی سواد الکترونیکی است.

■ آیا این مجموعه مجلدات دیگری برای پایه‌های دیگر خواهد داشت؟

این مجموعه برای پایه‌های پیش‌دبستان تا ششم تألیف شده است. البته پایه‌های چهارم تا ششم اخیراً و در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است.

■ اصولاً از نظر شما مهم‌ترین ویژگی‌های یک کتاب خوب و مناسب در زمینه آموزش مهارت‌های ICDL کدام است؟

مهم‌ترین ویژگی کتاب خوب این است که متن کتاب، حجم و طراحی آن متناسب با سن دانش‌آموزان باشد.

■ کتاب‌های این مجموعه، مبتنی بر متن هستند. به نظر می‌رسد این ویژگی باعث می‌شود، دانش‌آموزان اول دبستان نتوانند مستقیماً از آموزش‌های کتاب بهره بگیرند. یعنی لازم است آموزش و یادگیری در کنار یک شخص بزرگ‌تر صورت گیرد. آیا نمی‌شود کتاب به گونه‌ای تألیف شود که ویژگی خودآموز بودن آن حفظ شود؟

با توجه به استاندارد ارائه شده از طرف بنیاد ICDL، چاره‌ای جز این رویکرد وجود نداشت. البته از ابتدا کتاب به صورت خودآموز طراحی نشده است.

■ در کتاب به دستگاه تایپ قدیمی اشاره شده است که کودکان امروزی با آن آشنایی ندارند. آیا این موضوع برقراری ارتباط خواننده را با کتاب مختل نمی‌کند؟

تمام موارد ذکر شده در کتاب طبق استاندارد بوده‌اند. از نظر بنده آشنایی با دستگاه‌های قدیمی مانند ماشین تایپ، برای فهم بهتر قابلیت‌های رایانه مشکلی ایجاد نمی‌کند.

■ در هر یک از عنوان‌های مجموعه، برای طرح موضوع‌ها از شخصیت‌های متفاوت بهره گرفته‌اید. با عنایت به اینکه در هر عنوان، سطح مطالب متفاوت از عنوان‌های بعدی است و امکان دارد خواننده عنوان نخست، در پایه یا پایه‌های بعد عنوان‌های دیگر را بخواند، چرا شخصیت‌های ثابتی را در نظر نگرفته‌اید و ترجیح داده‌اید متفاوت باشند؟

برای ایجاد تنوع در طراحی گرافیکی کتاب‌ها، شخصیت‌های متفاوتی در نظر گرفته شده‌اند که البته مرتبط با شخصیت‌های اولین کتاب هستند.

■ در آغاز، ضمن تشکر، برای ورود به گفتگو، بخش‌هایی از زندگی علمی و فرهنگی خود را بیان کنید. در صورت امکان بفرمایید چطور به نویسندگی و تألیف کتاب روی آوردید و اولین اثر تألیفی شما یا مهم‌ترین آن‌ها چه بود. در کتاب‌هایی که تاکنون تألیف کرده‌اید، از نظر ساختار و محتوا، کدام یک بیشتر مورد رضایت شماست؟

بنده هما ملک، متولد بهمن ماه سال ۱۳۵۴ هستم. از ۲۰ سالگی کار خود را با تدریس علوم رایانه آغاز کردم. اولین مجموعه از کتاب‌های رایانه خود را برای کودکان به رشته تحریر درآوردم. کتاب‌های بنده در آن سال‌ها جزو اولین کتاب‌های آموزش رایانه برای کودکان بودند. در سال ۱۳۸۶ مجموعه کتاب‌های شش جلدی من موفق به دریافت عنوان تقدیری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. همچنین در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۷ به ترتیب دو جلد و سه جلد از کتاب‌هایم در جشنواره کتاب رشد برگزیده شدند.

■ با چه انگیزه‌ای تصمیم به تألیف مجموعه کتاب‌های رایانه برای کودکان گرفتید؟

از آنجا که از ابتدای فعالیت کاری‌ام به تدریس در دوره ابتدایی پرداختم، به نوشتن کتاب برای کودکان علاقه‌مند شدم. کتاب‌هایی که نوشتم به سفارش «بنیاد بین‌المللی ICDL» تألیف شده‌اند.

■ به نظر شما، آشنایی با فناوری‌های روز برای کودکان چقدر ضروری است؟

با توجه به اینکه رایانه یکی از ابزارهای اصلی فناوری اطلاعات و ارتباطات است، امروزه یادگیری اصولی آن مهم و ضروری است و می‌تواند به پیشرفت دانش‌آموزان کمک کند.

■ مجموعه کتابی که شما با موضوع رایانه تألیف کرده‌اید، چه امتیازی نسبت به کتاب‌های دیگر دارد. به عبارت دیگر، چه ویژگی‌هایی در این کتاب‌ها هست که در کتاب‌های مشابه نیست؟

به دلیل اینکه کتاب‌های مشابهی با این سبک و به زبان فارسی در بازار موجود نیست، پاسخ به این سؤال کمی سخت است. اما به‌طور کلی این کتاب‌ها به زبان ساده و به صورت داستانی ارائه شده‌اند و ظاهر جذابی دارند. همچنین سعی شده است از فعالیت‌های مرتبط با سرفصل کتاب‌های درسی در آن‌ها استفاده شود.

# حیات پویا در خدمت حیات پویا

گفت‌وگو با سمانه قائدیان



تربیت‌بدنی در آموزش‌وپرورش، به دنبال تحقیق و پژوهش بود و تاکنون چندین مقاله ISC و پنج کتاب با نام‌های «راز سلامت»، «بازی و ورزش»، «صد و هفتاد و ششمین غواص»، «اسماعیل مادرم شد!» و «حیات پویا» را به نگارش در آورده است. کتاب حیات پویا به عنوان اثر تقدیری در جشنواره شانزدهم کتاب رشد انتخاب شد و همین امر دلیلی برای گفت‌وگو با ایشان است.

سمانه قائدیان، متولد ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۳ در استهبان (از توابع استان فارس) است. وی تحصیلاتش را در دوره کارشناسی در رشته تربیت‌بدنی در دانشگاه فرهنگیان شیراز در تیرماه سال ۱۳۸۷ به اتمام رساند و موفق شد بلافاصله در مهرماه ۱۳۸۷، وارد دوره کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی با گرایش فیزیولوژی ورزشی (دانشگاه شهید باهنر کرمان) شود. از همان روزهای اول، علاوه بر تدریس درس

نیکومنش مساعدت فرمودند که در همین جا از ایشان تشکر می‌کنم.

■ **چطور شد که به فکر افتادید، موضوع حیات پویا را دستمایه تدوین یک کتاب قرار دهید؟**

■ **انتخاب بازی‌ها برچه اساسی بوده است یا در طراحی آن‌ها به چه عواملی توجه داشته‌اید؟**  
انتخاب بازی و تدوین آن در شش فصل با توجه به پرسش‌های همکاران و درخواست‌های آنان بود. فصل‌های اول و دوم به مهارت‌های مقدماتی (بازی‌ها در دوره ابتدایی) و پیشرفته (بازی‌ها در دوره متوسطه) اختصاص دارند که تا حد زیادی نیاز همکاران را برای ارائه و ترسیم بازی‌ها مرتفع می‌کنند. در فصل سوم مهارت‌های تویی، در فصل چهارم تمرینات ایستگاهی، و در فصل پنجم احادیث و جمله‌های ورزشی آماده شده‌اند که می‌توان در قالب طرح‌هایی شکل روی دیوار مدرسه از آن‌ها استفاده کرد. در آخرین فصل نیز مشخصه‌های پنج زمین ورزشی

حوزه تخصصی بنده «تربیت بدنی در آموزش‌وپرورش» است و غالباً با دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و متوسطه دوره اول تعامل دارم. در سال‌های اخیر جناب آقای دکتر مهرزاد حمیدی، معاون محترم تربیت بدنی و سلامت آموزش‌وپرورش، طرحی به نام حیات پویا برای مدرسه‌ها ارائه داده بودند. اواخر هر سال، همکاران سؤال‌های بی‌شماری درباره ترسیم شکل‌های بازی‌ها روی دیوار و کف حیات مدرسه می‌پرسیدند. با تحقیق و بررسی مطلع شدم تا کنون چنین کتابی ارائه نشده است. به همین دلیل ظرف مدت یک سال توانستم طرح‌های بازی‌های ورزشی را گردآوری و بعضی از آن‌ها را با تلفیق درس‌های دیگر طراحی کنم. در اواخر خرداد ماه ۱۳۹۶ بود که مجموعه «حیات پویا» را کامل کردم و برای چاپ آن همکار خوبم، جناب آقای

که در مدرسه‌ها کاربرد بیشتری دارند، آورده شده است تا در صورت نیاز به ترسیم، همکاران گرامی مشخصه‌های زمین را داشته باشند.

حرکات حیوانات و ... را دنبال می‌کنند، از جمله طرح‌هایی هستند که روی بئر چاپ می‌شوند.

■ سؤال دیگر دربارهٔ تصویرهای کتاب هست: اول اینکه به نظر تان با توجه به اینکه قرار است این کتاب مرجع و الگوی طراحی در مدرسه‌ها باشد، لازم نبود تصویرها قدری واضح‌تر و گویاتر باشند؟ دوم اینکه اتفاق عجیب و غریبی در تصویرها مشاهده می‌شود و آن این است که برخی نوشته‌ها و به‌خصوص عددها و رقم در اغلب تصویرها لاتین و به زبان انگلیسی هستند. به نظر شما در یک کتاب تألیفی، آن هم در تصویرهایی که قرار است در مدرسه‌های ما نقاشی شوند، چرا ناشر به چنین اشکالی توجه کافی نداشته است؟

دربارهٔ سؤال اول، به‌نظر بنده و تعدادی از همکاران که قبل از چاپ کتاب با آنان مشورت داشتم، تصویرها واضح و گویا بودند. البته فرمایش جناب‌عالی را می‌توان ان‌شاءالله در چاپ‌های بعدی همراه با اضافه شدن شکل‌های جدید مدنظر داشت. دربارهٔ نوشته‌های لاتین در برخی تصویرها، اول اینکه برخی طرح‌ها برگرفته از طرح‌های خارجی بودند که ترجیح دادم بومی‌سازی نشوند. دوم اینکه در کتاب، به طرح‌های تلفیقی تربیت‌بدنی با درس‌هایی چون علوم، فیزیک و ... اشاره کرده بودم. لذا برای تلفیق درس تربیت‌بدنی با زبان انگلیسی نیز از حرف‌ها و عددهای لاتین در برخی از بازی‌ها استفاده کردم.

■ به نظر می‌رسد لازم بود در حاشیهٔ برخی از بازی‌ها، با توجه به شرایط حیاط مدرسه‌ها، تذکراتی برای حفظ ایمنی دانش‌آموزان داده شود. ولی در کتاب نه تنها دربارهٔ یک بازی خاص چنین تذکری داده نشده، به‌صورت کلی هم به این موضوع توجه نشده است. به نظر تان این موضوع مهم نبود؟  
به نکتهٔ خیلی خوبی اشاره فرمودید. ان‌شاءالله در چاپ‌های بعدی به این مطلب می‌پردازم.

■ از شرکت شما در این گفت‌وگو سپاسگزارم. متقابلاً بنده نیز از شما تشکر می‌کنم و برای همگان، از خداوند متعال حیات پویا و سرشار از آرامش خواهانم.

■ به نظر می‌رسد اجرای برخی از طرح‌های پیشنهادی در حیاط مدرسه‌های ما مناسب نباشد. مثلاً طیف مرئی، با همهٔ دردسرهایی که در نقاشی کردنش وجود دارد، پس از مدت کوتاهی بر اثر تابش آفتاب و عوامل دیگر رنگ می‌بازد. به نظر شما لازم نبود به این جنبه‌ها بیشتر توجه شود؟

تمام همکاران تربیت بدنی اطلاع دارند که روی دیوارهای مدرسه‌ها، به‌خصوص در دورهٔ ابتدایی، شکل‌های زیبایی، (که اکثراً هم ورزشی نیستند) کشیده شده‌اند. از آنجا که نقاشی‌های روی دیوار ماندگارتر از روی زمین هستند، لذا نقاشی‌هایی چون طیف مرئی که در کتاب حیاط پویا آمده‌اند، نسبت به نقاشی‌هایی که صرفاً جنبهٔ زیباسازی محیط دارند، رنگ کمتری مصرف می‌کنند. البته ناگفته نماند که به نکتهٔ خوبی اشاره فرمودید. بنده نیز در بندهای آخر پیشگفتار یادآوری کرده‌ام که برای ماندگاری بیشتر به نوع رنگ دقت کنند. چه بسا رنگ‌های «ترافیکی» ماندگاری بیشتری داشته باشند.

■ در بخش ایستگاه‌های نرمش، جایی از بچه‌ها خواسته‌اید رفتارهای حیوانات را شبیه‌سازی کنند. در نظر گرفتن چنین ایستگاهی با چه هدفی بوده است؟ خصوصاً در اغلب آن‌ها بچه‌ها یا باید روی زمین چهار دست و پا راه بروند، یا بخزند و یا بنشینند. آیا با توجه به وضعیت حیاط مدرسه، این رفتارها به لحاظ بهداشتی صحیح به‌نظر می‌رسند؟ در این بازی خاص، تکلیف نظافت دست‌ها و لباس‌ها چه می‌شود؟

در این کتاب در فصل «مهارت‌های مقدماتی» در قسمت بازی «لی‌لی» اشاره شده است که می‌توان طرح‌ها را روی پارچه یا بئر چاپ کرد تا همهٔ مدرسه‌ها (حتی مدرسه‌هایی که فضای مناسبی ندارند، یا دارای زمین چمن یا سالن سرپوشیده هستند)، از هدف‌های متعدد بازی‌ها بهره ببرند. طرح‌هایی همچون شبیه‌سازی حرکات حیوانات که هدف‌های بسیاری (چون تقویت عضلات موضعی، تقویت تعادل، آشنا شدن با نحوهٔ



## کتاب برگزیده به انتخاب داوران دانش آموز

گزارشی از جایزه کتاب برلیان

جایزه کتاب برلیان «جایزه‌ای سالانه است که با رأی‌گیری از دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم در مدرسه‌های «ناتینگهام شایر»، «ناتینگهام سیتی» و «دربی شایر» به برنده اعطا می‌شود. برنامه اجرایی جایزه هر سال از ماه سپتامبر آغاز و تا مارس سال بعد ادامه می‌یابد. پس از آن، دانش‌آموزان شرکت‌کننده در رأی‌گیری، همه کتاب‌های نامزد شده را می‌خوانند و به کتاب مورد علاقه خود رأی می‌دهند.

که نامزد دریافت جایزه هستند، فرصت بسیار خوبی برای پروبال دادن به این شور و اشتیاق، و خلق کتاب‌خوان‌هایی برای آینده است.

برنامه امسال با مراسمی در کتابخانه «منسفیلد»، در ماه دسامبر ۲۰۱۸ شروع شد که در آن، ۱۷۰ نوجوان از مدرسه‌های ناتینگهام شایر و دربی‌شایر حضور داشتند. در این مراسم، ابتدا جایزه سال پیش، به نویسنده کتاب برگزیده تقدیم شد. نویسندگان حاضر با بچه‌ها گپ زدند و برایشان کتاب امضا کردند و البته پیش از این رخداد، کارهای سخت زیادی انجام شده بود تا فهرستی با کیفیت از آثار نامزد انتخاب شود. کتابداران «مرکز خدمات کتابخانه‌ای-آموزشی»، به همراه گروهی از داوران محلی واجد شرایط، همه ۲۶ کتاب واجد شرایط را خواندند تا از بین آن‌ها فهرست شش‌تایی نامزدها را انتخاب کنند.

سپس مرحله خواندن کتاب‌ها در مدرسه‌های شرکت‌کننده شروع می‌شود. معلم‌ها و کتابداران، گروه‌های کتاب‌خوان را مدیریت می‌کنند. گروه سنی هدف، سال‌های هفتم، هشتم و نهم هستند. بررسی‌ها و نقدهای دانش‌آموزان روی وب‌گاه قرار می‌گیرند. همین‌طور برای افزایش شور و اشتیاق دانش‌آموزان،

جایزه‌ای که داوران آن دانش‌آموز باشند، فکر بسیار خوبی است و هیجان‌انگیز است که بشنویم آن‌ها چه نویسنده‌ای را به‌عنوان برگزیده انتخاب می‌کنند. این روزها مواجه شدن با جایزه‌های متعدد کتاب، چیز عجیب و غریبی نیست، اما نظرتان درباره جایزه کتاب برلیان چیست؟ جایزه‌ای که تعداد زیادی از دانش‌آموزان مدرسه‌های محلی، در ناتینگهام شایر درگیر آن هستند. امسال، در یازدهمین سال برگزاری این جایزه، نوجوانان بیش از ۳۵ مدرسه در منطقه برای انتخاب نویسنده برگزیده رأی می‌دهند. این مسابقه توسط «مرکز خدمات کتابخانه‌ای-آموزشی ناتینگهام شایر» برنامه‌ریزی و توسط فروشگاه کتاب «بوک‌کیس» در دهکده «لودهام» پشتیبانی می‌شود.

کتاب‌های هر سال، از بین عنوان‌هایی که در آن سال در بریتانیا چاپ شده‌اند، انتخاب می‌شوند و برای مطالعه و اظهار نظر در اختیار دانش‌آموزان علاقه‌مند قرار می‌گیرند. واقعیت این است که برگزیدن کتاب یا نویسنده، مهم‌ترین هدف این مسابقه نیست. دستاورد واقعی این مسابقه، درگیر شدن تعداد زیادی نوجوان در این فرایند و ایجاد شور و اشتیاق خواندن در آن‌هاست. همین‌طور دیدار نوجوانان با نویسندگانی



## ضوابط اهدای جایزه برای سال ۲۰۱۸

● اثر داستانی برای کودکان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مناسب باشد.

● اولین بار به شکل جلد شُمیز در بریتانیا منتشر شده باشد (یا کتابی که قبلاً در خارج از بریتانیا منتشر شده و اولین بار در بریتانیا به صورت جلد شُمیز / جلد نازک منتشر شده باشد) و این انتشار بین دوره زمانی اول می ۲۰۱۷ تا سسی‌ام آوریل ۲۰۱۸ انجام گرفته باشد. در کتاب‌هایی که به شکل مجموعه منتشر می‌شوند، فقط عنوان اول واجد شرایط شرکت در مسابقه است.

● در تاریخ بیست‌وششم نوامبر ۲۰۱۸ برای خرید در دسترس باشد تا در فهرست نامزدها گنجانده شود.

● آنقدر دلپذیر باشد که خواننده مجذوب آن شود.

● مستقل باشد.

● با خواننده ارتباط عاطفی برقرار کند.

● شخصیت‌های آن باورپذیر باشند.

● پایان رضایت‌بخش داشته باشد.

## تاریخ رخدادهای

۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸: مدرسه‌ها برای انتخاب نامزدها رأی می‌دهند.

۲۶ نوامبر ۲۰۱۸: فهرست نامزدها اعلام می‌شود.

۲۰ نوامبر ۲۰۱۸: به‌عنوان تاریخ نهایی ثبت‌نام برای شرکت در مسابقه اعلام می‌شود.

نوامبر ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹: کتاب‌های نامزد شده در مدرسه‌ها خوانده می‌شوند.

۱۱ مارس ۲۰۱۹ تا ۱۸ مارس ۲۰۱۹: مدرسه‌ها برای انتخاب برنده رأی می‌دهند.

۱۸ مارس ۲۰۱۹: برنده اعلام می‌شود.

گزارش بازدیدهای بیشتر نویسندگان نامزد در وبگاه‌ها پوشش داده می‌شود. امسال سه نویسنده از منطقه بازدید و در مدرسه‌ها با دانش‌آموزان ملاقات کردند.

با مراجعه به وبگاه مسابقه می‌توان نظرات نوجوانی را دید که در این مسابقه همکاری دارند. یکی از آن‌ها نوشته است: «من از کشف نویسندگان تازه و خواندن ژانرهای جدید لذت می‌برم و این همکاری باعث شده است، بیشتر کتاب بخوانم.»

دیگری نوشته است: «من از دیدن فهرست کتاب‌های نامزد و مشاهده نویسندگان متفاوت آن‌ها خرسند شدم. من شرکت در مسابقه کتاب‌خوانی را هم خیلی دوست داشتم.»

آزمون کتاب‌خوانی جزء دیگری از فرایند مسابقه است که هیجان زیادی می‌آفریند. در این آزمون، سؤال‌هایی زیرکانه براساس محتوای کتاب‌هایی که نامزد جایزه هستند، طرح می‌شوند و گروه‌هایی از دانش‌آموزان مدرسه‌های گوناگون به آن‌ها پاسخ می‌دهند. یک رقابت جایزه‌دار به هیجان مسابقه می‌افزاید.

در شرایطی که درباره سطح سواد جمعیت جوان ما، به صورت ملی و هم اینجا در نائینگهام، اظهار نگرانی شده است، برگزاری این مسابقه شایسته تجلیل است. خلق چنین شور و هیجانی برای کتاب و کتاب‌خوانی بسیار گران‌بهاست.

## هدف‌های جایزه کتاب برلین

● افزایش توانایی خواندن کودکان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم؛

● بالا بردن توجه به ادبیات کودکان؛

● دادن حق اظهار نظر به کودکان از طریق خواندن برای لذت بردن؛

● شناخت آثار ممتازی که محبوب هم هستند.

دیدار نوجوانان  
بانویسندگان  
که نامزد دریافت  
جایزه هستند،  
فرصت بسیار  
خوبی برای  
پروبال دادن  
به این شور و  
اشتیاق، و خلق  
کتاب‌خوان‌هایی  
برای آینده است



امضای کتاب، توسط یکی از نویسندگان برگزیده



## یک الاغ و این همه ماجرا

نگاهی به کتاب نجات الاغ، برگزیده شانزدهمین جشنواره کتاب رشد

### نجات الاغ

نویسنده: فاطمه دهقان نیری

ناشر: محراب قلم

تعداد صفحه‌ها: ۲۲۸

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۵ هزار ریال

این کتاب، داستان نوجوانی به نام محمد را بیان می‌کند که به جبهه اعزام شده است. او در پیاده‌روی‌های گردان، روی تخته سنگی در دیواره دره، الاغی زخمی می‌بیند و تصمیم به نجات و مداوای حیوان می‌گیرد. با کمک دوستانش و با زحمت فراوان، الاغ را به مقر می‌برند. زخم پای الاغ عفونت کرده و باید پایش را قطع کنند تا زنده بماند، یا اینکه او را بکشند و راحت شود.

محمد یکی از پزشکان را با ترفند به مقر می‌آورد تا حیوان را مداوا کند. او تصمیم دارد الاغ را به روستایی در شمال ببرد؛ به خانه عمه‌اش که الاغی به نام پشمینه دارد. اما باید تا پایان عملیاتی که در پیش است، صبر کند. عده‌ای مأمور جمع کردن الاغ‌های منطقه شده‌اند. می‌آیند که الاغ محمد را ببرند، ولی او با آن‌ها دست‌به‌یقه می‌شود. محمد الاغ را به هر زحمتی است با خود به روستا می‌برد، ولی اتفاق عجیب دیگری برایش می‌افتد. در داستان کلاسیک معمولاً شخصیت اصلی هدفی را دنبال می‌کند و برای رسیدن به آن هدف موانعی وجود دارد. بدیهی

است رفع آن می‌تواند دلیلی برای جذابیت باشد و مخاطب را با خود همراه کند. همان‌طور که در خلاصه داستان دیدیم، هم هدف و هم مشکل با سن مخاطب اثر که در اینجا نوجوان است، خوب انتخاب شده‌اند.

کتاب نجات الاغ پر است از ماجراهایی که در اصطلاح «خرده روایت» نامیده می‌شوند؛ گرچه گاهی این داستان‌های حاشیه‌ای موجب اطناب اثر و از حوصله مخاطب خارج شده‌اند. مثلاً در صفحه ۳۸، محمد می‌رود گاری را می‌آورد، ولی ما برای خواندن همین جمله با تاریخچه گاری هم آشنا می‌شویم که ربطی به داستان ندارد:

گاری توی محوطه عجیب بوی نفت می‌داد. هر چه هم آن را شسته و آفتاب داده بودند، فایده نداشت. نفت به خورد چوب‌های کف گاری رفته و شده بود جزوی از وجودش. عمویحیی گفته بود قبلاً گالن‌های بیست لیتری نفت را می‌گذاشته توی آن، توی کوچه پس کوچه‌ها می‌چرخیده و به مردم محلشان نفت می‌فروخته. معروف بوده به عمونفتی. بعد که نفت جیره‌بندی می‌شود و مردم می‌بایست در صف‌های طولانی بایستند تا نفت بگیرند، کار و کاسبی عمویحیی هم کساد می‌شود. بعد که جنگ شروع می‌شود، یکی دو بار می‌آید جبهه و بعد می‌بیند گاری‌اش بیشتر از خودش به کار می‌آید. یک بار که از محلشان کمک‌های مردمی می‌آوردند، او هم گاری‌اش را روی اجناس گذاشته و آورده بود جبهه.

وسط محوطه که رسید، علی جلوی گاری سبز شد: «عمویچی می‌آد دمار از روزگار من در می‌آره. کجا می‌بری گاری رو؟» محمد گاری را هل داد به سمت او و گفت: «کارش دارم. الان برمی‌گردونم.»

علی خم شده و جلوی گاری را گرفته بود که به ساق پایش نخورد. گفت: «صبر کن. عمویچی الان دیگه می‌یاد.» گفت: «برو کنار ببینم! الان برمی‌گردونم.» محمد پنجه‌هایش را روی دسته گاری محکم کرد، آن را هل داد...

از نکات قابل تحسین کتاب، وجود رگه‌های طنز در لایه‌های متفاوت اثر است که موجب خواندنی‌تر شدن آن شده است؛ مثل صفحه ۴۰:

چند نفر جلو آمدند. فریدون، کیارش و چند نفر دیگر هم به تماشا ایستادند. سم‌های الاغ را گرفتند، آن را بلند کردند و کشیدند تا سایه درخت. محمد نشست و چفیه را از دور پای الاغ باز کرد. کرم‌های سفیدی روی زخمش وول می‌خوردند. بوی عفونت روی هوایی که جابه‌جا می‌شد، پخش شد و همه رو برگرداندند. یکی‌شان گفت: «فانقار یا شده.» - باید پاش رو قطع کنی تا زنده بمونه.

علی گفت: «امدادگر، بیا تنفس دهن به دهن بده!» بقیه خندیدند. علی ادامه داد: «ماساژ قلبی هم می‌خواد.» یکی دیگر از نکات قابل توجه اثر شروع نابجاست. آغاز داستان از روی زخم چرک کرده الاغ، کشش شروع داستان را از بین برده است:

کرم‌های تپل سفید در شکاف زخم وول می‌خوردند. کمرشان را خم و چاق می‌کردند. سر و دُمشان به هم نزدیک و دور می‌شد تا کمی در مایع لزج لای زخم جابه‌جا شوند؛ زخمی که لای موهای به گل چسبیده پای الاغ، دهان باز کرده بود. هربار که دُمش را تاب می‌داد، فوج مگس‌ها بلند می‌شدند و دوباره می‌نشستند، و باز دمش را تاب می‌داد؛ اما مگس‌های سمج خیال رفتن نداشتند. بوی چرک و عفونت آن‌ها را به سمت زخم می‌کشاند. لایه‌ای از خاک روی تنش را پوشانده بود. یک سُمش زیر تنش بود و دیگری زیرپوزه‌اش. گاه‌گاه پلک‌های بزرگش را با ردیف مژه‌های خاک گرفته از هم باز می‌کرد، پوزه‌اش را بالا می‌آورد و نگاهی به اطراف می‌انداخت و بعد دوباره پلک می‌بست. افتاده بود روی تخته سنگی که تیره‌تر از سنگ‌های دیگر بود. اطرافش سنگ بود و سنگ‌ها که در سکوت سنگین، روی دیواره در هم فرو رفته بودند، چنان به هم چسبیده بودند که انگار از درون هم بیرون آمده باشند.

این کتاب بازخوانی نشده و انگار با عجله چاپ شده است. در جاهایی از کتاب خطاهایی وجود دارد که حتم دارم، با یک بار خواندن کتاب از دید هیچ خواننده‌ای مخفی نمی‌ماند. صفحه ۵۳ کتاب را با هم می‌بینیم:

چشم‌هایش را بسته بود و گوشش گرم شنیدن بود که سنگینی حضوری را بالای سرش حس کرد. پلک باز کرد.

فریدون و حسین روبه‌رویش ایستاده بودند. محمد همچنان به تار زنبورک ضربه می‌زد و صدا توی هوا پخش می‌شد. حسین و فریدون هم کنارش نشستند. صدایی مثل ترکیدن توپ فوتبال آمد و آن دور، کم‌کم دود سیاهی قد می‌کشید و بالا می‌رفت. هواپیمایی با سرعت از بالای سرشان گذشت. فریدون گفت:

محمد زنبورک می‌نواخت. خورشید نبود و روشنی روز کم کم می‌رفت.

غیر از این موارد که بیشتر ناشی از بد سلیقگی است، ذکر چند نکته دیگر را ضروری می‌دانم:

● اثر طولانی شده است.

● گاهی بعضی از ماجراها غیر منطقی‌اند؛ مثل فراری دادن الاغ از پاسگاه و یا درگیری با نیروهای کمیته.

● در برخی از جاهای اثر، نویسنده وارد داستان شده است و به قول اهل فن، رد پای او در داستان دیده می‌شود. مثل اصرار محمد به کاربرد ضرب‌المثل‌های حاوی کلمه خرا! که می‌توانیم برخی از این جاها را هم با بخوانیم:

«کسی توجهی به عرعر شما نداشت، ولی اون قدر تلاش و مقاومت به خرج دادین که شدین ضرب‌المثل ما: مثل خر کار می‌کنه؛ مثل خر بار می‌بره و ... برای خودمون جک ساختیم، غافل از اینکه یکی یکی خصلت‌هاتون رو به ما می‌دادین، همه‌اش هم با همون صبوری، لنجت رو کج نکن. دندون‌هات رو هم نشون نده. نیش‌خند می‌زنی؟ خوشت اومده؟ صبر کن تا آخرش رو بشنوی ...»

بلند شد. الاغ را هی کرد و همراه هم کنار جوی راه افتادند. الان جلو افتاده بود. محمد دو سه قدم بلند برداشت و گفت: «صبر کن! حرفم هنوز تموم نشده.»

افسار الاغ را گرفت. جلو افتاد و گفت: «اگه کسی سلام نکرد، گفتند مثل دست خره؛ اگه حرف زور زد، گفتند عجب خربه؛ اگه خواست زن بگیره، گفتند خر شده، یا داره خر می‌شه یا دارند افسارش می‌کنند و اگه آدم بدی رفت به یه جایگاهی رسید، گفتند خر همون خره، پالونش عوض شده. بالاخره واسه هر بدی، از خر مایه گذاشتن. شما هم سکوت کردین و بار بردین و سواری دادین. تا وقتی که ما مثل خر توی گل موندیم و گفتند خر بیار و باقالی بار کن. حالا خر باید ابوالبشر رو نجات می‌داد. می‌بینی کارش به کجا کشید؟ الاغ باید کمکش می‌کرد. مثل همون اوایل که با اهلی شدن به کمک بشر اومد و بارهاش رو برد. اما باز هم الاغ. الاغه. خیال نکن که برتر شدی. باز هم تو بار می‌بری برای ما. من سواره‌ام و تو پیاده.»

اما مهم‌ترین ویژگی اثر نگاه انسانی به مقوله جنگ است. در فضایی که توپ و تفنگ و تیر وجود دارد، حضور نوجوانی حیوان‌دوست و انگیزه اخلاقی او برای نجات حیوان و برگرداندنش به پشت جبهه، بسیار قابل تأمل و احترام است. به این ویژگی باید غافلگیری انتهای داستان را نیز افزود که برای مخاطب کاملاً غیرقابل پیش‌بینی است.



## فهم فناوری نانو به یاری داستان

نقدی بر کتاب «آسان بر فضایی»

نام کتاب: آسان بر فضایی

مؤلف: سمانه علی رضازاده باقری

سال انتشار: ۱۳۹۶

مخاطب: هنر آموز

ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

بوده است.

اصولاً تشریح مفاهیم پیچیده دنیای علم برای دانش آموزان نوجوان، به دلیل ناآشنایی آنان با مفاهیم پایه علوم فیزیک و شیمی، بسیار دشوار و خسته کننده است و گاه برای ادای حق مطلب، نویسنده مجبور به درازگویی و زیاده گویی می شود. اما در کتاب آسان بر فضایی، نویسنده برای جلوگیری از خستگی خواننده از یک سو، و توضیح تمام مفاهیم اصلی و فرعی مطرح شده در کتاب از سوی دیگر، از تکنیک داستان گویی استفاده کرده است؛ خلق فضای کلاس درس که در آن شاهد گفت و گوی معلم با دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر هستیم.

پرسش های معلم از شاگردان و خود شاگردان از یکدیگر، هر یک به طرح و تشریح یک موضوع و مفهوم جدید منجر می شود. بدین ترتیب با این تکنیک نه تنها خواننده نوجوان خسته نمی شود، بلکه با هر سؤال ابتدا کمی به فکر فرو می رود و سپس پاسخ را از زبان معلم یا شاگردان کلاس فرا می گیرد. ضمناً هر جا که به توضیح بیشتر برای فهم اصطلاحات تخصصی نیاز بوده، نویسنده به خوبی و فوراً پس از مطرح شدن آن اصطلاح، به توضیح آن پرداخته است. البته نباید از این نکته غافل شد که به کارگیری شخصیت های متعدد (محمد، باردین، بارمان، مهریار، سپهر، فرزین، سینا و علی) و برقراری دیالوگ بین آنها

کتاب «آسان بر فضایی»، تألیف سمانه علی رضازاده باقری است. وی متولد ۱۳۵۹ و لیسانس فیزیک از دانشگاه فردوسی مشهد و فوق لیسانس همین رشته از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است. کتاب در ۸۴ صفحه توسط «انتشارات مدرسه» به چاپ رسیده و از محتوا و رده بندی دیوبی آن پیداست که هدف اصلی کتاب معرفی نانو به عنوان یک «فناوری» و تشریح کاربردهای آن برای دانش آموزان دوره اول متوسطه است. این را می توان از عبارت «آشنایی با فناوری نانو» که زیر عنوان اصلی کتاب نوشته شده است هم متوجه شد.

درون مایه اصلی کتاب تا حد بسیاری با دنیای بیرون و واقعیت های فناوری نانو مطابقت دارد. نویسنده به خوبی تلاش کرده است به زبانی ساده اما گویا و قابل فهم، مفاهیم پیچیده دنیای فیزیک و نانو را برای مخاطب نوجوان خود توضیح دهد. به کارگیری جمله های کوتاه و استفاده از کلمه های ساده و قابل فهم برای دانش آموز ابزار مناسبی برای رسیدن به این هدف

ممکن است باعث سردرگمی مخاطب نوجوان شود. چرا که اصولاً کودک و نوجوان با داستان همراه می‌شود و معرفی بیش از چهار شخصیت در یک کتاب علمی ممکن است نظم ذهنی او را بر هم بزند.

جای خالی مقدمه نویسنده و توضیحات لازم درباره محتوای کتاب به شدت احساس می‌شود؛ اینکه هدفش از نوشتن این کتاب و دلیل انتخاب این موضوع (فناوری نانو) چه بوده است. اینکه آیا تمام کاربردهایی که از فناوری نانو مثال زده است، هم‌اکنون به واقعیت پیوسته‌اند یا برخی همچنان در مرحله ایده هستند.

بهتر بود نویسنده در پایان کتاب، بخشی را به عنوان «واژه‌نامه» در نظر می‌گرفت و معادل انگلیسی لغت‌های تخصصی را در آن بخش می‌آورد و حتی برای برخی لغت‌ها توضیحات کوتاه ارائه می‌داد. اگرچه در چند مورد (تنها ۱۱ اصطلاح در سراسر کتاب) شاهد ارائه معادل انگلیسی در پانویس صفحه‌ها هستیم، با وجود این، توضیح کافی برای بیشتر لغت‌های تخصصی آورده شده است. برای مثال «گرافن» در صفحه ۱۰، «بارش شهابی» در صفحه ۲۰، «قانون کولن» در صفحه ۷۱ و بسیاری لغت‌ها و اصطلاح‌های دیگر در متن یا پانویس‌های کتاب به خوبی توضیح داده شده‌اند.

ارتباط و اتصال مطالب از یک موضوع به موضوعی دیگر و از یک فصل به فصلی دیگر به خوبی انجام شده است و پیوستگی مناسبی بین مطالب وجود دارد. برای نمونه، در پایان فصل اول به این گفت‌وگو بین دانش‌آموزان برمی‌خوریم:

سینا: جای بهرام خالی است. او عاشق ستاره‌هاست.  
محمد: از او خبری داری؟

سینا: بله، امروز به دیدنش رفته بودم. می‌گفت که مرد ربّاتی شده است. ویروس‌هایی که بدن بهرام را آلوده کرده‌اند، به داروها مقاوم شده‌اند. پزشکان هم برای درمان به او تعدادی ربّات تزریق کرده‌اند.

...  
سینا: پزشک بهرام عکس‌هایی از آن‌ها (ربّات‌ها) را به او داده است. این عکس‌ها با میکروسکوپ الکترونی گرفته شده‌اند ...  
بدین ترتیب و با این گفت‌وگو زمینه‌سازی لازم برای ورود به فصل دوم انجام می‌شود؛ میکروسکوپ‌هایی برای دنیای نانو.

اگرچه معرفی انواع میکروسکوپ‌های الکترونی (روبشی، عبوری، نیروی اتمی و ...) در این فصل به زبانی بسیار ساده انجام گرفته است، به نظر می‌رسد همچنان فراتر از درک مخاطبان هدف این کتاب باشد. با وجود این، معرفی انواع فناوری‌های حاصل از علم نانو و سایر علوم مانند ردای پنهان‌کننده، لباس محافظ، چتر نجات، دستگاه قوس الکتریکی و ... و داستان‌سازی حول این فناوری‌ها، به قدر کافی برای مخاطب جذابیت ایجاد می‌کند که کتاب را مشتاقانه تا انتها مطالعه کند.

همان‌طور که اشاره شد، متن کتاب روان و سلیس است. ویراستاری کتاب نیز در مقایسه با سایر کتاب‌های موجود در بازار با دقت و ظرافت کافی انجام گرفته است و به جز سه مورد در کل کتاب، مشکل دیگری مشاهده نشد. صفحه‌آرایی خوب است، اگرچه می‌توانست بهتر هم باشد. به‌ویژه در رابطه با چینش تصویرها و توضیح‌های هر تصویر که گاهی از زیبایی صفحه‌ها کاسته است. تصویرهای کتاب در بعضی موارد رنگی و در بعضی موارد دیگر سیاه و سفید هستند. بهتر بود در این خصوص نویسنده و (نه صفحه‌آرا) وسواس و دقت بیشتری به خرج می‌داد. برای مثال، تصویرهای عبور نور از منشور و تجزیه آن و همچنین طیف الکترومغناطیسی نور مرئی (صفحه ۲۴) تنها به شرط رنگی بودن است که باعث درک صحیح آن توسط دانش‌آموز می‌شود.

هم در فهرست و هم در صفحه آغازین هر فصل، فصل‌ها شماره‌گذاری نشده‌اند. به علاوه، هر فصل به جای اینکه با شماره صفحه فرد آغاز شود، بلافاصله از صفحه بعد از پایان فصل قبل آغاز شده است. با این همه رنگ‌بندی مجزای حاشیه صفحه‌های هر فصل، به راحتی می‌تواند مخاطب نوجوان را بین فصل‌های گوناگون کتاب جابه‌جا کند.

در مجموع می‌توان گفت کتاب پیش رو محتوای بسیار مناسبی دارد و به راحتی می‌تواند مخاطب خود را راضی کند. مطلع بودن نویسنده و همچنین تسلط او در نگارش این کتاب به خوبی احساس می‌شود. کتاب اندیشه دانش‌آموز نوجوان را به چالش می‌طلبد و در پایان دانش او را بالا می‌برد. مطالعه آن نه تنها به نوجوانان، بلکه (با چشم‌پوشی از فرم داستانی آن) به جوانان و حتی فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها که تمایل به کسب اطلاعات درباره فناوری نانو دارند نیز توصیه می‌شود.



## گفتمان دلتنگی در خیابان پاییزی

نقدی بر کتاب خداحافظی در خیابان پاییز، سرودهٔ مریم اسلامی

### الف. مروری بر زیبایی‌هایی که یک دلتنگی را دلنشین کرد

مضمون‌های این مجموعه عموماً حول محور درون‌مایه‌هایی چون مهربانی، عشق و دوستی نوسان دارد. مریم اسلامی برداشت‌هایی از دنیای پیرامونش را بر بستر عمومی زندگی به تصویر کشیده است. تصویرهایی که با وجود سادگی روایتگر نکات ارزشمندی برای مخاطب نوجوان‌اند. او به این دنیا معمولاً از دریچهٔ چشم مخاطب نوجوان نگرین است. مثلاً نوجوانی که از بدخلقی معلمش به تنگ آمده و آمدن برف را به آمدن او ترجیح داده است: «... کاش آن ابر بی خیال دور/ نیمهٔ شب به حرف آمده بود/ تا به جای نگاه سنگینت/ صبح امروز/ برف آمده بود!» (ص ۶).

در اینجا تناسب واژه‌های «نگاه و سنگین» و «برف و سنگین» نیز قابل توجه است. این تناسب نشان از نقش کلیدی واژه «سنگین» در این شعر دارد. چون هیچ کلمه‌ای را نمی‌توان جایگزین آن کرد. آرزوی دوستی و مهربانی را در تصویرهای سادهٔ شعرهایی مثل «کاش برف»، «دوست» و «رودخانه» می‌توان دید. یا در شعرهای «خداحافظی در خیابان پاییز»، «خاطرات»، «روی تارهای صوتی جهان» و «روی قلعه‌های دور»، از دلتنگی‌هایی گفته شده است که هر نوجوانی آن‌ها را در زندگی بارها تجربه کرده است.

از منظر زیبایی‌شناسی، «عنوان» یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اثر است. «عنوان‌ها در فضا سازی، درک شعر، تبیین درون‌مایه، و بیان اندیشه‌ها، عاطفه و جنسیت شاعر و ... نقش دارند. به‌طور کلی، گاه نمی‌توان شعر را بدون توجه به‌عنوان به‌صورت دقیق مورد خوانش قرار داد» [دهرامی، ۱۳۹۴: ۳۴]. عنوان شعرهای این مجموعه را شاید بتوان در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد:

### خداحافظی در خیابان پاییز

شاعر: مریم اسلامی  
تصویرگر: فهیمه محبوب  
سال انتشار: ۱۳۹۶  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
مخاطب: گروه سنی «۵»

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

### خداحافظی در خیابان پاییز مجموعه‌ای دیگر از آثار مریم

اسلامی، شاعر خوب کودک و نوجوان است. اسلامی در سال‌های اخیر آثار قابل تأملی برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده است؛ از آن جمله است: «سی شعر سی ضرب‌المثل»<sup>۱</sup> و «۴۸ لایه»<sup>۲</sup>. نگارنده از مریم اسلامی مجموعهٔ شعر نوجوان به یاد ندارد. این اثر شاید اولین مجموعه شعر نوجوان او باشد. در این مجال کوتاه فرصت نیست به تمام ابعاد و ویژگی‌های مجموعهٔ «خداحافظی در ...» پرداخته شود، اما می‌توان اشارهٔ مختصری به برجستگی‌های ساختاری، محتوایی و نمودهای زیبایی‌شناسانهٔ اثر داشت. در واقع با وجود جوایز متعددی که این کتاب گرفته است - مثل جایزهٔ پروین اعتصامی<sup>۳</sup> و... - توقع مخاطب از کتاب بالاست.

البته باید در نظر داشت، تا امروز تمام امتیازهای به‌دست‌آمده به دلیل جلب نظر داوران و کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان بوده است. جلب نظر مخاطبان نوجوان مقوله‌ای دیگر است که پس از این مشخص خواهد شد. چون در جایگاه مخاطب بزرگسال و کارشناس این حوزه - براساس شواهد و استدلال‌های نظری - فقط می‌توان تا حدی این تناسب را مشخص کرد، اما نمی‌توان قضاوتی از نگاه مخاطب نوجوان داشت. چون رسیدن به نتیجه در این باره فقط با تحقیق میدانی و برگزاری جلسه‌های نقد مخاطبان امکان‌پذیر است.

گروه اول عنوان‌هایی هستند که از کلمات و عبارات کلیدی شعرها ساخته شده‌اند. گروه دوم کلمه‌ها یا ترکیب‌هایی براساس مضمون یا برساخته اثر هستند. شاعر در گروه دوم خلاق‌تر از گروه اول عمل کرده است. چنان‌که در شعر «حرف آسمان» می‌خوانیم. «با گچ سفید/ نقطه نقطه حرف/ آسمان نوشت/ برف/ برف/ برف» (ص ۱۴).

اسلامی در مجموع عنوان‌های خوبی را برای آثار این کتاب برگزیده است. در نظر داشته باشید که عنوان نه فقط شناسنامه اثر که عامل مهمی در جذب مخاطب است. هم‌چنان‌که شاعر گاهی با جابه‌جایی کلمات یک عنوان نه‌چندان بدیع، مثل «آخرین شام» را آورده است. این عنوان تداعی‌کننده نام یک تابلوی نقاشی معروف<sup>۴</sup> است. در این شعر تصویری از آخرین حضور - یک شخصیت نمادین - ارائه داده می‌شود.

مثل هر متنی، در شعرهای مریم اسلامی هم ردپای متون دیگر دیده می‌شود. با قدری تأمل در این مجموعه می‌توان تأثیرپذیری از آثار شاعران معاصر را دید. البته این تأثیرپذیری با رویکردی کاملاً فعال و پویا در جهت بازتولید مضمون انجام شده است. شعر «خاطرات» نمونه اثری است که اثر زیبای قیصر امین‌پور را یادآوری می‌کند: «دردهای من/ جامه نیستند/ تا ز تن درآورم/ جامه و چکامه نیستند/ تا به رشته سخن درآورم/ نعره نیستند/ تا ز نای جان برآورم».

نیمایی «خاطرات» مریم اسلامی در عین پایبندی به فضای عاطفی شعر یاد شده، از عشقی پایدار سخن گفته است. او هم از یک پایداری عمیق در شعرش گفته است، اما پایداری به عشق باز می‌گردد نه به بیان دردهای پنهان و نگفتنی: «یاد تو/ عطر نیست/ از لباس‌های مانده بپرد/ یاد نیست/ برگ را تکان که داد/ بگذرد/ خاطرات تو/ تکان نمی‌خورد/ مثل کوه محکم است/ کوه را که دیده‌ای! احتمال جابه‌جایی‌اش کم است» (خاطرات، ۴۲). این مورد از مصداق‌های زیبای «بینامتنیت»<sup>۵</sup> (متن پنهان) است. چون هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند. همچنین هیچ متن، جریان یا اندیشه‌ای اتفاقی و بدون گذشته خلق نمی‌شود (انامور مطلق، ۱۳۹۴: ۲۴). مصداق‌های بینامتنی در مجموعه او تنها در تداعی نام و یاد از دیگر آثار خلاصه نمی‌شود. کاربرد زبان تلفیقی یکی دیگر از مصداق‌های بینامتنیت است که در بخش‌های شعر یاد شده (تلفیق زبان گفتار و نوشتار) مشخص است.

او از طریق این ویژگی بینامتنی به کدهای زبانی زیبایی در آثارش رسیده است. آن‌گونه که بارها عبارت‌هایی را در آثارش به‌کار برده است که جزء اصطلاحات آشنا در زبان گفتارند. در این شعرها هم با وجود هنجارشکنی و برجستگی که در ساختار زبان ایجاد کرده‌اند، تشخیص زبانی ویژه‌ای به برخی از آن‌ها بخشیده‌اند؛ مثل «این کم/ زیاد را» (ص ۱۸)، یا «همان صبح من می‌روم نان بگیرم» (ص ۲۲). همان‌طور که می‌بینید، این نمونه در ماهیت و کاربرد به کد زبانی تازه‌ای برای مخاطب تبدیل شده است.

در سال‌های اخیر کارشناسان بارها به ظرفیت بالای قالب نیمایی در شعر معاصر اشاره کرده‌اند. نوجوان امروز تحت‌تأثیر دنیای پیرامونش بیشتر از آنکه به دنبال خواندن شعر کلاسیک باشد، به دنبال خواندن و شنیدن نمونه‌های نو است. قالب نیمایی دارای ظرفیت بسیار بالایی برای این مخاطب است. چون این قالب نه دچار باید و نبایدهای بیش از حد موسیقی در شعر کلاسیک است، نه به بازی‌های فراوان زبانی شعر سپید و آزاد مبتلاست. قالب‌های شعرهای این کتاب هم به دلیل نیمایی بودن، گونه‌ای مزیت برای جذب مخاطب نوجوان دارند. در میان نیمایی‌های این کتاب سه طرح‌واره‌هایی برمی‌خوریم که به مجموعه هویتی نوگراتر داده‌اند. این طرح‌واره‌های صرفاً تصویری بیشتر به نام «هایکو»<sup>۶</sup> شناخته می‌شوند. قالبی کوتاه و تصویری که در این مجموعه، شعرهای «دوست» (ص ۱۰)، «حرف آسمان» (ص ۱۴) و «پرتقال ماه» (ص ۳۴) ویژگی‌های نزدیکی با این تعریف و ساختار دارند. در این شعرها، بعد تصویر و متن آن‌چنان در هم تلفیق شده‌اند که حتی اگر آن صفحه فاقد تصویرگری هم بود، مخاطب به راحتی می‌توانست تصویر آن‌ها را در ذهنش مجسم کند. ضمن اینکه در نمونه یاد شده آخر، تناسب «آه، غروب و پرتقال ماه» ردپای واژه‌ها در ساخت تصویر زیباست. برخی ترکیب‌ها و عبارت‌ها در ذهن می‌مانند و از نظر نگارنده هم «پرتقال ماه» - اگر نظیر دیگری در ادبیات معاصر نداشته باشد!

- را نیز باید در گروه آثار به‌یادماندنی گنجانند.<sup>۷</sup> البته سایر تصویرها در آثار این مجموعه نیز در عین سادگی قابل توجه‌اند. چون معمولاً از تشبیه‌های ساده مثل «پارک‌ها کتاب‌خانه‌اند» (ص ۳۶)، یا «لحظه‌ها/ مثل دانه‌های شن ...» (ص ۸)، یا دوستان صمیمی که به «دانه‌های برف» تشبیه شده‌اند، شکل گرفته‌اند. شبکه‌های تصویری در شعرهای این کتاب گاه بافتی سورئال و نقاشی‌گونه به آن‌ها داده است؛ مثل این نمونه: «مادران ما درخت بوده‌اند/ روی دست‌هایشان/ رد پای دسته‌ای پرنده است» (ص ۴۰).

عنصر خیال در شعرهای این مجموعه عموماً ساده است. به همین دلیل برای هر مخاطبی تصویرهای شعرها دست‌یافتنی‌اند. برخی از این تصویرها به پایان‌بندی‌های زیبا مثل این نمونه خلاصه شده‌اند: «با شروع فصل سرد/ مادرم نشست و چند تا کلاه بافت/ من کنار او نشستم و خیال بافتم/ زرد/ صورتی بنفش/ ... کاش این خیال‌ها/ تنت شوند/ زیر دانه‌های برف/ دستکش، کلاه و شال‌گردنت شوند» (ص ۱۲). یا در شعر «کتاب شب»، سوسو زدن ستاره‌ها در دو عبارت پایانی کاملاً دیده می‌شود: «... قصه‌ها شروع می‌شوند با/ یک ستاره بود/ یک ستاره هم نبود» (ص ۲۰).

«حس‌آمیزی» عنصری ارزشمند در بحث تخیل است که در شعر کودک و نوجوان بسیار کاربرد دارد. زیرا از این طریق می‌توان به حیطة زبان و درک تصویری مخاطب نزدیک‌تر شد. اسلامی به خوبی از این عنصر در زبان شعرهایش استفاده کرده است: «... مهربانی نگاهشان چقدر/ طعم پرتقال می‌دهد/ آسمانشان

«خداحافظی در خیابان پاییز» اثری قابل تأمل است. کتابی که نوجوانان می‌توانند آن را بخوانند و از آن لذت ببرند. چون با تجربه زندگی آن‌ها از هر طبقه و سلیقه‌ای متناسب است

چه آبی است/ بوی بال می‌دهد» (ص ۴۰). «طعم پرتقال» در این بخش از شعر نه فقط یکی از نمونه‌های زیبای حس‌آمیزی است، بلکه به نشانه‌ای بینامتنی تبدیل شده است. چون یادآور رمان زیبایی از نویسنده نروژی، یاستین گورد<sup>۱</sup> است. نمودی دیگر از بینامتنیت بودن که در تناسب با مضمون اثر این زیبایی دوچندان شده است.

### ب. مجموعه‌ای که دارای هویت است

برخی از شعرهای این مجموعه از نظر محتوایی دارای هویت‌اند. یعنی می‌توان با دنبال کردن دیدگاه‌های خاص در آن‌ها مثلاً پی برد که این شعر سروده زنی است که نمی‌خواهد نسبت به انسان‌های هم‌جنس خود بی‌تفاوت باشد و متوجه آنچه بر نسل گذشته‌اش رفته است، هست. او حالا هم می‌خواهد نسل تازه را متوجه چیزهایی کند که در زمان و مکانشان می‌گذرد. به همین دلیل زیبایی و نازیبایی‌های جاری شده بر هر دو نسل را هوشمندانه و پوشیده در استعاره و کنایه‌های ساده می‌آورد. همچنان که از «سیب‌های سرخ شرم/ حسرت انارهای خنده ...» (ص ۴۰) روی گونه مادران سرزمینش گفته و تأکید کرده است: «مادران ما درخت بوده‌اند». به این ترتیب به زنان سبز و محکمی که این سرزمین بر ریشه‌های باور آن‌ها ایستاده، اشاره کرده است.

### ج. آسیب‌شناسی

این مجموعه هم با وجود داشتن همه نقاط موفق یاد شده، دچار لغزش‌هایی در موسیقی و زبان شده است. مثلاً در اولین شعر کتاب - یا پیشانی اثر - سطر «کاش آن ابر بی‌خیال دور»، در حرف لام مشکل وزنی وجود دارد. این مشکل وزنی خوانش شعر را هم سخت کرده است.

از موارد ضعف زبانی می‌توان به تناسب نداشتن ضمیرها در شعر «کتاب قصه» اشاره کرد. در این شعر او از پیرمردها ... یا کتاب‌های قصه‌ای می‌گوید: «... که سال‌ها از انتشارشان گذشته است/ فصل آخرش ولی/ هنوز نانوشته است» (ص ۳۶). ضمن اینکه در پایان این شعر، قید «هنوز» تناسبی با مفهوم کتاب چاپ شده ندارد. در واقع کشف تصویری شاعر بین این اختلالات زبانی گم شده است.

یا کاربرد «توی» در شعر «مشق‌های جدی حساب» (ص ۳۰) به جای حرف اضافه «در» که امروزه در سبک زبان گفتار مشاهده می‌شود: «در کنار راه/ توی دست اوست ...» ناگفته نماند، در این شعر با وجود تنگنای موسیقی، «توی» تنها گزینه ممکن بوده است. این اتفاق از جمله خطراتی است که در کمین زبان تلفیقی است. در این سبک زبانی، گاهی واژه‌ها در اثر او دچار نقص‌های کاربردی شده‌اند. شاعر هم چنان که در زبان گفتار رایج است، واژه «وزنه» را به جای «ترازو» آورده است: «... دخترک نشسته پشت وزنه‌اش ...» این واژه یک کاربرد قدیمی در زبان محاوره است. چه بسا برای مخاطب بزرگسال هم امروزه قابل

درک نباشد. این مشکل ممکن است به دلیل ننگجیدن کلمه «ترازو» در موسیقی شعر هم رخ داده باشد.

در این مجموعه گاهی به تصویرهای زیبا، ولی با سویه منفی و مبهم برمی‌خوریم. مثلاً در شعر مادر بزرگ، شاعر از «اسب‌های در صدای تو رها» (ص ۲۸) می‌گوید. تصویری که با وجود زیبایی، امکان برداشت کمیک هم از آن انتظار می‌رود. نمونه مبهم دیگر، عطر «گون» در همین شعر است که بعید به نظر می‌رسد مخاطب نوجوان امروزی درکی از آن داشته باشد. عطر گون رایحه‌ای خاص دارد و حس کهنگی، قدمت و ایستادگی را - به دلیل ماهیت مقاوم این درخت بیابانی - متبادر می‌کند. اما این موارد برای مخاطب نوجوان چقدر قابل دریافت است؟ چه بسا تجربه این رایحه برای مخاطب ناخوشایند باشد. در این بخش، «خنده‌های هیچ‌کس/ عطر گندم و گون نداشت» (ص ۲۸)، از نمونه‌های موفق حس‌آمیزی برای مخاطب بزرگسال است. در شعر «کاکلی‌های صدا» هم دو پرند «سهره» و «کاکلی» به همین مشکل دچارند. به نظر می‌آید شاعر خواسته از دو نام کهنه و کلیشه‌ای آشنایی‌زدایی کند، اما موفق نشده است. فقط تصویرهای منقطعی را پشت سر هم در هر سطر این شعر آورده است؛ به گونه‌ای که ارتباط تقاضای شاعر را برای حرف زدن ... با تصویر سطرهای بعد نمی‌توان دریافت: «... با کسی حرف بزن/ تا گوزنی بدود/ تا پرستویی پرواز کند ...» (ص ۳۹).

### د. حرف آخر

با وجود این لغزش‌ها، مجموعه «خداحافظی در خیابان پاییز» اثری قابل تأمل است. کتابی که نوجوانان می‌توانند آن را بخوانند و از آن لذت ببرند. چون با تجربه زندگی آن‌ها از هر طبقه و سلیقه‌ای متناسب است. برخی شعرها با اینکه در حال و هوای نوجوانی شاعرند، ولی به خوبی با دنیای نوجوان امروزی تطبیق یافته‌اند. مریم اسلامی، ضمن نزدیک کردن آن خاطرات به فضا و موقعیت‌های امروزی، آن‌ها را برای نوجوان بازتولید کرده است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. اسلامی، مریم (۱۳۹۴). سی شعر سی ضرب‌المثل. گوهر اندیشه. مشهد.
  ۲. اسلامی، مریم (۱۳۸۸). ۴۸ لالایی (برای ۴ فصل). فدایانی. تهران.
  ۳. منبع خیر فارسی: «کد خبر ۵۶۸۸۳۹۰۰».
  ۴. «شام آخر» مسیح، اثر لئوناردو داوینچی.
  ۵. Intertextuality
  ۶. Haiku
  ۷. همچنان که «سبب نقره‌ای ماه». از حسن منزوی به یادگار مانده است.
  ۸. گورد، یاستین (۱۳۸۹). درخت پرتقال. ترجمه مهرداد بازبازی. کتاب‌های هرمس. تهران.
- منابع
۱. اسلامی، مریم (۱۳۹۶). خداحافظی در خیابان پاییز. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران. تهران.
  ۲. دهرامی، مهدی (۱۳۹۴). «بررسی چگونگی نام‌گذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیباشناختی آن». شعرپژوهی (بوستان ادب). دانشگاه شیراز. دوره ۷. ۳.
  ۳. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳). واژه‌نامه هنر شاعری. کتاب مهناز. تهران.
  ۴. بهمن، نامورمطلق (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت (نظریه‌ها و کاربردها). نشر سخن. تهران.





پژوهنده  
ویژه

آسیب‌های کتاب‌های  
کمک‌درسی غیراستاندارد

# کتاب‌های کمک‌درسی غیراستاندارد

## ایجاد انحراف در مسیر یادگیری



محمد ناصری مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، مسئول دفتری است که از حدود بیست سال گذشته، در پی سامان دادن به وضعیت کتاب‌های آموزشی و تربیتی و خصوصاً کتاب‌های کمک‌درسی بوده است. او خود یک نویسنده است و سال‌های متمادی دبیر جشنواره کتاب رشد و جشنواره کتاب شهید غنی‌پور بوده است. آنچه می‌خوانید عبارتهایی پراکنده است که وی در برهه‌های مختلف و در گفت‌وگوهای گوناگون درباره کتاب‌های کمک‌درسی به زبان آورده است.

- ایجاد اختلال در برنامه‌های آموزشی و درسی، با ایجاد انحراف در مسیر مطالعه و یادگیری عمیق و اصولی دانش‌آموزان؛
  - تبدیل مسایل آموزشی و فرهنگی به کاری تجاری و سودجویانه و ایجاد زمینه برای انحرافات آموزشی و درسی؛
  - با توجه به اهداف و اصول تدوین کتاب‌های درسی و معیار بودن کتاب درسی از وجوه مختلف، جایگزین شدن هر عامل دیگری به جای کتاب درسی، می‌تواند در نظام آموزشی کشور ایجاد اختلال کند؛
  - سوق دادن دانش‌آموزان به سوی مطالعات سطحی و بدون عمق و دور کردن آنان از توانمندی‌ها و مهارت‌های حاصل از آموزش در کتاب‌های درسی؛
  - تقلیل دادن کتاب‌های درسی در حد کتاب‌های عامه فهم و دور کردن آن از استانداردهای تخصصی و شاخص‌های حرفه‌ای؛
  - ترویج پخته‌خواری و رونویسی، پنبه کردن رشته‌های نظام بزرگ تعلیم و تربیت و بی‌معنی و خنثی کردن اهداف و اصول برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی کشور؛
  - دامن زدن به سودجویی و ایجاد انحراف در دستگاه‌های تبلیغی و اطلاع‌رسانی کشور، به جهت ایجاد جذابیت‌های مادی و مالی حاصله از این‌گونه فعالیت‌ها؛
  - تغییر ذائقه دانش‌آموزان از عمیق‌خوانی به سطحی‌خواندن و ایجاد انحراف در مسیر یادگیری عمیق و فهم درک همراه با خلاقیت و خودباوری؛
  - ایجاد رقابت‌های کاذب و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به خانواده‌ها و جامعه؛
  - لطمه زدن به فضای کودکی و لذت بردن از خواندن، تداخل در امر تعلیم و تربیت و تنگ کردن عرصه برای کارهای اثرگذار معلمان؛
  - دامن زدن به چشم و هم‌چشمی در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان و ترویج فکر و نگاه رقابت‌مبته بر توان و امکانات مادی؛
  - ترویج خواندن کتاب‌های غیر اصیل و اجباری و دور کردن دانش‌آموزان از لذت مطالعه و کتاب‌خوانی؛
  - ممانعت از خلاقیت و تلاش سازنده دانش‌آموزان با ارائه خوراک آماده و دادن پاسخ‌های سؤالات کتاب‌های درسی که مبتنی بر فعالیت و تلاش هدفمند دانش‌آموزان طراحی شده‌اند؛
  - جلوگیری از شکل‌گیری دیالوگ سازنده بین دانش‌آموزان با معلمان و خانواده‌ها و تیم‌های دانش‌آموزی و ممانعت از فهم و یادگیری عمیق که می‌تواند حاصل گفت‌وگو باشد.
- توجه: در این نوشتار از مطالب و محتوای گفت‌وگوهای انجام شده با جناب آقای ناصری در نشریه رشد جوانه شماره ۴۶ - زمستان ۱۹۳، شماره ۴۷ - بهار ۹۴، شماره ۵۲ - تابستان ۹۵ و شماره ۵۸ زمستان ۹۶ استفاده شده است.

## اندر احوالات کتاب‌های کمک‌درسی



طی سال‌های اخیر، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی به‌عنوان یکی از مواد اصلی آموزش، در مدرسه‌ها شایع شده است؛ کتاب‌هایی که اکثراً بر پایهٔ حافظه‌محوری و تکرار و تمرین تدوین شده‌اند و یادگیری عمیق در آن‌ها جایگاهی ندارد. حتی خانواده‌ها نیز تصور می‌کنند، مدرسه‌ای بهتر است که تعداد بیشتری کتاب کمک‌درسی کار می‌کند.

بدهد. حالا اگر در آزمون مدرسه‌های تیزهوشان / نمونه دولتی (یا در کنکور در رشتهٔ خوبی) قبول شود، یک چیزی.

### صحنهٔ چهارم: جامعه

در مدرسه به شما چه چیزی یاد داده‌اند؟ در دانشگاه چی یاد گرفتید؟ مدرکتان به چه درد می‌خورد؟ به شما یاد نداده‌اند که ...

### کتاب‌های کمک‌درسی خوب یا بد؟

این صحنه‌هایی است در وصف حال نظام آموزشی که البته متغیرهای زیادی در آن نقش دارند، اما سهم کتاب‌های کمک‌درسی و ناشران آن‌ها در ایجاد این حال بد کم نیست. البته بیراهه نرویم، منظورمان کتاب‌های کمک‌آموزشی نیست. (ر.ک. جدول شماره ۱) شایان ذکر است، کتاب‌هایی که به حل مستقیم تمرین‌های کتاب‌های درسی می‌پردازند، هیچ جایگاهی در میان کتاب‌های کمک‌درسی ندارند.

تعریف‌ها را ملاحظه می‌فرمایید؛ یکی از دیگری بهتر. این کتاب‌ها در تعریف با هدف‌های مناسبی تعریف شده‌اند، اما وقتی نمونه‌های تولیدشده را با ویژگی‌های ذکر شده در تعریف‌ها به محک ارزیابی می‌گذاریم، با انبوهی از کتاب‌های نامناسب مواجه می‌شویم که رسالت خود را کمک به قبولی دانش‌آموزان در آزمون‌ها تعریف کرده‌اند و نه تنها خودشان فایده‌ای ندارند، بلکه از طریق دور ساختن مدرسه‌ها و کلاس‌ها از هدف‌های اصلی

### صحنهٔ اول: کوچه و خیابان

صبح اول وقت، پیاده که کوچه‌های شهر را طی کنید، به خیل انبوهی از دانش‌آموزان و اولیا برمی‌خورید که کیف که چه عرض کنم، چمدان مدرسه را با خود حمل می‌کنند. اگر آن‌ها از دانش‌آموزان دورهٔ دبستان باشند، رنج حمل این همه علم را در شیوهٔ راه رفتنشان نیز می‌بینید. دست در کیفشان که بکنید، همچون کمد آقای وویی، کتاب درسی و کمک‌درسی است که بیرون می‌ریزد و البته اگر از دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه باشند، کتاب‌های تست‌زنی ناشران شیفتهٔ خدمت به نظام آموزشی را هم می‌باید.

### صحنهٔ دوم: مدرسه

امان از حجم کتاب‌های درسی! ما اصلاً نمی‌رسیم که درس‌ها را تمام کنیم. درس‌های مهمی هستند، بحث زیادی لازم دارند، اما وقت نداریم در یک زنگ ۷۰ دقیقه‌ای آن‌ها را جمع‌وجور کنیم. تازه کتاب کمک‌درسی را هم که باید کار کنیم!

### صحنهٔ سوم: خانه

این بچه در طول روز فقط یک‌ونیم ساعت با ما وقت می‌گذراند. وقت ندارد فکر کند یا برای خودش فعالیت شخصی داشته باشد. خسته شدیم. صبح و ظهر که باید کیف مدرسه را حمل کنیم. کلی پول این کتاب و آن کتاب را بدهیم. تازه خانه که می‌آید، کلی تکلیف دارد که باید انجام دهد و نمونه سؤال که باید جواب

انواع کتاب‌های آموزشی و تربیتی		
<p><b>کتاب‌های تکمیلی:</b> کتاب‌هایی برای دانش‌آموزان هستند که به ارائه اطلاعات در چارچوب برنامه درسی و گاهی فراتر از آن می‌پردازند و می‌توانند به‌عنوان منبع و مرجع مورد استفاده دانش‌آموزان قرار گیرند. این کتاب‌ها خودآموزند و برای تکمیل و یا توسعه برنامه درسی مصوب تولید می‌شوند. ویژگی بارز آن‌ها، قصد مؤلف مبنی بر تدوین یک اثر آموزشی با استفاده از قالب‌های گوناگون و متنوع است. کتاب‌های تاریخیچه علوم گوناگون از همین نوع هستند و کتاب‌هایی که دایره اطلاعات دانش‌آموز را تکمیل می‌کنند و یا توسعه می‌بخشند، در این حوزه قرار می‌گیرند.</p>	<p><b>۱،۱ کتاب‌ها و منابع تکمیلی:</b> کتاب‌ها و منابعی برای دانش‌آموزان هستند که در گستره‌های وسیع‌تر نسبت به کتاب‌های درسی، به تدارک فرصت‌ها و موقعیت‌های یادگیری می‌پردازند.</p>	<p><b>کتاب‌های کمک آموزشی:</b> کتاب‌هایی هستند که باهدف ایجاد انگیزه، افزایش دانش و سواد علمی و توسعه یادگیری به‌منظور ارتقای شایستگی‌های لازم در دو بعد فردی و اجتماعی تهیه و تنظیم می‌شوند و الزاماً به برنامه‌های درسی دوره تحصیلی وابسته نیستند.</p>
<p><b>کتاب‌های جنبی و سرگرمی:</b> کتاب‌هایی هستند که به باری آن‌ها مخاطبان با جنبه‌های متفاوت حوزه‌های یادگیری که در برنامه درسی فرصت‌های کمتری برای بروز و ظهور داشته‌اند، آشنا و به آن‌ها علاقه‌مند می‌شوند و شگفتی‌ها و زیبایی‌های آن را مشاهده و تجربه می‌کنند. همچنین با تاریخ کشف، بسط و گسترش مباحث متنوع آن حوزه آشنا می‌شوند. این کتاب‌ها، مستقل از کتاب‌های درسی هستند و در صورت تغییر و تحول برنامه درسی موجودیت خود را حفظ می‌کنند. اغلب این کتاب‌ها با استفاده از فناوری‌های گوناگون به پرورش مهارت‌ها در قالب بازی و سرگرمی می‌پردازند.</p>	<p><b>۲،۱ کتاب‌های حمایتی:</b> کتاب‌هایی هستند که به‌منظور ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان و کارشناسان و همچنین آگاهی والدین و همراهی آن‌ها با اهداف آموزش تولید می‌شوند.</p>	
<p><b>کتاب‌های مرجع:</b> کتاب‌هایی هستند که معمولاً توسط متخصصان موضوعی باهدف ارائه اطلاعات (حقایق علمی و تحلیل حقایق) نگاشته می‌شوند. حقایق علمی عبارت‌اند از آنچه درستی آن‌ها ثابت شده یا قابل اثبات است و متن تحلیلی شامل تفسیر یا تحلیل این اطلاعات و حقایق می‌شود.</p>	<p><b>۳،۱ کتاب‌های فناوری:</b> کتاب‌هایی هستند که با گسترش سواد علمی و فناوری، کاربرد فناوری در آموزش را بیان می‌کنند. همچنین از طریق آشنا کردن مخاطبان با محیط‌ها و ابزار فناوری، امکان به‌کارگیری این فناوری‌ها را در جهت رشد و توسعه یادگیری فراهم می‌کنند. دانش‌آموزان، معلمان و متصدیان کارگاه‌های رایانه و غیره در مدارس، مخاطبان این دسته از کتاب‌ها هستند.</p>	
<p><b>کتاب‌های حمایتی والدین:</b> کتاب‌هایی هستند که والدین را با اهداف و روش‌های آموزش به‌منظور همراهی با فعالیت‌های آموزشی در مدرسه آشنا می‌کنند. باید توجه داشت که هدف این نوع کتاب‌ها سپردن بخشی یا تمام فرآیند آموزش به والدین نیست، بلکه قصد آن ایجاد فرصت تعامل والدین با کودکان از طریق شناساندن بایدها و نبایدهای آموزشی در محیط خارج از مدرسه است.</p>	<p><b>۱،۲ کتاب‌های کار:</b> این نوع کتاب‌ها شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری هستند که در قلمرو مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی از برنامه درسی برگرفته شده‌اند و هدف آن‌ها توسعه صلاحیت‌های لازم است.</p> <p><b>۲،۲ کتاب‌های تمرین:</b> کتاب‌هایی هستند که با تکرار فرصت‌های یادگیری، موجب تثبیت و توسعه یادگیری دانش‌آموزان می‌شوند.</p>	<p><b>کتاب‌های کمک‌درسی:</b> کتاب‌هایی هستند که به‌منظور تسهیل، تثبیت و تعمیق مفاهیم، مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی در جهت اهداف برنامه‌ها و کتاب‌های درسی مرتبط تولید می‌شوند.</p>

جدول شماره ۱: تعاریف انواع کتاب‌های آموزشی و تربیتی

یا معتقدند، کتاب‌های کمک‌درسی اگر در سطح متعادل باشند، بد نیستند. مثلاً گاهی اوقات، یادگیری بچه‌ها از طریق شنیداری است. برای مثال، متن کتاب‌ها را به صورت لوح فشرده (CD) درآورده‌اند و می‌توان متن آن‌ها را گوش کرد. کودک می‌گوید: اگر من این کتاب را گوش بدهم، بهتر یاد می‌گیرم. اما از آن طرف هم، این کتاب‌ها بعد اقتصادی و سودآوری و آسیب‌های خودشان را دارند. یعنی متأسفانه، هدف کمک به کودکان نیست، هدف نوعی فروش این کتاب‌ها و منفعت‌طلبی

نظام آموزشی، نظام آموزشی کشور و به تبع آن برون‌دادهای نظام را به فاجعه تبدیل ساخته‌اند. البته برخی بر ضرورت وجود کتاب‌های کمک‌درسی تأکید دارند و معتقدند: «کتاب درسی در نظام جدید درسی، به برنامه محوری و بسته‌های چندرسانه‌ای و آموزشی تبدیل می‌شود و در این راستا مکمل‌هایی تحت عنوان کمک‌درسی‌ها احتیاج داریم تا بتواند هدف‌های سند تحول بنیادین را محقق کند» (آدری، ۱۳۹۷).

هم هست [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

**اقبال قاسمی پویا**، متخصص آموزش و پرورش، درباره کتاب‌های کمک‌درسی می‌گوید: «این کتاب‌ها جز آماده کردن برای کنکور و نمره گرفتن، آمار و ارقام قبولی درست کردن، کار و وظیفه دیگری ندارند» [ناصری، ۲۷ تیر ۱۳۹۶].

در مقطع کنونی، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی به شدت رواج پیدا کرده است و خانواده‌ها و افراد مختلف هزینه‌های سنگینی صرف خرید کتاب‌های کمک‌درسی می‌کنند. میانگین قیمت کتاب‌های کمک‌درسی در سال ۱۳۹۵ مبلغ ۱۷ هزار تومان بوده است. به نظر شما این وضع، همان منفعت‌طلبی و سودطلبی انتشاراتی‌های چاپ‌کننده این کتاب‌ها را نشان می‌دهد؟ [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶]. در سال ۱۳۹۵، مطابق آمار «خانه کتاب» در کل کشور، ۱۸۰۰ میلیارد تومان کتاب منتشر شده و ۵۷۶ میلیارد تومان آن مربوط به کتاب‌های کمک‌درسی است. یعنی حدود ۳۰ درصد مربوط به همین کتاب‌های کمک‌درسی از بهای کل کتاب‌های منتشر شده است. برخی به آن می‌گویند مافیای کتاب‌های کمک‌درسی [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

### دلایلی برای مخالفت

#### با حضور کتاب‌های کمک‌درسی در مدرسه

اما نگارنده این مقاله با استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در مدرسه‌ها مخالف است، چون:

● هدف از آموزش و پرورش و حضور دانش‌آموزان در مدرسه، حفظ کردن حجم انبوهی از اطلاعات، و آماده شدن برای آزمون‌های درون و برون وزارت آموزش و پرورش، مانند امتحانات و آزمون مدرسه‌های نمونه دولتی، تیزهوشان و کنکور نیست. آن‌ها قرار است در دوره آموزش عمومی برای زندگی آماده شوند، اما کتاب‌های کمک‌درسی این هدف را به حاشیه رانده‌اند. کتاب‌های کمک‌درسی نقش کتاب‌های درسی در فرایند یاددهی و یادگیری را کم‌رنگ و دستیابی به هدف‌ها را غیرممکن ساخته‌اند.

● برخی معتقدند، کتاب درسی نقص دارد و کتاب آموزشی نیاز است. توجه داشته باشید که آن‌ها به کتاب کمک‌آموزشی اشاره می‌کنند، نه کمک‌درسی. این دو نوع کتاب یک مفهوم ندارند.

● با استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی زمان تعیین شده برای برنامه‌های درسی در مدرسه‌ها کوتاه و مسئله حجم کتاب‌های درسی پدیدار می‌شود. حال آنکه این حجم تا چه حد واقعی و تا چه حد کاذب و ناشی از حضور کتاب‌های کمک‌درسی در کلاس است، به تحلیلی جامع نیاز دارد.

● وقتی میزان اطلاعاتی که به بچه‌ها داده می‌شود زیاد باشد و مغز نتواند آن‌ها را درک و جاسازی کند و جواب بدهد، بچه‌ها سطحی می‌شوند [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

● سال‌های زیادی است که مسئله کوله‌های سنگین دانش‌آموزان (در همه دوره‌های تحصیلی) مطرح است.

به‌خصوص در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان توانمندی کمتری از نظر جسمی دارند. جایی برای اینکه بخشی از این کتاب‌ها را در

مدرسه بگذارند و در مدرسه استفاده کنند نیز ندارند. غالباً این کتاب‌ها را با خودشان می‌برند و می‌آورند و این موضوع سلامت جسمی آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

«خمیدگی و فشار زیاد زیاد به پشت بدن باعث آسیب دیدن بچه‌ها شده است. بخشی از این آسیب‌ها به خاطر حمل کتاب‌های متعدد و بخشی هم به خاطر فقر حرکتی است» [ناصری، ۲۲ تیر ۱۳۹۶].

● تعداد و حجم سنگین کتاب‌ها و تکلیف‌ها و این همه کمیت، نشان‌دهنده کیفیت نیست. کتاب‌های کمک‌درسی که بیشتر بر تکرار و تمرین متمرکز هستند، مانع رشد تفکر خلاق می‌شوند. حتی تفکر منطقی را نیز با وقفه مواجه می‌سازند. چرا که براساس تکرار و تمرین و شرطی کردن دانش‌آموزان طراحی شده‌اند.

● بسیاری از کتاب‌های کمک‌درسی توسط افراد دارای تخصص کم که با نظریات تعلیم و تربیت آشنایی و سرسوزن ذوقی هم در طراحی آموزشی ندارند، نوشته می‌شوند، اما با استفاده از فنون اقناع در تبلیغات، بازار پررونقی برای خود ایجاد کرده‌اند. اکنون سؤال این است که جامعه به معنای عام آن و جامعه تعلیم و تربیت به معنای خاص، به چه بهانه‌ای چنین بهای سنگینی می‌پردازد؟ پاسخ آن با شما!

### منابع

۱. راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: تهران، ۱۳۹۴.
۲. دری، پانته‌ا. (۶ بهمن ۱۳۹۷). «کتاب کمک‌درسی در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین مورد توجه هستند». ارسال شده توسط واحد خبر در: <http://oerp.ir/news/1397/11/8883>
۳. ناصری، یوسف (۲۲ تیر ۱۳۹۶). کتاب‌های کمک‌درسی با دانش‌آموزان چه می‌کند؟/کنکور مانع از آموزش است، گفت‌وگو با فاطمه قاسم‌زاده، متخصص روان‌شناسی کودک، عصر ایران، کد خبر ۵۴۸۴۲۷: <http://www.asriran.com/fa/news/548427>
۴. ناصری، یوسف (۲۷ تیر ۱۳۹۶). بررسی ماجرای کتاب‌های درسی و کمک‌درسی/کتاب کمک‌درسی به خلاقیت دانش‌آموزان کمک نمی‌کند، گفت‌وگو با اقبال قاسمی پویا، متخصص آموزش و پرورش، عصر ایران، کد خبر ۵۴۹۲۲۹: <http://www.asriran.com/fa/news/549229/>





در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بررسی شد:

## جایگاه کتاب‌های کمک‌درسی در نظام آموزشی

مورد بررسی قرار گرفت. متأسفانه نتایج تحقیقات نشان داد که این آموزش‌ها حتی کارآمدتر و مؤثرتر از آموزش رسمی مدرسه‌ها هستند و جریان آموزش مدرسه‌ای را به‌سوی خود سوق داده‌اند. آنچه خواندید طرح مسئله «نشست هم‌اندیشی نقد جایگاه کتاب‌های کمک‌درسی در آموزش رسمی با تأکید بر درس علوم و ریاضی» بود که توسط دکتر اشرف‌السادات شکرباغانی، عضو هیئت علمی «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» مطرح شد. این نشست نیمه دوم دی‌ماه با حضور جمعی از استادان و دبیران رشته‌های علوم تجربی و ریاضی، به ریاست دکتر محمد حسینی، رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش برگزار شد. دکتر **طاهره اسدی** در این نشست با بیان اینکه متأسفانه عده زیادی از معلمان دید مثبتی به کتاب‌های کمک‌درسی دارند، گفت: «بسیاری از معلمان تازه‌کار برای رفع اشکال، طرح سؤال و آماده شدن برای تدریس از این کتاب‌ها استفاده می‌کنند. برخی معلمان هم معتقدند که کتاب‌های درسی به برخی از مباحث

انتشار کتاب‌های کمک‌درسی در سال‌های اخیر روند فزاینده‌ای داشته است. بازار فروش این کتاب‌ها فقط در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان رسید. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، در سال ۱۳۹۵ خانواده‌های ایرانی با خرید این کتاب‌ها، مبلغ ۵۶۷ میلیارد تومان را روانه جیب ناشران کتاب‌های کمک‌درسی کردند. بهای کل کتاب‌های کمک‌درسی در خرداد ۱۳۹۶ بالغ بر ۱۵ میلیارد و ۸۲۲ میلیون تومان بود. قابل توجه آنکه در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۷ میلیون جلد از کل کتاب‌های منتشر شده در کشور، کتاب کمک‌درسی بود و این آمار در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۳۳ میلیون جلد رسید.

اکنون سؤال اینجاست که چه عواملی در افزایش روزافزون کتاب‌های کمک‌درسی مؤثرند؟ چرا خانواده‌های ایرانی هزینه‌های گزافی را برای خرید این کتاب‌ها متحمل می‌شوند؟ در یکی از تحقیقات انجام شده، تأثیر «آموزش‌های سایه‌ای» که توسط کتاب‌های کمک‌درسی به آموزش رسمی کشور تحمیل می‌شوند،

به‌طور کامل پرداخته‌اند و برای تکمیل درس‌ها به کتاب‌های کمک‌درسی نیاز است.»

وی با اشاره به چرایی استفاده دانش‌آموزان از کتاب‌های کمک‌درسی ادامه داد: «برخی دانش‌آموزان معتقدند که این کتاب‌ها آنان را برای امتحان آماده‌تر می‌کنند، اما به باور من دانش‌آموزان با عادت کردن به کتاب‌های کمک‌درسی، حتی در دانشگاه هم به دنبال این کتاب‌ها هستند و از کتاب‌های درسی فاصله می‌گیرند.»

اسدی مسئله بعدی را انتظار والدین برای استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی دانست و تأکید کرد: «در کنار این انتظارات برخی مدرسه‌ها با مؤسسه‌های آموزشی قرارداد می‌بندند و گاهی با وجود آنکه مدرسه و دانش‌آموزان در سطح این کتاب‌ها نیستند، معلمان مجبور به استفاده از این کتاب‌های کمک‌درسی می‌شوند.»

### دور شدن از هدف‌های تدریس علوم

**مرتضی محمودوند**، دبیر فیزیک هم در ادامه هدف اصلی علوم را ترویج آزمایش و مشاهده عینی جهان پیرامون عنوان کرد و گفت: «کتاب‌های کمک‌درسی با آموزش روش‌های تست‌زنی مانع رسیدن به این هدف می‌شوند. متأسفانه در ارزیابی که از معلمان انجام گرفت، مشاهده شد که بیشتر معلمان علوم دوره ابتدایی و راهنمایی از انجام آزمایش‌های ساده الکتروسیته و مغناطیس عاجزند. از سوی دیگر، در بسیاری موارد کتاب‌های درسی با نگاه به واقعیات موجود نوشته نشده‌اند. مثلاً آزمایش‌های کتاب درسی هنرستان را، به دلیل تحریم تجهیزات آزمایشگاهی و گران بودن آن‌ها نمی‌توان انجام داد و معلم ناگزیر است که مباحث را به‌صورت تئوری آموزش دهد. به همین دلیل به باور من کتاب‌های درسی ما خودآموز و جامع نیستند و گاهی به عمد با نگرش به بازار کتاب‌های کمک‌درسی نوشته می‌شوند. جالب آنکه استفاده از کتاب درسی به اندازه‌ای رواج یافته است که بعضی از معلمان از روز اول کتاب درسی را می‌بندند و به سراغ کتاب کمک درسی می‌روند.

آن‌ها در آزمون‌ها هم نتایج قابل‌قبولی می‌گیرند و به‌عنوان معلم نمونه هم انتخاب می‌شوند!»

**محمد حسام قاسمی**، دبیر ریاضی هم با اشاره به ریشه‌های معضل کتاب‌های کمک‌درسی گفت: «تضاد هدف‌ها و سیاست‌های آموزشی سبب شده است، کتاب‌های درسی با یک هدف نوشته شوند و آموزش عالی با هدف دیگری دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار دهد. از سوی دیگر تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سبب می‌شوند، ناشران کتاب‌های کمک‌درسی در برخی مناطق تهران و دیگر شهرها سرمایه‌گذاری کنند.»

وی ضعف در حاکمیت قانون را در برخورد با متخلفان از دیگر عوامل مؤثر بر رشد نشر کتاب‌های کمک‌درسی دانست و تصریح کرد: «مجری یک برنامه به اصطلاح آموزشی تلویزیونی، تفاهم‌نامه

همکاری میان دو وزارتخانه آموزش عالی و آموزش و پرورش را در حذف کنکور زیر سؤال می‌برد و خطاب به بچه‌ها می‌گوید: گول این حرف‌ها را نخورید، کنکور حذف نمی‌شود! قانون چه برخوردی با این تخلفات انجام می‌دهد؟»

وی تأکید کرد: «نکته دیگر آنکه تا وقتی دولت به دنبال خصوصی‌سازی آموزش و پرورش است، چگونه می‌توان انتظار داشت که ناشران وارد عرصه رقابت مدرسه‌های غیرانتفاعی با یکدیگر نشوند؟»

قاسمی مسائل مالی و مشکلات معیشتی معلمان را که سبب همکاری آنان در تألیف کتاب‌های کمک‌درسی می‌شود، از دیگر عوامل زمینه‌ای رشد این کتاب‌ها دانست.

### مختل شدن جریان آموزش

**معصومه عسگری**، کارشناس آموزش ابتدایی و مدرس پایه ششم، کتاب‌های کمک‌درسی را عامل ورود استرس به بچه‌ها دانست و گفت: «توجه به رویکردهای کیفی و توصیفی در روش‌های تدریس سبب می‌شود تا اصلاً نیازی به کتاب‌های کمک‌درسی نداشته باشیم. من ترجیح می‌دهم در مباحثی مانند سواد رسانه‌ای و رشد خلاقیت دانش‌آموزان، از کتاب‌های آموزشی مناسب استفاده کنم.»

**هدیه منوچهری**، دبیر فیزیک، با اشاره به مفهومی‌تر شدن کتاب‌های جدیدالتألیف گفت: «این کتاب‌ها با هدف ایجاد درک بهتری از علم در ذهن دانش‌آموزان نوشته شده‌اند، اما متأسفانه معلمان زمان کافی برای انتقال این مفاهیم در اختیار ندارند. این موضوع سبب می‌شود، معلمان با معرفی کتاب‌های کمک‌درسی برای حل مسائل، بخشی از کمبود زمان را جبران کنند. به اعتقاد من اگر کنکور برداشته شود، فرصت‌های بهتری برای یادگیری کتاب‌های درسی خواهیم داشت.»

از دیدگاه **فاطمه آستانی**، دبیر فیزیک منطقه بهارستان، کتاب‌های کمک‌درسی و سی‌دی‌های آموزشی وابسته به این کتاب‌ها سبب می‌شوند، دانش‌آموزان با استناد به روش‌های آن‌ها با روش‌های آموزشی معلمان خود دچار چالش شوند و جریان آموزش مختل شود.

### گم شدن هدف تعلیم و تربیت

گم کردن هدف اصلی آموزش و پرورش نکته‌ای است که **دیانا فردین**، معلم ریاضی و داور جشنواره اخیر کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد با اشاره به آن گفت: «اگر هدف از تربیت فقط تحویل دکتر و مهندس به جامعه است، بنابراین گریزی از فعالیت مؤسسه‌های آموزشی و مدرسه‌هایی که به بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند، نیست.»

وی ادامه داد: «متأسفانه برخی از کتاب‌های درسی، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی را در کنار خود می‌طلبند. در کنار آن دیکته شدن انعقاد قرارداد با برخی از مؤسسه‌های آموزشی از بالا به برخی از مدیران مدرسه‌ها، دانش‌آموزش را به خرید

محمد حسام

قاسمی: تضاد

هدف‌ها و

سیاست‌های

آموزشی سبب

شده است،

کتاب‌های درسی

با یک هدف

نوشته شوند و

آموزش عالی با

هدف دیگری

دانش‌آموزان را

مورد سنجش

قرار دهد

رشد جوانه  
شماره ۶۳  
بهار ۱۳۹۸

شیرین  
دانشی پور: اگر  
معلم روز اول  
وارد مدرسه  
شود و کتاب  
کمک درسی  
معرفی نکند،  
توانمندی های او  
در تدریس زیر  
سؤال می رود.  
پیش از ورود من  
معلم به کلاس  
درس، برای  
والدین جلسه  
می گذارند و به  
آن ها می گویند  
که قرار است  
چه کتاب های  
کمک درسی به  
بچه ها معرفی  
و آن ها در چه  
آزمون هایی  
شرکت کنند

رشد جوانه  
شماره ۶۳  
بهار ۱۳۹۸

و استفاده از این کتاب ها و می دارد.»

### ساختار ناقص آموزش های دانشگاهی

دکتر زهرا گویا، استاد دانشگاه و ریاضی دان برجسته نیز با هدف قرار دادن ساختار آموزش های دانشگاهی و نقش آن ها در گسترش کتاب های کمک درسی تأکید کرد: «وقتی از نبود زمان کافی برای تدریس محتوای کتاب های درسی صحبت می کنیم، به معنای آن است که برنامه درسی با واقعیات موجود سازگاری ندارد و باید پیش از همه این مشکل برطرف شود.»

این استاد دانشگاه ادامه داد: «از سال ۱۳۹۰ که آموزش ها را به دانشگاه فرهنگیان واگذار کرده ایم، همچنان در حال تجربه کردن هستیم. معلمان مجبور به استفاده از کتاب های کمک درسی هستند، چون متأسفانه سرفصل های کارآمد در دوره های آموزشی، در دانشگاه فرهنگیان تدریس نمی شوند.»

وی عقیده دارد، پیشروی کتاب های کمک درسی به قدری گسترده شده که به نوعی تمامی اضلاع آموزش را درگیر و وامدار خود کرده است.

### ضرورت قوی تر شدن معلمان

شیرین دانشی پور، دبیر مدرسه های غیرانتفاعی، با بیان تجربیات زیسته خود، به اجبار معلمان به استفاده از کتاب های کمک درسی در مدرسه اشاره کرد و گفت: «اگر معلم روز اول وارد مدرسه شود و کتاب کمک درسی معرفی نکند، توانمندی های او در تدریس زیر سؤال می رود. پیش از ورود من معلم به کلاس درس، برای والدین جلسه می گذارند و به آن ها می گویند که قرار است چه کتاب های کمک درسی به بچه ها معرفی و آن ها در چه آزمون هایی شرکت کنند! من حتی حق انتخاب کتاب ها را هم ندارم. از نظر من اولین قدم برای مقابله با کتاب های کمک درسی، برخورد با آزمون هایی است که مثل قارچ در مدرسه ها می رویند.»

هوشنگ رشوند، دبیر فیزیک کرج، یکی از دلایل اصلی رشد کتاب های کمک درسی را ضعف معلمان دانست و گفت: «هرچه معلم قوی تر باشد، نقش این کتاب ها کم رنگ تر می شود. ضمن آنکه تا زمانی که کنکور بر کلاس ها سایه افکنده است، شاهد استفاده روزافزون از کتاب های کمک درسی خواهیم بود.»

غزاله علی پور، دبیر فیزیک نیز مانند همکارش بهترین روش مقابله با کتاب های کمک درسی را قوی تر کردن معلمان اعلام کرد و اظهار داشت: «برخی از مؤلفان کتاب های کمک درسی معلمانی قوی هستند که به دلیل نداشتن انگیزه کافی برای کار در آموزش و پرورش، جذب ناشران آموزشی شده اند. متأسفانه، هدف نظام تعلیم و تربیت به ظاهر آموزش است، اما واقعیت این است که نظام آموزشی در جهت کنکور حرکت می کند. ما چگونه از کتاب های کمک درسی انتقاد می کنیم، در حالی که دانش آموزان برای تست زدن ناچار به استفاده از این کتاب ها هستند؟»

### به دنبال استانداردها

دکتر فاطمه احمدی، مدرس دانشگاه مهم ترین موضوع را آشنا نبودن مسئولان آموزش و پرورش با تحقیق در زمینه های آموزش علوم خواند و گفت: «متأسفانه در کشور ما پژوهش و تحقیق کردن ارزش واقعی خود را ندارد. محققان نمی توانند آن گونه که مورد انتظار است، جامعه را از نتایج تحقیقات خود مطلع سازند. در حالی که هم اکنون در کشورهایی مانند آمریکا، روی نسل جدیدی از آموزش های علوم کار می شود، چون تحقیق در آنجا دارای ارزش است.»

وی بیان کرد: «در کشورهای پیشرفته استانداردهایی در آموزش تعریف شده اند که معلم و دانش آموز باید به آن ها دست یابند. اما متأسفانه در کشور ما مطالعه ای در مورد استانداردهای آموزش علوم و ریاضی وجود ندارد. از نظر من، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی باید به دنبال این استانداردها باشد.»

احمدی افزود: «ما آموزش های مدرسه ای خوبی داشتیم که حاصل آن امثال مرحوم مریم میرزاخانی (ریاضی دان برجسته دانشگاه استنفورد) است، اما اکنون دچار افت شده ایم. زیرا از مؤلفان قدیم دعوت نمی کنیم تا در کنار مؤلفان جدید در تألیف کتاب ها همکاری کنند.»

او همانند دکتر گویا با اشاره به ضعف موجود در آموزش های پایه و دانشگاهی گفت: «این موضوع باعث ضعف معلمان می شود و به همین دلیل، معلمان به کتاب های کمک درسی رجوع می کنند. درحالی که برای رفع این مشکل به کتاب های درسی قوی نیاز داریم.»

### ضعف کتاب های درسی

منیر سادات آب یار، دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک و دبیر دبیرستان، با تشریح آنچه باعث می شود معلمان، والدین و دانش آموزان به سراغ کتاب های کمک درسی بروند، گفت: «کتاب های جدید درسی براساس استانداردهای جدید و شیوه های پروژه محور نوشته شده اند، اما هنوز در مدرسه ها نظام زمان بندی و ارزشیابی مناسب این کتاب ها تعریف نشده است. در نتیجه خلأئی ایجاد می شود که معلمان و والدین سعی دارند با کتاب های کمک درسی آن را پر کنند.»

وی افزود: «نکته دوم آنکه معلمان ما علاقه ای به انجام کارهای پروژه محور و دانشگاهی ندارند و از اساس نمی توانند با کتاب درسی که به این شکل نوشته شده است، ارتباط برقرار کنند.»

مریم اعیان منش، دبیر ریاضی و عضو انجمن معلمان تهران، با اشاره به این واقعیت که بیشتر دانش آموزان از کتاب های کمک درسی استفاده می کنند، گفت: «ریشه این واقعیت به ضعف کتاب های درسی باز می گردد. کتاب های ما فعالیت محور نوشته شده اند، اما زیرساخت های لازم برای تحقق آن ها فراهم نیست.»

وی ادامه داد: «از سوی دیگر، این سؤالات اساسی در ذهن ها ایجاد می شوند که: چگونه مؤلف یک کتاب درسی، نویسنده کتاب کمک درسی همان درس هم می شود؟! چگونه حفره هایی در



کتاب‌های درسی گذاشته شده‌اند که بعد کتاب‌های کمک‌درسی آن‌ها را پر می‌کنند؟! به این سؤال‌ها مسئولان آموزش و پرورش باید پاسخ دهند.»

**مجتبی معارف‌وند**، دبیر ریاضی، مهم‌ترین ویژگی یک بنگاه اقتصادی را استواری آن بر سازوکار عرضه و تقاضا مطرح کرد و گفت: «در خصوص کتاب‌های کمک‌درسی نقص کار آنجاست که این بنگاه‌های اقتصادی براساس استانداردها فعالیت نمی‌کنند. موضوع دیگر آن است که ما در تألیف کتاب‌های درسی از استادان برجسته و دبیران متبحر استفاده می‌کنیم، اما فرصت لازم را برای تألیف مناسب در اختیار آنان قرار نمی‌دهیم.» این فرهنگی ادامه داد: «واقعیت آن است که در کشور ما مدیریت هزینه‌ها به درستی انجام نمی‌شود. دولت هزینه‌های هنگفتی را برای واردات کاغذ متحمل می‌شود، اما در جایی مانند تألیف کتاب‌های درسی حاضر به پرداخت حق‌التألیف مناسب به مؤلفان شایسته نیست. ضمن آنکه در تألیف کتاب‌ها قادر به انجام کار گروهی نیستیم و به همین دلیل کتاب‌ها دارای پیوستگی لازم نیستند.»

### متغیرهای مزاحم اشاعه کتاب‌های استاندارد

فربا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم پس از استماع سخنان استادان و معلمان، در سخنانی با اشاره به سیاست اخیر آموزش و پرورش در منع ورود کتاب‌های کمک‌درسی به مدرسه‌های دوره ابتدایی گفت: «با توجه به این سیاست مقرر شد، به منظور فرهنگ‌سازی و درج در رسانه‌ها، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با درج مقالاتی به آسیب‌های کتاب‌های کمک‌درسی بپردازد. به همین منظور دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به‌عنوان متولی این موضوع از صاحبان قلم دعوت به همکاری می‌کند. تاکنون نیز با درج حدود ۲۰ مقاله در مجلات وابسته، در راستای تنویر افکار عمومی نسبت به آسیب‌های کتاب‌های کمک‌درسی اقدام کرده‌ایم.»

وی با طرح این پرسش که: فی‌نفسه کتاب‌های کمک‌درسی لازم‌اند یا خیر؟ گفت: «کتاب درسی به‌عنوان مجموعه‌ای واحد برای تمامی دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت و برای آموزش در یک ساعت مقرر تعریف شده است. اما با هدف تسهیل و تعمیق یادگیری با توجه به تفاوت‌های فردی، دانش‌آموزان می‌توانند از سایر منابع کمک‌درسی با نظر معلمان استفاده کنند.»

کیا با اشاره به نقش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در معرفی منابع استاندارد تأکید کرد: «سازمان پژوهش از سال ۱۳۷۸ با واکنش نشان دادن نسبت به بازار کتاب‌های کمک‌درسی که هدف‌های تعلیم و تربیت را مخدوش کرده بودند، طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی را مطرح و از همان سال آن را اجرایی کرد. پس از آن در سال ۱۳۸۹ از طریق شورای عالی آموزش و پرورش، آیین‌نامه اجرایی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی طی مصوبه ۸۲۸ به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ابلاغ شد.»

وی تأکید کرد: «هدف اصلی سامان‌دهی منابع کمک‌آموزشی و تربیتی و بهره‌گیری از مشارکت بخش غیردولتی در تولید منابع استاندارد بود. ماده ۴ این آیین‌نامه به صراحت اعلام می‌کند، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف است با مشارکت سایر معاونت‌ها به تولید استانداردهای آموزشی دست بزند. از سال ۱۳۷۸ تا کنون حدود ۱۹ سال است که این سامان‌دهی در حال انجام است و استانداردها تعریف شده‌اند. اکنون سالی پنج هزار عنوان کتاب جدیدالتألیف به دست ما می‌رسد. از مجموع کتاب‌هایی که دریافت می‌کنیم، یک سوم یعنی حدود ۳۰ درصد را کتاب‌های کمک‌درسی تشکیل می‌دهند. سال اول فقط حدود ۱۸ درصد از کتاب‌های کمک‌آموزشی تأیید می‌شدند. حالا با اینکه داوری‌ها سخت‌گیرانه‌تر شده‌اند، میانگین کتاب‌های مناسب ۵۰ درصد است. اما همچنان فقط ۲۷ درصد کتاب‌های کمک‌درسی مناسب هستند. نکته قابل توجه اینجاست: کتاب‌هایی که ما استاندارد معرفی می‌کنیم، چون پاسخ سؤالات درسی را ندارند و هدف اصلی آن‌ها پرورش جنبه پرسش‌گری ذهن بچه‌هاست، مورد استقبال قرار نمی‌گیرند، ولی کتاب‌هایی که ما رد می‌کنیم، طالب دارند.»

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی اظهار داشت: «براساس بررسی‌های ما، در دوره ابتدایی، چون نمره کنار گذاشته شده و نظام ارزشیابی توصیفی است، کتاب‌های مناسب بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند. تاکنون ۲۵ هزار عنوان کتاب استاندارد معرفی کرده‌ایم و روند کار به شکلی است که نشان می‌دهد، ناشران ما را پذیرفته‌اند و اقبال دارند که به سمت تولید کتاب‌های استاندارد حرکت کنند.»

وی ادامه داد: «ما چند متغیر مزاحم داریم: یکی بخش تبلیغات صدا و سیماست که در پربیننده‌ترین ساعات، منابع غیر استاندارد را تبلیغ می‌کند. در حالی که براساس مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، صدا و سیما در کنار همه نهادهای فرهنگی دیگر موظف به همکاری با ماست. موضوع دیگر، خلأهای فرهنگی است که باعث فشار اولیه برای استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در مدارس می‌شود. به همین دلیل معتقدم که باید شیب حرکتمان را به سوی فرهنگ‌سازی تنظیم کنیم.»

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی خطاب به معلمان گفت: «شما معلمانی که در این جمع حضور دارید، همگی از معلمان خبیره و خاص هستید، اما آیا میانگین وزنی تخصص معلمان در مناطق مختلف می‌تواند جواب‌گوی نیازهای ریاضی و علوم همه دانش‌آموزان باشد؟ متأسفانه برخی از معلمان به سبب نداشتن تخصص لازم از منابع کمک‌درسی غیراستاندارد استفاده می‌کنند.»

وی در پایان معلمان را به مراجعه به سایت سامان کتاب و استفاده از راهنماهای تولید کتاب‌های استاندارد دعوت و اعلام کرد که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی همواره درصدد دریافت و استفاده از نظرات معلمان در خصوص منابع معرفی شده است.

کتاب‌های کتاب درسی به‌عنوان مجموعه‌ای واحد

برای تمامی

دانش‌آموزان

با توانایی‌های

متفاوت و برای

آموزش در یک

ساعت مقرر

تعریف شده

است. اما با

هدف تسهیل و

تعمیق یادگیری

با توجه به

تفاوت‌های فردی،

دانش‌آموزان

می‌توانند از سایر

منابع کمک

درسی با نظر

معلمان استفاده

کنند

# کلوخ‌های کمک‌درسی و ذهن دانش‌آموز



دکتر حیدر تورانی، پژوهشگر و سرپرست سابق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

رشد جوانه  
شماره ۶۳  
بهار ۱۳۹۸

دکتر حیدر تورانی، عضو هیئت علمی پژوهشی برنامه‌ریزی درسی می‌گوید در آموزش کودکان و نوجوانان، باید آموزه‌های مهم‌تر و ارزشمندتر، با اصول صحیح، ابتدا در ذهن آن‌ها استقرار یابد، سپس به آموزش‌های کمکی و جنبی رو آورده شود. به باور او عدم رعایت تقدم و تأخر در آموزش‌ها، و نشان دادن کتاب‌های کمک‌درسی، تست و آزمون به جای مفاهیم اصلی کتاب درسی و عادت دادن ذهن دانش‌آموزان به حفظ و پخته‌خواری، به جای خلاقیت و حل مسئله مانع از آموزش صحیح می‌شود. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

کلوخ‌ها به مثابه کتاب‌های درسی و مواد و رسانه‌های آموزشی رسمی، سنگریزه‌ها محتوای تربیتی و پرورشی، ماسه‌ها آموزه‌های مکمل و لیوان آب هم آغوش گرم و پر محبت معلم و نشاط و شادابی کلاس درس است. آشکار است که اگر ما ذهن دانش‌آموز را از ابتدا با آموزه‌های مکمل (محفوظات و دانش و اطلاعات اضافی و به اصطلاح امروزی‌ها با تست و آزمون و مطالب پخته) پر کنیم، دیگر جایی برای خلاقیت، حل مسئله و پویایی نمی‌ماند. یادمان باشد اولاً قرار نیست این ظرف به هر قیمتی و با هر چیزی پر شود و دانش‌آموز ما هر چیزی را در ذهن سراپا آماده یادگیری‌های جدید خویش بریزد؛ ثانیاً بهتر است ابتدا آموزه‌های ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی رسمی، که مبتنی بر فنون و آداب صحیح آموزش و یادگیری است به دانش‌آموز آموخته شود و آن‌گاه اگر در فرایند صحیح آموزش و یادگیری، او نیازی به دیگر آموزه‌ها داشت، با تشخیص معلم و متخصصان موضوعی تعلیم و تربیت، و نه هر نسخه‌پیچ ناآشنا تغذیه شود.

تصور کنید می‌خواهید یک ظرف شیشه‌ای خالی را با چند تکه کلوخ، مقداری سنگریزه و مقداری ماسه نرم پر کنید و سپس یک لیوان آب روی آن بریزید. به‌طور طبیعی ابتدا کلوخ‌ها را در شیشه قرار می‌دهیم، سپس سنگریزه‌ها را در آن می‌ریزیم. با تکان دادن شیشه، سنگریزه‌ها لابه‌لای کلوخ‌ها جای می‌گیرند؛ آن‌گاه ماسه را در ظرف ریخته، شیشه را مجدداً تکان می‌دهیم تا ماسه‌ها فضاهای خالی بین سنگریزه‌ها و کلوخ‌ها را پر کنند. در پایان یک لیوان آب را به آرامی در داخل شیشه می‌ریزیم که آب راهش را از کوچک‌ترین فضاها می‌یابد و آرام در شیشه جای می‌گیرد.

سوال: اگر ابتدا شیشه را با ماسه پر کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ طبعاً دیگر جایی نه برای سنگریزه‌ها، نه برای کلوخ‌ها و نه حتی برای آب می‌ماند.

ذهن دانش‌آموزی شبیه به همان ظرف است که انواع آموزه‌ها، دانش و اطلاعات گوناگون در آن قرار می‌گیرد؛ اما بسیار مهم است که این آموخته‌ها با چه ترتیبی فضای ذهن او را پر کنند.

# کتاب‌های کمک‌درسی و ایزوله کردن دانش‌آموزان



دکتر عظیم محبی، سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه معتقد است کتاب‌های کمک‌درسی به دلیل رویکرد خاصی که دارند، برخلاف اصول تعلیم و تربیت و فطرت دانش‌آموز عمل می‌کنند و به جای آزادسازی تفکر، به فکر و اندیشه دانش‌آموز قفل و زنجیر می‌زنند و آن را ایزوله می‌کنند. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

در خود تقویت کرده باشد و از ظرفیت خدادادی و خلاقیت خود بهره بگیرد و با مطالعه و پژوهش دریچه‌ای به سوی روشنایی برای خود بگشاید. این فرایند از طریق تعلیم و تربیتی فراهم می‌شود که زمینه فعال‌سازی تفکر را فراهم می‌آورد. اغلب کتاب‌های کمک‌درسی، با این رویکرد هماهنگ نیستند و برخلاف اصول تعلیم و تربیت عمل می‌کنند. به تعبیر بنده به جای آزادسازی تفکر، به فکر و اندیشه دانش‌آموز قفل و زنجیر می‌زنند و آن را ایزوله می‌کنند. لذا معلمان، مدیران مدارس، اولیا و همه مؤسسات آموزشی باید با موضوع تعلیم و تربیت، که با روح و جان دانش‌آموزان ارتباط دارد، رفتاری علمی، عقلی و مسئولانه داشته باشند. باید کمی تأمل کنیم تا تولیدات فرهنگی و عمل ما با اصول تعلیم و تربیت در تضاد نباشند.

خیلی از کتاب‌های کمک‌درسی در عمل، به جای دانش‌آموزان فکر می‌کنند و جواب سؤالات را به شکل حاضر و آماده، در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. این رویکرد آشکارا در تضاد با اصول یادگیری است. بر اساس اصول یادگیری، دانش‌آموز به صورت فطری، پرسشگر است و توانایی حل مسئله را دارد؛ لذا هر کتاب یا موقعیت یادگیری که زمینه تفکر را برای دانش‌آموز فراهم نکند، برخلاف فطرت او عمل کرده است و عملاً زمینه را برای ایزوله فکری او فراهم کرده است. در این صورت، به جای فعال‌سازی فکر و شکوفایی فطریات، از او می‌خواهیم فکر نکنند. دانش‌آموز با جواب‌های آماده و برگزاری آزمون چیزی یاد نمی‌گیرد؛ شاید جواب‌ها را حفظ کند و در آزمون‌ها هم موفق باشد؛ اما این موفقیت نشانه یادگیری عمیق و ماندگار نیست. دانش‌آموز زمانی می‌تواند آینده علمی خود را بسازد که از دوران کودکی به دنبال فهم و کشف مفاهیم بوده، مهارت حل مسئله را

# فدا شدن اهداف فرایندی در کتاب‌های کمک‌درسی



شهرناز بخشعلی‌زاده که یکی از کارشناسان باسابقه آموزش ریاضی و کارشناس آزمون‌های تیمز در کشور است، مهم‌ترین اشکال کتاب‌های کمک‌درسی را غفلت از اهداف فرایندی می‌داند. این غفلت به معنی بی‌توجهی به استدلال، تفکر منطقی، تفکر نظام‌مند و مانند این است. دانش‌آموزان با این روش چیزی یاد نمی‌گیرند؛ چون از حل سریع مسئله لذت می‌برند و دیگر به دنبال درک مفهوم نمی‌روند. در نتیجه از هدف یادگیری دور می‌شوند. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

اهداف فرایندی معمولاً در کتاب‌های کمک‌درسی مغفول می‌مانند. همگام نبودن کتاب‌های کمک‌درسی با نظام، سیاست‌ها و اهداف آموزش و پرورش و بسنده کردن به تمرین‌های کتاب درسی و «آموزش خلاصه‌ای» در این کتاب‌ها، دانش‌آموز را از کتاب درسی دور می‌کنند. وقتی اعتماد و وابستگی دانش‌آموز به کتاب درسی، در نظام آموزشی سلب شود، کم‌کم یک فاجعه آموزشی رخ می‌دهد. وقتی دانش‌آموز سؤالی را در دفترچه خود می‌نویسد، همین نوشته، تصویر ذهنی ایجاد می‌کند و قدمی کوچک و کوتاه در مسیر یادگیری است و دفتر تمرین این فرصت را از دانش‌آموز می‌گیرد.

کمک‌درسی مغفول مانده‌اند. درس‌نامه می‌تواند در کتاب کار جایگاه داشته باشد، ولی نباید به‌طور مستقیم، کلیدواژه‌ای و کلیشه‌ای درس را بیان کند. نباید به دانش‌آموز کد داده شود که دانش‌آموز همان لحظه مسئله را حل کند، ولی بعد آن را فراموش کند. دانش‌آموزان با این روش چیزی یاد نمی‌گیرند؛ چون از حل سریع مسئله لذت می‌برند و دیگر به دنبال درک مفهوم نمی‌روند. در نتیجه از هدف یادگیری دور می‌شوند.

هدف اصلی آموزش این است که انتقال مستقیم نباشد و فرصتی باشد که دانش‌آموز خودش به راه حل برسد. بعضی از کتاب‌های کمک‌درسی در دانش‌آموزان بدفهمی ایجاد می‌کنند.

موضوع دیگر بحث روش است. ضرورت دارد کتاب با اهداف برنامه هم‌راستا باشد. اکثر کتاب‌های کمک‌درسی با اهداف فرایندی هم‌خوانی ندارند. اهداف فرایندی (یعنی استدلال کردن، تفکر منطقی، تفکر نظام‌مند و غیره) در بسیاری از کتاب‌های

منبع: فصل‌نامه جوانه، شماره ۴۵، ص ۲۸ و ۲۹

## ویژگی‌های کتاب‌های کمک‌درسی بد



به تدریج ذائقه دانش‌آموزان را تغییر می‌دهند؛ تلاش و کوشش برای یادگرفتن عمیق را کم‌رنگ می‌کنند و لذت یادگیری و تفکر را از فرد می‌گیرند و در نتیجه از علاقه‌مندی آن‌ها به آموختن می‌کاهند.

آن‌ها معمولاً از شیوه‌های نو و تازه کمتر کمک می‌گیرند. بیشتر از موضوعات تکراری استفاده می‌کنند و کمتر به سراغ دانش‌های جدید می‌روند.

به لحاظ علمی نیز دچار ضعف و سستی هستند.

منبع: فصل‌نامه جوانه، شماره ۴۴، ص ۲۲

دکتر محمود امانی مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، علاوه بر جایگاه حقوقی خود، در نزد کارشناسان از جایگاه علمی بالا و معتبری برخوردار است. وی در یکی از سخنرانی‌های خود، به ویژگی کتاب‌های کمک‌درسی می‌پردازد. به گفته او اغلب آن‌ها جریان یادگیری را مختل و عمق یادگیری را کم می‌کنند و لذت یادگیری و تفکر را از فرد می‌گیرند و در نتیجه از علاقه‌مندی او به آموختن می‌کاهند. این یادداشت کوتاه را بخوانید.

یادگیری صوری، پرسش و پاسخ و آزمون‌مداری کتاب‌های کمک‌درسی جریان یادگیری را مختل می‌کنند و سطح یادگیری را به پرسش و پاسخ‌های سطحی، حفظی و کم ارزش تنزل می‌دهند و بازار را به سمتی که نباید می‌برند. این کتاب‌ها

## یادگیری طوطی‌وار ماندگار نیست



عمل خود را در نیافته است. می‌توان گفت یادگیری طوطی‌وار ماندگار نیست!

منبع: فصل‌نامه جوانه، شماره ۴۴، ص ۹

کتاب‌های کمک‌درسی معمولاً آموزش رویه‌ای دارند و با تکرار و تمرین بیش از حد و بدون بیان مفهوم، دانش‌آموز را به حل تمرین هدایت می‌کنند. بنابراین اگر جریان آموزش قطع شود، او دیگر قادر به حل مسئله خود نخواهد بود؛ چون مفهوم و دلیل

## با نان و واژه زنده‌ایم



مرجان فولادوند نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان، بر این باور است که اگر کودکان ما مطالعه نکنند، عمر و فرصتشان برای کشف و شناخت جهان و فهم پیچیدگی‌های آن هدر می‌رود و قدرت تحلیل و نقش‌آفرینی را از دست می‌دهند. او می‌گوید حتی اگر کتاب‌های کمک‌درسی حقیقتاً بتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا تمام سطوح یادگیری را از پایین‌ترین بخش تا بالاترین طبقه، به‌درستی طی کنند، اگر از مطالعه آزاد محروم باشند، از مهم‌ترین امکان برای وسعت و عمق بخشیدن به درک زندگی و مناسبات آن محروم مانده‌اند.

مهم نیست که این عنوان کمی شاعرانه و کمی اغراق‌آمیز به نظر برسد، زیرا به شکل حیرت‌آوری راست است!

نان ما را زنده نگه می‌دارد، اما این کلماتند که عمق زندگی ما را، وسعت مرزهای روانی ما را حد می‌زنند. جهان در فقدان کلمات مجموعه‌ای از رویدادها، اجسام و احساسات در هم گوریده گنگ است و آدمیزاد تنها با واژه‌هایی که در اختیار دارد می‌تواند از آن روایتی معنا دار بسازد. اگر کلماتی اندک در اختیار داشته باشد، روایتش از جهان ساده، سطحی و یک‌سویه خواهد بود. ناتوان از درک پیچیدگی‌های موجود، مجبور به تن دادن به مناسبات روایت‌های کلان‌تر و غنی‌تر خواهد شد، بی‌آنکه خود در آفرینش آن نقشی ایفا کند یا دست کم قادر به درک آن باشد. روایت‌های مهم، کلان، اثرگذار و پیچیده، نیاز به دایره وسیعی از واژگان دارند. شناخت جهان بر مبنای فلسفه، جامعه‌شناسی، شناخت روان انسان، سیاست، ارتباط، فهم عمیق حقوق و وظایف، تنها با کلمات روزمره مقدور نمی‌شود. از این روست که ما برای درک درست و دقیق جهانی که در آنیم نیازمند دایره وسیعی از کلماتیم. واژگانی که در مناسبات روزمره نه به کار می‌روند و نه آموخته می‌شوند؛ این کلمات در متن‌ها نفس می‌کشند؛ متن‌هایی که باید جایی جز کتاب‌های درسی سراغشان را گرفت. چنین است که متوقف و محدود کردن کودکان و نوجوانان در کتاب‌های درسی، مشغول کردن آن‌ها با هزار باره خواندن یک مطلب از کتاب‌های کمک‌درسی رنگارنگ، در واقع محروم کردن آن‌ها از امر حیاتی کشف کلمات و وارد شدن به ساحت فهم جهان است.

حتی اگر کتاب‌های کمک‌درسی حقیقتاً می‌توانستند به دانش‌آموزان کمک کنند تا تمام سطوح یادگیری در هرم شناختی «بنجامین بلوم» را از پایین‌ترین بخش آن که به یاد سپردن است تا «خلاقیت» که بالاترین طبقه است، به‌درستی طی کنند، باز هم با گرفتن بخش عمده‌ای از زمان و فرصتشان، آن‌ها را از امکان پرداختن به مطالعه آزاد و تجربه فضاهای دیگر محروم می‌کنند. مطالعه آزاد و مشاهده و تجربه، مبنای یادگیری واژگان و فهم پیچیدگی‌های جهان معاصر از طریق تحلیل، و در واقع مهم‌ترین راه برای وسعت و عمق بخشیدن به درک زندگی و مناسبات آن است.

هر چند کنکور با ملاک قرار دادن نازل‌ترین سطح یادگیری یعنی «به یاد سپردن»، همچنان کودکان و نوجوانان را مجبور می‌کند تا در همین سطح درجا بزنند، اما کتاب‌های کمک‌درسی برای سودبری بیشتر هردم به نوعی بر این آتش می‌دمند؛ چنان‌که گویی موفقیت هیچ گذرگاهی جز گردنه آنان ندارد. در این میان نقش تبلیغات رادیو و تلویزیون را هم نباید نادیده گرفت. گردش اقتصادی ترویج کتاب‌های کمک‌درسی چنان چشمگیر است که تلویزیون علی‌رغم هشدار کارشناسان آموزش نمی‌تواند بر سود سرشار تبلیغ آن چشم بپوشد. در این میان آنچه قربانی می‌شود، عمر و فرصت کودکان و نوجوانان برای کشف و شناخت جهان و کسب قدرت تحلیل به یاری مطالعه است. کنکور که در طول سالیان به شکل تهدید درآمده است و هجوم کتاب‌های کمک‌درسی چنان عرصه را بر بچه‌ها تنگ کرده‌اند که خواندن کتاب و به‌خصوص داستان امری تجملی شده است!

آن قدر داستان از آن‌ها دریغ شده است که فراموشش کرده‌اند؛ یاد گرفته‌اند از پس این قحط طولانی، گرسنگیشان را با سریال‌های آخر شب تلویزیون فرو بنشانند. بچه‌ها داستان‌ها را فراموش کردند و معنای هر دم نو و تازه آن‌ها از جهان را. اما این گرسنگی پنهان، تن‌تناور فرهنگی را که در همه قرن‌های سخت‌اشغال و سیطره زبان بیگانه و جنگ و ظلم و فقر زنده مانده بود، چنان نحیف کرده که آن دریاها به هم پیوسته متن‌ها و قصه‌ها و مثنوی‌ها و شاهنامه‌ها به چند مجله کم تیراژ و چند کتاب کم خواننده و نشرهای کم‌جان همیشه در تهدید تعطیل محدود شده است.

برای رهایی از این ضعف، برای فهم زبان تازه جهان، برای گفت‌وگو با زمانه‌ای که در آنیم، بیش از دوره کردن هزار باره مفاد درسی در بی‌شمار کتاب‌های کمک‌درسی، نیازمند کلماتیم. نیازمند خواندن کتاب‌های تازه و نفس کشیدن در هواهای متفاوت، و گرنه دایره‌المعارف‌های علمی منسوخ خواهد بود که در برابر دنیایی زیان‌آور، گنگ و دست‌بسته خواهیم ماند و کارگران حیرت زده فرهنگ‌هایی خواهیم شد که قدرت کلمات را می‌شناسند و می‌دانند چگونه می‌توان با روایت‌های تازه دنیا را از نو ساخت.

## کتاب‌های کمک‌درسی، آموزش تزریقی و سطحی



ناصر نادری، نویسنده کتاب‌های کودکان و نوجوانان

ناصر نادری، نویسنده سرشناس کودکان و نوجوانان بر این باور است که کتاب‌های کمک‌درسی، چون قارچ‌های رنگ‌به‌رنگ مسموم، محیط‌های با نشاط مدارس را به تصرف خود درآورده‌اند. به باور او عوامل زیادی مانند تبلیغات سودجویان، راحت‌طلبی دانش‌آموزان و برخی معلمان در این کار دخالت دارند و مدیران ارشد تعلیم و تربیت باید بین دو فضا دست به انتخاب بزنند و تصمیمی تاریخی بگیرند: یا میدان را به نفع سودجویان حوزه نشر کتاب‌های کمک‌درسی و چرخه مالی چند صد میلیاردی آن‌ها خالی کنند یا به جد در پی آموزش سالم و با کیفیت و خلاق و جست‌وجوگرانه برآیند. یادداشت او را بخوانید.

تردید ندارم که نشر کتاب‌های آموزشی مفید با رعایت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و با هدف تسهیل، تعمیق و توسعه مفاهیم آموزشی و ایجاد خلاقیت ذهنی و تقویت تفکر نقاد در مخاطبان، نه تنها ایرادی ندارد که مکمل فرایند یادگیری - یاددهی است. اما آنچه که همچون سم خودنمایی می‌کند، حضور کتاب‌های کمک‌درسی با رویکرد حافظه‌مداری و آموزش تزریقی و سطحی، بدون خلاقیت و نوآوری و روحیه جست‌وجوگری و کار گروهی در مدارس است.

متأسفانه به دلایل گوناگون (همچون تبلیغات وسیع ناشران تاجرمآب و کم‌سواد از طریق رسانه ملی و بیلبوردهای تبلیغی شهر، راحت‌طلبی برخی معلمان و منفعت‌جویی برخی مدیران، وجود ابهام در برخی مفاهیم مندرج در کتاب‌های درسی، جلوه‌گری تابوگونه کنکور در ذهن برخی پدران و مادران، طمع‌ورزی برخی آموزشگاه‌ها و مدرسان تاجرمآب آنان و...) قارچ‌های مسموم کتاب‌های کمک‌درسی، محیط‌های با نشاط مدارس را به تصرف خود درآورده‌اند.

امروز مدیران ارشد کشور ما باید تصمیمی تاریخی بگیرند: انتخاب بین «حضور پررنگ و مستمر طمع‌ورزان جریان نشر کتاب‌های کمک‌درسی و چرخه مالی چند صد میلیاردی منفعت‌طلبان» و «جریان آموزش سالم و با کیفیت و خلاق و جست‌وجوگرانه» که البته باید همراه با اصلاح پاره‌ای رویه‌ها و رویکردها و شیوه‌ها در درون آموزش و پرورش و رسانه ملی و مدیران فهیم نشر آموزشی باشد.

امید است که بتوانیم نسل امروز کودک و نوجوان و جوان را از حرکت وهم‌گونه در کانال تنگ آموزش حافظه‌مدار و تزریقی وابسته به کتاب‌های کمک‌درسی غیراستاندارد باز داریم.

دنایای کودکی و نوجوانی و جوانی یعنی نشاط و بازیگوشی، جست‌وجوگری و پرسشگری، خلاقیت و نوآوری، خیال‌پردازی و امیدآفرینی و...

به راستی این همه عناصر رنگارنگ و هویت‌بخش در فضای ذهنی و روانی و حرکتی کودکان و نوجوانان و جوانان امروز جامعه ما دیده می‌شود؟ آیا محیط‌های یادگیری مدارس و الگوی رفتاری معلمان و مدیران، بسستر توسعه و ترویج این عناصر را فراهم می‌سازند؟ آیا دغدغه‌های عمیق پدران و مادران و جنس مطالبه‌های آنان این مسائل است؟ آیا رسانه‌های تأثیرگذار همچون رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی، رونق‌بخش چنین اموری‌اند؟ آیا جریان جدی نشر کتاب‌های آموزشی، جهت‌گیری خود را با این شاخص‌های استاندارد کیفیت‌بخش زندگی سالم همسان‌سازی کرده است؟

واقعیت تلخ این است که همه این مؤلفه‌های تأثیرگذار در شرایط امروز، بایستی مورد نقد جدی و کندوکاو جسورانه قرار گیرند. احساس من این است که همه نهادهای مرتبط با فرایند یادگیری و آموزش، به‌نحوی ناآگاهانه یا آگاهانه در مسیر اضمحلال عناصر هویت‌بخش و سالم روانی و ذهنی و حرکتی نسل کودک و نوجوان و جوان امروز قرار گرفته‌اند و برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب، قطعاً با نگاه درمانگرآبانه به درون است؛ «تو خود حجاب خودی حافظ، از میان برخیز!»

در این یادداشت، دغدغه نویسنده، نقد همه این مؤلفه‌ها نیست؛ چون تحلیل همه آن‌ها، پژوهش وسیع‌تری را می‌طلبد. من در اینجا، فقط به عنصر «نشر کتاب‌های کمک‌درسی» و تأثیر آن در فرایند کیفیت‌بخشی به آموزش و پرورش می‌پردازم.

## یار مهربان جا ندارد!



کازم طلائی گرافیسست کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. او به اقتضای شغلش، دغدغه خانه‌های بدون طاقچه‌ای را دارد که یک روز جای کتاب بودند و اینک از نقشه خانه‌ها حذف شده‌اند و دغدغه کتاب‌هایی را دارد که اکنون جای مناسبی در خانه‌ها ندارند و حداکثر در قفسه‌ای کوچک جا می‌گیرند؛ اما همین قفسه کوچک هم به اشغال کتاب‌هایی درآمده است که هنر مهمی جز اتلاف عمر کودکان ما و گرفتن خوشی آن‌ها ندارند و علی‌رغم حجم زیادشان، درس مهمی که در زندگی به کار بیاید، به آن‌ها نمی‌آموزند.

به زور برای خود جا باز کرده‌اند و فقط تنفر از این یار مهربان را در جان‌ها نهادینه می‌کنند.

اینکه گفته می‌شود، کتاب زندگی کردن را به بچه‌ها آموزش می‌دهد، کتاب یار مهربان همیشگی است، کتاب تجربه‌ها را با صداقت بازمی‌گوید، کتاب گنجینه‌ها را از کودکان ما را افزایش می‌دهد و کتاب بچه‌های ما را از آسیب‌های فراوان پیش‌رویشان در جامعه محافظت می‌کند، درباره کتاب‌هایی است که در اتاق‌های کودکان ما جایی ندارند.

در گذشته با ادبیات شفاهی خیلی از مفاهیم بنیادین انسانی در پای کرسی‌ها و جمع‌های خانوادگی با روایت داستان‌ها و اشعار بزرگان این مرزوبوم بازخوانی می‌شد و همگان با شادابی و کسب تجربه روایت‌ها را، مونس و انیس خود می‌یافتند. حالا باید چگونه تیک زدن را به بچه‌ها یاد بدهیم. یاد بدهیم در زمانی کوتاه تیک‌های بیشتری بزنند. آینده آن‌ها وابستگی عمیقی به این تیک‌ها پیدا کرده است. مهم نیست که چگونه تیک‌تیک ساعت به صدا درمی‌آید و از آن‌ها زمان می‌گیرد، باید با کمترین تیک‌تیک، تیک‌های بیشتری بزنند. ناخواسته به این باور رسیده‌ایم که بچه‌های ما با این تیک‌ها، آینده درخشانی خواهند داشت. شک نباید داشت که رشته پردرآمدی را تیک می‌زنند و خوشبختی در انتظار آن‌هاست!

بچه‌های ما به اندازه کافی کوشیده‌اند و دوران خوش کودکی، نوجوانی و جوانی خود را فدای این تیک‌ها کرده‌اند. صد حیف که در آغاز زندگی خود، آزمون‌هایی را در مقابل خود خواهند دید که هیچ‌گاه در خیل تست‌های بی‌شماری که تیک زده‌اند، نشانی از آن‌ها ندیده‌اند و دریغاً از این کتاب‌های فراوانی که می‌خوانند که هیچ‌یک گره‌ای از گره‌های آن‌ها را نخواهند گشود.

خانه‌های قدیمی خراب می‌شوند و جایشان را آپارتمان‌های کوچک می‌گیرند. آپارتمان‌ها هم به فراخور متقاضیان کوچک و کوچک‌تر می‌شوند. قدیمی‌ها به یاد دارند؛ گچ‌برهای باسلیقه همیشه یک دکور آجری برای هر اتاق در نظر می‌گرفتند که به جای قفسه کتاب هم استفاده می‌شد. هر چند کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای قفسه‌هایی علاوه بر آن هم برای خود داشتند. چاره‌ای نیست؛ جا کم است و ورود هر کتابی به خانه برای جاخوش کردن، اما و اگرهای فراوانی دارد. البته که باید جایی برای کتاب در نظر گرفت؛ هم برای کلاس خانه، هم برای دکور و صد البته کتاب‌هایی که باید خوانده شوند. اعضای خانواده هر یک در این قفسه هم سهمی دارند.

همه می‌دانیم که کتاب‌های درسی ما از نظر محتوا و حجم در دنیا زبان‌زد هستند. شاید به همین خاطر هم هست که بچه‌های ما در المپیادهای مختلف همیشه خوش می‌درخشند. حالا با این جای کم، در صداوسیما به صورت مستمر کتاب‌هایی به بچه‌های ما تحمیل می‌شود که راه‌گریزی از آن‌ها نداریم. به مخاطب این‌گونه القا می‌شود که این کتاب‌ها ضمن اینکه مورد تأیید نهادهای آموزشی کشورند، در آموزش و ارتقای سواد بچه‌ها بسیار اثرگذار هستند. آموزگاران نیز بچه‌ها را مجاب می‌کنند که در کنار کتاب‌های درسی، چند کتاب کمک‌درسی نیز تهیه کنند که موفقیت بچه‌ها در آزمون‌های پیش‌روی، منوط به خواندن این کتاب‌هاست.

به همین سادگی فضای کم کتابخانه هم پر می‌شود، بدون اینکه با رغبت و رضایتی از طرف بچه‌ها توأم باشد. دیگر کتاب‌خوانی عاری از لذت می‌شود و کتاب دوست خوبی برای بچه‌ها نخواهد بود. چرا که به اجبار وارد حریم خانه شده‌اند و با چهره عبوسشان



## از اول دچار اضطراب شدن

تکلیف ما با کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی چیست؟



**اول**

اگر در پایگاه‌های خبری درباره کتاب‌های کمک‌آموزشی یا کمک‌درسی جست‌وجو کنید، بیشتر با نام چند ناشر و کتاب‌های انتشارات فلان و فلان روبه‌رو خواهید شد. و اگر به روال امروزی، اختصار الفبایی را در معرفی بی‌طرفانه به یاری بطلبید، «گ»، «ک ق»، «خ س» و دیگر حرف‌ها به نمایندگی از نام‌ها به کمک شما می‌آیند.

تا بهترین و قوی‌ترین کتاب کنکور، تست یا قبولی تضمینی را ببینید. حال با توجه به نیاز شما، فشار تبلیغات و این همه کتاب خاص برای خرید، ته جیب یا کارت بانکی شما چقدر پول باقی مانده است؟ ظریفی می‌گفت: «هیچ به دست نیاوردم به جز اضطراب!»

**دوم**

**سری به کتابخانه‌ها بزنیم!**

مقدار و سیر مطالعه در کتابخانه‌ها در میان جوانان و نوجوانان چندان رضایت‌بخش نمی‌نماید. کنکور و درس‌های کلاسی بخش اعظم توان و وقت دانش‌آموزان را به خود اختصاص داده است. و حید دانش‌آموزی است که مشغول مطالعه برای کنکور است. او به محض اینکه می‌فهمد گفت‌وگویی درباره کتاب‌های آموزشی در جریان است، پیش می‌آید و سکوت سالن مطالعه را می‌شکند. او می‌پرسد: «آقا کتاب خوب تست را از کدام ناشر بخریم؟» لحن او گویا طنزآمیز است، اما جدیت و خستگی مرموزی در پس آن نهفته است.

از یکی دیگر از نوجوانان می‌خواهم که بگوید منابع او برای مطالعه چیست؟ کتاب درسی یا ...؟ جواب می‌دهد: «برای آمادگی کنکور، کتاب درسی بخشی از برنامه من است. برخلاف اینکه می‌گویند کتاب درسی را بخوانید؛ ما باید آمادگی خود را با مطالعه کتاب‌های کمکی بیشتر کنیم. تست بزنیم و در آزمون‌های مشابه شرکت کنیم. چون سازمان سنجش به‌طور مرتب منابع سؤالات را تغییر می‌دهد و ما هم باید به‌روز شویم.»

می‌پرسم: «مثلاً برای درس عربی و یا زیست‌شناسی چه می‌خوانید؟»

جواب می‌دهد: «کتاب عربی جامع نشر م. خ. س هم مورد خوبی است...»

نوجوانی که نامش را نمی‌گویم، نظرش را چنین پرسشگرانه بیان می‌کند: «فقط بگویند چطور درس بخوانیم تا از این سد بگذریم؟» از این گونه سؤالات به شکل رگباری می‌آیند و من ترجیح می‌دهم محیط آرام کتابخانه را بیش از این ملتتهب نکنم.

**سوم**

باز سراغ فضای مجازی می‌روم. عادل پرسیده است: «دروود. دیپلم گرفته‌ام. الان بعد از سه سال می‌خواهم کنکور بدهم. برای رشته تجربی چه کتاب‌هایی بخوانم؟» و من می‌بینم هنوز در اول راهیم!

**تبلیغات ناشر چه می‌گویند؟**

برای نمونه از درس ریاضی شروع می‌کنیم. در یکی از سایت‌ها آمده است: «آمار بلندبالای درصدهای پایین و حتی صفر یا منفی در کنکور برای درس ریاضی نشان می‌دهد، یکی از چالش‌های کنکورهای تجربی کنار آمدن با درسی مانند ریاضی است. اگر رشته‌های برتر تجربی مانند پزشکی را دوست دارید، با بررسی منابع موجود، منبع ایده‌آل در ریاضی را به شما می‌دهیم. این کتاب شما را تا مرز ۷۰ درصدی آمادگی می‌رساند. تست‌های این کتاب و پاسخ‌نامه فوق‌العاده تشریحی که نشان می‌دهد برای هر سؤال چه اندازه کار صورت گرفته است.»

**چهارم**

**پایان سخن**

از جمله حقوق افراد حق آموزش و پرورش است، اما رقابت درسی مشکلات بسیاری از جمله فشار روانی و چشم و هم‌چشمی را در میان آن‌ها ایجاد می‌کند. صرف‌نظر از قبولی در امتحانات داخلی، بسیاری از دانش‌آموزان برای عبور از سد کنکور تلاش می‌کنند. در این فرایند چاره‌ای برای دانش‌آموز نمی‌ماند مگر اینکه به سراغ کتاب‌های کمکی برود. و این چرخه ادامه دارد.

اما چه کسی این گردونه را می‌چرخاند؟ روشن است که همه به دنبال منفعت یا دور کردن ضرری هستند. ناشر اسم و رسم می‌خواهد و سهمی بزرگ از بازار را. دانش‌آموز عنوان می‌خواهد و در نهایت رسیدن به امنیت شغلی. خانواده نیز اهدافی دارد.

اما جایگاه و نقش دستگاه تعلیم و تربیت در این کنش و واکنش چیست؟ آیا برتری با روش‌های آموزشی یا منابعی است که مبتنی بر حافظه‌اند و نه براساس روش‌های خلاق و مهارت؟

مادر، پدر، ناشر، نظام آموزشی و پرورشی؛ با شما می‌هم! هر انسانی استعداد و توانمندی‌های متفاوت هوشی و جسمی دارد. به این تفاوت‌ها توجه کنیم.

اضطراب، محصولی است که از افتادن در گرداب رقابت حاصل می‌شود.

## کوله‌پشتی‌های پر از هیچ



سعید بدیعی، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، به عنوان یک پدر، نگران فرزند خود و همه کودکان و نوجوانانی است که کوله‌های پر از کتاب‌های کمک‌درسی را هر روز و هر روز، به دوش می‌کشند بدون آنکه بهره‌ای لازم را از آن‌ها ببرند. کتاب‌هایی که اغلب مطالب را از روی کتاب درسی یا از روی هم رونویسی می‌کنند و با روش‌های کهنه‌ای مانند پرسش - پاسخ و بدون تازگی یا خلاقیتی چندباره و چند باره به دانش‌آموزان تحویل می‌دهند.

که بر سر فرزندان ما و طبیعت می‌آید، بیش از این است. اگر با یک حساب ساده سرانگشتی، کتاب‌های کمک‌درسی تولید شده را، که اغلب آن‌ها شبیه به هم هستند و بیشترشان چیزی به داشته‌های دانش‌آموز اضافه نمی‌کنند، حساب کنیم، درمی‌یابیم که چه آسیبی به طبیعت وارد می‌کنیم.

آمار واردات کاغذ در کشور ما چندین برابر کشورهای دیگر است، اما آمار مطالعه در کشور، نشان‌دهنده میزان پایین سرانه مطالعه است؛ پس نتیجه می‌گیریم که آمار بالای چاپ کتاب‌های کمک‌درسی، فقط منجر به پر کردن جیب سودجویان و فرصت‌طلبانی می‌شود که خرج تبلیغات رسانه‌ای هر کدام از آن‌ها در سال به ده‌ها میلیارد تومان بالغ می‌شود.

مشکل کجاست؟ کنکور، کتاب‌های درسی، معلمان، والدین یا دانش‌آموزان؟

به نظر می‌رسد همه مقصریم و به قول سهراب چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید.

چندسالی است وقتی به فرزندم و دیگر هم‌مدرسه‌ای‌هایش نگاه می‌کنم، به خاطر آنچه که بر سر آن‌ها آورده‌ایم، دلم می‌سوزد. هر روز صبح بچه‌هایی را در سرویس‌ها، اتوبوس‌ها و مترو می‌بینم که با دشواری کوله‌های پر و سنگینی را که ما بر دوششان گذاشته‌ایم، و می‌پنداریم IQ یا EQ و... آن‌ها را افزایش خواهیم داد، بر دوش می‌کشند.

بخشی از فضای کوله‌ها را کتاب‌های درسی و دفترهای مربوط و مقداری خوراکی گرفته است، اما حجم زیادی از آن هم در اشغال انواع کتاب‌های کمک‌درسی است؛ کتاب‌هایی که اگر به لحاظ حجم و وزن چند برابر کتاب‌های درسی نباشند، لاقط به لحاظ قیمت چندین برابر آن‌ها قیمت دارند. به لحاظ محتوا هم نه تنها اثربخشی مطلوبی ندارند، باعث خستگی و دلزدگی دانش‌آموز و از بین بردن خلاقیت و دیگر توانایی‌های خدادادی او می‌شوند.

این بلایی است که بر سر دانش‌آموزانمان می‌آوریم؛ اما بلایی

## کتاب کمک‌درسی، رحمت یا عذاب



سید کمال شهابلو، معاون مجلات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، دغدغه کودکان و نوجوانانی را دارد که با کتاب‌هایی مملو از سوال‌های پیچیده به همراه پاسخ رو به رو هستند و این کتاب‌ها استرس، حافظه محوری و عدم توجه به تفکر و خلاقیت را برای دانش‌آموزان به ارمغان آورده‌اند.

این کتاب‌ها با اضافه کردن تمرینات سخت و پیچیده، نگرانی دانش‌آموزان را نسبت به درسی که می‌خوانند، بیشتر می‌کنند و این احساس را در آن‌ها دامن می‌زند که لازم است حتماً این کتاب‌ها را تهیه کنند و اگر نکنند حتماً از دیگران عقب می‌مانند. مشکل بعدی رویکرد حافظه‌محوری اغلب این کتاب‌هاست. بیشتر آن‌ها دانش‌آموزان را به پخته‌خواری عادت می‌دهند. بچه‌ها با نشان کردن بعضی از کلمه‌ها یا علامت‌هایی خاص در سؤالات، گزینه درست را انتخاب می‌کنند. مطالعه و یادگیری برای آن‌ها به یک صفحه شطرنج تبدیل می‌شود که استرس را در روح و روان آن‌ها نهادینه می‌کند. طرح مسائل به‌صورت مستقیم و اصرار به این‌گونه یادگیری، زمان هضم مطلب را از آن‌ها می‌گیرد و حتی در حل مسائل مشابه نیز دچار مشکل می‌شوند. عدم توجه به مسائل تربیتی بچه‌ها در این دسته از کتاب‌ها، دانش‌آموز را به ماشینی تبدیل می‌کند که در حل هر مسئله‌ای، کمترین خلاقیت را به خرج می‌دهد. در یک جمله می‌توان گفت: این کتاب‌ها به جای اینکه تشنگی در یادگیری را القا کنند، می‌خواهند دانش‌آموزان را سیراب کنند یا در واقع احساس سیرابی به او بدهند. دوست دارم دخترم را متوجه این آسیب‌ها کنم. نمی‌دانم؛ آیا او عطایشان را به لقایشان می‌بخشد؟

این روزها ذهنم مشغول است که چرا فرزندم مثل گذشته اهل تفکر نیست؟

وقتی چیزی از او می‌پرسی بدون تأمل کافی پاسخ می‌دهد و وقتی پرسشی دارد زود پاسخ می‌خواهد؛ بی‌حوصله است؛ استرس بیش از حد دارد؛ دیگر کتاب داستان نمی‌خواند و به مسئله‌ها فکر نمی‌کند. و آنچه به نگرانی‌ام افزوده، کتاب‌های پر حجمی است که همواره آن‌ها را می‌خواند و دائم در حال تطبیق خواننده‌هایش با کتاب درسی است و به‌نظم مدتی است که حتی کتاب‌های درسی‌اش به حاشیه رفته‌اند.

یک بار از خودش پرسیدم: «چرا کتاب کمک‌درسی می‌خونی؟» گفت: «بهم کمک می‌کنه تا زودتر راه‌حل رو پیدا کنم.» به تعبیر خودش آن‌ها «راحت‌الحلقوم» اند. می‌گوید: «خودت معلمی؛ بهتر می‌دونی که در کنکور زمان مطرح است و پاسخ‌های صحیح بیشتر. در کنکور نمی‌پرسند که چقدر فکر کردی... تفکر که هدف نیست.»

ظاهراً او لذت مطالعه کتاب‌های داستانی یا دانش‌افزایی را به عذاب کتاب‌های کمک‌درسی ترجیح داده است؛ اما من این گفته او را تنها آفت یادگیری‌اش نمی‌دانم. به‌نظم چالش‌های بیشتری، آینده تحصیل و زندگی‌اش را به خطر می‌اندازد.

## کتاب‌های کمک‌در ۳۰



مجید راستبی، کتاب‌های کمک‌درسی را طاعونی میدانند که چند سالی است گریبان دانش‌آموزان و کتاب‌های درسی را گرفته است. او بر این باور است که کتاب کمک‌درسی که او نام جالب «کتاب - معلم» را به آن‌ها داده است، هیچ‌گاه نمی‌تواند جای یک معلم را بگیرد؛ زیرا یک معلم در واقع معلم - شاگرد است؛ او بی‌واسطه با شاگرد ارتباط دارد، او را می‌شناسد، درس را توضیح می‌دهد و همان‌جا ابهام یا پرسش شاگرد را می‌شنود و به شکل مناسب به او پاسخ می‌دهد؛ کاری که کتاب درسی از دور می‌خواهد انجام دهد. این یادداشت متفاوت را بخوانید.

می‌خواهد؟ آن هم معلم‌هایی که هر یک سبک و روش خود را دنبال می‌کنند و عجیب‌تر آنکه هم می‌خواهند معلم باشند و هم کتاب!

حرف تمامی این کتاب - معلم‌ها این است: «نمره بیست می‌خواهید؟ ما را «بخرید» و بخوانید!»  
و بعد هم اگر لازم شد که لازم هم می‌شود، کلاس‌های تقویتی، معلم‌های خصوصی، قبولی با سه جلسه و... و تزریق فقر فرهنگی، علمی و مالی به دانش‌آموز و خانواده‌ها برای نمره؛ نمره قبولی؛ نمره بیست!

کتاب کمک‌درسی در هیچ کجای دنیا نمی‌تواند معلم - شاگرد باشد.

اگر ضعفی در آموزش و پرورش هست، که در مواردی هست، کم داشتن معلم‌های توانمند یعنی معلم - شاگردهاست. دانش‌آموزان نمی‌توانند دانش معلم را جدای از او، در کتاب کمک‌درسی بیاموزند؛ چرا که معلم‌باوری شرط لازم و معقول یادگیری است.

سخن پایانی آن که «هنر معلمی» توانی است برای تأثیرگذاری در یادگیری دانش‌آموزان که کتاب‌های کمک‌درسی فاقد آنند.

چند سالی است که طاعون کتاب‌های کمک‌درسی، گریبان کتاب‌های درسی را گرفته است و به ازای یک کتاب درسی، چندین کتاب کمک‌درسی منتشر شده و می‌شود.

تصور کنیم، خانم معلم با شور و اشتیاق و در سکوت شنیدنی دانش‌آموزان، درسی از کتاب درسی را برای آنان شرح می‌دهد. ناگهان تقی به در می‌زنند. کسی آمده است با بسته‌ای کتاب. لای در را باز می‌کند و می‌گوید: «این‌ها کتاب کمک‌درسی است. بچه‌ها بخوانند تا درس را خوب یاد بگیرند.» کمی بعد شخص دیگری بسته‌ای کتاب کمک‌درسی می‌آورد و می‌گوید: «بچه‌ها، این کتاب را بخوانید تا درستان را خوب یاد بگیرید.» و اندکی بعد نفر سوم می‌آید و می‌گوید: «اگر این کتاب را بخوانید، حتماً بیست می‌گیرید!»

معلم به انبوه کتاب‌ها چشم دوخته است که هر یک می‌خواهند به دانش‌آموز درس را خوب یاد بدهند؛ اصلاً نمره بیست بدهند. اما یادمان نرود درسی را که معلم رودررو به دانش‌آموز می‌دهد و با توضیحاتش کمک می‌کند تا آن مطلب را خوب بفهمد و یاد بگیرد، کتاب‌های کمک‌درسی می‌خواهند از راه دور و بدون آشنایی با مخاطب، انجام دهند؛ یعنی معلم بشوند، جای معلم را بگیرند و درس بدهند. حال باید پرسید: آیا یک درس چند معلم

## کوتاه کردن دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی



بابک نیک‌طلب، شاعر سرشناس حوزه کودک و نوجوان، مانند همه نویسندگان، شاعران و معلمان که دغدغه فرهنگ و مطالعه دارند، معتقد است تنگ شدن عرصه بر کتاب‌های کمک‌درسی، میدان را برای کتاب‌های داستانی و ادبی و دانش‌افزایی می‌گشاید. او در این یادداشت به هزینه‌های هنگفت کتاب‌های کمک‌درسی و کلاس‌های کمکی انگشت می‌گذارد و آرزو دارد محدودیت کتاب‌های کمک‌درسی، دوباره نسیم نوازشرگر نشر گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه و شعرهای حافظ و سعدی و مولوی را در هوای اتاق‌های کوچک کودکان دوباره جاری سازد. این یادداشت را بخوانید.

و علم‌آموزی بیش از پیش شد و آهسته آهسته ناشران هم به سمت کتاب‌های غیر داستان و شعر تمایل پیدا کردند. حتی ناشران تخصصی ادبیات و هنر هم کتاب کمک‌درسی را بهتر فروختند و از شاعر و نویسنده و هنرمند و مهندس و پزشک و... تقاضای نوشتن کتاب‌های کمک‌درسی کردند. کار به جایی رسید که سبد خانواده از کتاب پر شد؛ اما از کتاب‌های کمک‌درسی و نه از مجموعه شعر و قصه و متون کهن ادبی، اجتماعی، فرهنگی که هزار سال در تاقچه و کتابخانه منازل جاداشت.

پدر و مادر و خانواده‌ها هم تحت فرمان فرزندان و اولیای آموزشی مدارس، هزینه این کتاب‌ها را به جان خریدند. شگفت آنکه خود من نیز به عنوان یک شاعر و نویسنده و اهل کتاب، سه یا چهار سال گذشته، اگر کل مبلغ کتاب درسی فرزندم ۳۰ هزار تومان می‌شد، ۲۰۰ هزار تومان برای کتاب‌های کمک‌درسی همراه، تقدیم آموزشگاه دولتی کردم. پس از آن هم چشمم به جمال کتاب‌های پیش‌دانشگاه و کنکور و پساکنکور روشن شد و هم‌چنان در پی این قافله لنگ لنگان دوانم.

اما شنیده‌ها و دیده‌ها حاکی است که به فضل الهی، گویا متولیان آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۷ عزم جزم کرده‌اند که دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی را چه از بالاترین رسانه‌ها و چه از کف کوچک‌ترین کلاس‌های مدرسه کوتاه کنند. که اگر چنین شود، می‌توان نسیم نوازشرگر نشر گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه را در هوای اتاق‌های کوچک کودکان دوباره حس کرد و طنین غزل مولانا و حافظ و دیگر شاعران را دوباره شنید.

شاید جای مجموعه‌های تست و ضمیمه فلان کتاب درسی در قفسه‌ها با فرهنگ‌نامه‌های پرمحتوا و اصیل عوض شود و باز کتاب‌خانه خانگی برای همه اعضای خانه قابل بهره‌گیری و منشأ فیض باشد.

یادم هست تازه دوره دبستان را به پایان برده بودم و تازه خودم به مغازه لوازم تحریری محله سر می‌زدم تا مدادی و تراشی، علاوه بر آنچه پدر و مادرم می‌گرفتند، خریداری کنم.

دوستانم می‌گفتند نباید حل‌المسائل ریاضی یا انگلیسی یا... داشته باشیم که اگر مدرسه بفهمد تنبیه می‌کند. مفهوم مدرسه و تنبیه کم و بیش روشن بود، اما حل‌المسائل را همگان نداشتند و شکر خدا نیازی هم حس نمی‌شد. پس انگیزه‌ای هم برای داشتنش نبود. اوقات فراغت هم با خواندن کتاب قصه یا شعر یا امانتی از کتابخانه مدرسه یا هدیه عزیز پر می‌شد.

سال‌ها گذشت و دبیرستان را با اتفاق‌های دهه شصت طی کردم و به سدی به نام کنکور رسیدم. به اصرار و همراه دوستی که می‌خواست حسابداری بخواند، در کلاسی بیرون از مدرسه، برای اولین و آخرین بار نام نوشتیم و دیدم چیز دیگری هست که هر پرسشش، چهار پاسخ دارد و...

من راه خود را پیش گرفتم و دست تقدیر مرا به مدرسه آورد و دبیر شدم و چرخ گردون گشت و گشت و گشت. کشتی هدایت آموزش و پرورش در مسیر گاه آرام و گاه طوفانی، سکانداران مختلفی را به خود دید؛ تا جایی که کتاب‌های درسی خوش‌بختانه کم‌حجم و به‌روزتر شدند.

بچه‌ها دیگر دانش و دریافته‌شان محدود به درس و مدرسه نماند و فرصت‌های بهتری برای فراگیری یافتند. در عوض گستره مطالعاتشان افزوده شد و کتاب‌های ناشران و کلاس‌های خارج از مدرسه هم برایشان دست یافتنی و دلخواه و گاهی واجب شد. مؤسسه‌هایی هم برای همه گروه‌های علاقه‌مند به هوش بیشتر و علم برتر به عنوان‌های گوناگون و با دل‌سوزی نهادهای مختلف به وجود آمد. همگان هم خشنود از فضای خوب رقابت به استقبال از وضع موجود پرداختند. کم‌کم رغبت خانواده‌ها به دانش‌افزایی

## کوله‌پشتی‌های پر از خالی



علی اصغر جعفریان، نویسنده کودک و نوجوان

علی اصغر جعفریان ضمن آنکه نویسنده کودکان و نوجوانان است، سال‌هایی را مدیر مدرسه بوده است. او از تجربه ممنوع کتاب‌های حل‌المسائل در سال‌های مدرسه رفتنش می‌گوید و از اینکه حالا، این میوه ممنوع در لباس‌های تازه و خوش‌رنگ، به فراوانی و آسانی و با نام‌های فریبا بر در و دیوار و روی بردهای شهر و بر صفحه تلویزیون چهره می‌نماید و مانند یک سونامی بزرگ، همه چیز را به ویرانی می‌کشد و متوجه دانش‌آموز، مدرسه، مدیر، معلم، برنامه آموزشی و همه چیز می‌شود.

### به سوی مدرسه

روی جلد کتاب‌ها هم امکانش هست. باید به حرف معلم بیشتر توجه می‌کرد. آخر معلم سؤال طرح می‌کرد و کاری به حرف معلم راهنما نداشت. شب از نیمه گذشته بود. چشمانش سرخ شده بود. او در وسط اتاق نشسته بود و کتاب‌ها و دفترها و نمونه سؤالات دورتا دورش را گرفته بودند. سرش از آن همه کتاب گیج می‌رفت. مست خواب بود.

لاغر اندام و نحیف بود. جثه ریزش در بین همکلاسی‌ها به چشم می‌آمد. دیرش شده بود. آن روز خواب مانده بود. کتاب‌ها را یکی یکی با عجله داخل کوله جا داد. کوله پر شده بود. حالا دو تا کتاب روی دستش مانده بود. هر چه فکر کرد آن دو کتاب را کجای کوله جا بدهد، راهی به ذهنش نرسید. زیر لب غرغر کرد: «آخه این همه کتاب؟ برای چی؟ آخه چرا؟ به خدا خسته شدم!» زیپ کوله را به سختی بست. تصمیم گرفت دو تا کتاب را به دستش بگیرد. با عجله کتانی‌هایش را پوشیده‌نیوشیده بیرون خانه رفت تا از سرویس جا نماند.

### و اما...

سال‌های مدرسه رفتنم را خوب به یاد می‌آورم. آخر دهه پنجاه و شصت. در آن سال‌ها بزرگ‌ترین خلاف دانش‌آموزان خریدن و به همراه داشتن کتاب حل‌المسائل بود. حل‌المسائل کتابی بود که جواب سؤالات و تمرین‌های همه درس‌ها را در خود داشت. برای دانش‌آموزان تنبل و راحت‌طلب، هلو بپر توی گلو بود. بدون کوچک‌ترین زحمتی جواب‌ها را جلوی مسئله‌ها می‌نوشتند و نشان معلم می‌دادند. بچه‌هایی که کتاب را تهیه می‌کردند، به هیچ عنوان جرئت آوردن آن را به مدرسه نداشتند؛ حتی شجاعت اینکه بگویند یک جلد از آن کتاب‌ها را دارند نداشتند. تک و توک افرادی هم که کتاب را به مدرسه می‌آوردند، طوری جلد می‌کردند که جلدش خوانده نشود و با احتیاط و ترس و لرز، پنهانی و دزدکی آن را از کیف بیرون می‌آوردند و نگاهی بهش می‌انداختند و تند در کیف می‌گذاشتند. اما در این روزگار همان کتاب‌ها را با اسامی مختلف و گول زننده با طراحی جلد‌های شیک و جذاب، با کاغذهای سفید، با تبلیغات وسیع در تلویزیون و پوستره‌های رنگارنگ و هنری، در بردهای سطح شهر و مجله و روزنامه، در مدرسه و خیابان و خانه به خورد دانش‌آموزان و معلمان و مدیران می‌دهند. و جالب اینکه در این روزگار داشتن چنین کتاب‌هایی را از رموز موفقیت می‌شمارند و وانمود می‌کنند که افتخار بزرگی محسوب می‌شود.

اما ایراد این کتاب‌ها یکی دو تا نیست. من که بیش از دو دهه مدیر مدرسه هستم، به خوبی شاهد ویرانگری آرام آرام این نوع کتاب‌ها، در این سال‌ها در محیط مدرسه بوده‌ام. ویرانگری این

### کلاس درس

معلم ریاضی وارد کلاس شد. مبصر برپا داد. بچه‌ها به زحمت و با سختی از جا بلند شدند. صدای افتادن چند کتاب و دفتر از روی میز و دسته‌صندلی سکوت کلاس را شکست. درس شروع شد. معلم در هنگام تدریس بچه‌ها را به این کتاب و آن کتاب و جزوه ارجاع می‌داد. بچه‌ها یکی یکی با سرعت از کوله‌هایشان کتاب‌ها را بیرون می‌آوردند و روی میز جا می‌دادند تا از درس عقب نمانند. طولی نکشید که روی میزها پر از کتاب و دفتر شد. دیگر روی میز جا نبود. کتاب‌ها روی هم قرار داده شده بودند تا در دسترس باشند. بچه‌ها نمی‌دانستند حواسشان به درس باشد یا به کتاب‌ها و دفترشان که از روی میز نیفتند؛ تا دم دستشان باشد؛ تا از درس عقب نمانند.

### شب امتحان

چندین بار درسش را برای امتحان فردا دوره کرده بود. اما باز استرس داشت. دلش آرام نمی‌گرفت. شاید از آن یکی کتاب سؤال بیاید؛ نه شایدم از جزوه. به یاد می‌آورد معلم راهنما روزی گفته بود مبنای سؤال کتاب‌های درسی است؛ اما معلمشان گفته بود امکان طرح سؤال از همه منابع وجود دارد. از کتاب اصلی، جزوه، کتاب آن یکی مؤسسه، کتاب این یکی مؤسسه و حتی

بکشد و روزبه‌روز حساب مدرسه و جیب اولیای دانش‌آموزان خالی و خالی‌تر بشود. یادش به‌خیر آن روزگاران نه‌چندان دور که کیف و کوله بچه‌ها سبک بود. طوری که می‌توانستند به‌راحتی کیفشان را برای بازی‌های کودکانه هم که شده، چند دور دور سرشان بچرخانند. اولیای دانش‌آموزان هم بدون هیچ دغدغه‌ای زندگی آرام خود را سپری می‌کردند و اصلاً نگرانی جور کردن هزینه سنگین انواع بسته‌ها و کتاب‌های جور واجور کمک‌درسی را نداشتند و جلوی دانشگاه تهران، از این کتاب‌فروشی به آن کتاب‌فروشی نمی‌رفتند تا کتاب مورد نظرشان را بخرند. امیدوارم دیگر زمان آن فرا رسیده باشد تا همگی متوجه ضرر و زیان‌های سونامی کتاب‌ها و بسته‌های کمک‌درسی برای نظام آموزشی و بچه‌های عزیزمان شده باشیم و راه منطقی و مناسبی را در راستای آموزش و پرورش انتخاب کنیم.

کتاب‌ها فقط شامل حال دانش‌آموزان نمی‌شود. این خرابکاری متوجه مدرسه و مدیر و معلم و برنامه آموزشی آموزش و پرورش در سطح کلان نیز می‌شود. یادش به‌خیر معلم‌های قدیمی و با تجربه هر کدام برای خودشان یک پانویس‌ننده کتاب درسی بودند. جزوه‌هایی از خودشان بر اساس تدریس شخصیشان به بچه‌ها می‌دادند که به راستی مکمل کتاب درسی بود. سؤالات طراحی شده معلم‌ها خودش جای کلی بحث دارد. سؤالات خلاقانه، سؤالاتی که هر کدام کلی مطلب به دانش‌آموز می‌فهماند. دسته سؤالاتی که هیچ کدامشان با دیگری مشابه نبودند و بوی معلم کلاس می‌داد. مدیران مدارس در خدمت چنین معلمانی بودند تا از هر نظر کم و کاستی در کارشان وجود نداشته باشد. نه در خدمت قراردادهای آن‌چنانی با انواع مؤسسات ضد آموزشی (نه کمک‌آموزشی) تا بدین صورت رقم حساب‌های بانکی آن مؤسسات سر به فلک

## ما هم ضرب‌المثل می‌شویم؟



احمد عربلو، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان

احمد عربلو نویسنده طنزپرداز ادبیات کودک و نوجوان، از دریچه طنز به تماشای وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی و موافقان و مخالفان آن نشسته است. او با ادبیات خاص خود تبلیغات مستمر و پر زرق و برق صدا و سیما را در یک سو و کوشش‌های کارشناسان آموزش و پرورش را در سوی دیگر می‌گذارد و نگران است مبادا این کش و قوس‌ها ما را ضرب‌المثل آیندگان کند. این یادداشت کوتاه طنز را بخوانید.

از فیلتر هفت هشت ده تا کارشناس رد شده و به اصطلاح از آب گذشته است. حالا این صحنه را بگذارید کنار این صحنه که عده زیادی کارشناس مجرب در آموزش و پرورش بعد از جلسات طولانی چند هزار کیلومتری و خوردن کلی میوه و چای و زحمات فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که بسته‌ها و کتاب‌های کمک‌درسی چه آفات فراوانی دارند و نباید در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرند. تلویزیون با قدرت این کتاب‌ها را تبلیغ می‌کند و کارشناسان هم تأکید می‌کنند که این جور کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی بسیار مضرند. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها ریشه در همین اتفاقات عجیب و غریب و متضاد دارد. حالا فرض کنید آیندگان بخواهند از این ماجرا ضرب‌المثل بسازند. به نظر شما چه خواهند ساخت؟ نکنند شوخی شوخی، ما هم برای آیندگان ضرب‌المثل شویم...

ضرب‌المثل‌ها دنیای جالبی دارند. حکایت هر ضرب‌المثل خیلی خواندنی است. اتفاقاتی افتاده و بعد تبدیل به ضرب‌المثل شده است. «قسم حضرت عباس و دم خروس»، «با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد»، «برای ما آب نداشت، اما برای تو نان داشت» و... حالا به این صحنه توجه کنید: وسط یک سریال نسبتاً خوب (!) یا بین دو نیمه یک مسابقه هیجان‌انگیز فوتبال، چند مرد و زن، یا خانواده‌ای با بچه‌های شیک‌پوش در فضایی آکنده از رنگ و زرق و برق و حتی صداهای شیک می‌آیند و با هیجان تبلیغ فلان بسته یا کتاب کمک‌درسی را می‌کنند؛ و چنان با جدیت این کار را انجام می‌دهند که پدر و مادرها هیجان‌زده می‌شوند و البته پر از نگرانی که مبادا دیر بجنبند و صبح که برای خرید آن بسته یا کتاب بروند، تمام شده باشد! بالاخره سیماست و وقتی چیزی را تبلیغ می‌کند، حتماً حداقل

## سلطنت تست و کتاب کمک‌درسی بر کلاس



افسانه موسوی گرمارودی، نویسنده و سردبیر مجله رشد نوآموز، که سال‌هایی را نیز در کسوت معلمی سپری کرده است، با دروغ و تأسف از سیطره تست و کتاب کمک‌درسی بر کلاس‌ها سخن می‌گوید و بر این باور است که معلم و معلمی از سلطنت افتاده و تست و تست‌زنی جای درس و کلاس و اخلاق و الگوبرداری را گرفته است و کار معلم در حد پاسخ‌گویی به چند صدتست محدود شده است. این یادداشت را بخوانید.

افسانه موسوی گرمارودی، نویسنده و دبیر مجله رشد نوآموز

شد و استفاده از این شیوه دامن معلمانی را که دغدغه نانشان از دغدغه تلطیف روح و جان دانش‌آموزانشان بیشتر بود، تر کرد و آنانی که تاب خم شدن در برابر این انحرافات را نداشتند، تن به خروج از این سیستم دادند. دسترسی به کتاب‌های متعددی که صفر تا صد کتاب درسی را حل‌جای کرده بود، برای اکثر دانش‌آموزان فراهم شد و آن‌ها را از بحث و فحص کلاس بی‌نیاز کرد و مجال تحلیل و تفکر را از آنان گرفت.

معلم از سلطنت افتاد و حرمت تست و تست‌زنی جای درس و کلاس و اخلاق و الگوبرداری را گرفت و دانش معلم در حد پاسخ‌گویی به چند صدتست محدود شد. معلم بینوا به خود شک کرد و آموخته‌هایش را در زورق خاطرات پیچید و مطالعه کتاب‌های کمک‌درسی را جایگزین چندین واحد تعلیم‌و تربیت دانشگاهی کرد. مدرسه برای دانش‌آموزان به فضایی سخت و غیرقابل تحمل تبدیل شد که ملزمشان کرد بهترین سال‌های عمر دانش‌آموزی خود را برای رسیدن به مرحله دانشگاه در مسیری خطی و قراردادی سپری کنند؛ مسیری به نام کسب مهارت تست‌زدن و به خاطر سپردن طوطی‌وار دانش‌هایی که کمتر به درک و فهم و تحلیل می‌رسید. آن‌ها به کمک کتاب، نه معلمی که با روح و اندیشه خود درصدد انتقال آموخته‌های یک عمر دانش و تجربه به آن‌هاست، در مسیری قرار گرفتند که اگر فنون آن را بیاموزند، چون دونده‌ای متقلب میانبر را از راه راست بازشناخته و علی‌الظاهر پیروز میدان خواهند بود. غافل از اینکه همین فرزندان معصوم وقتی پا به محیط دانشگاهی می‌گذارند و در فضای پژوهشی قرار می‌گیرند، آن‌قدر از این مقوله عقب هستند و فضای تحلیلی برایشان ناآشناست که زمان بسیار زیادی را برای آموختن شیوه‌های پژوهشی از دست می‌دهند؛ البته اگر از میان چند صد هزار دانشجوی راه یافته، چند تن انگشت‌شمار پیدا شوند که هنوز شمع پرسشگری وجودشان از تلاطم طوفان شیوه‌های نادرست کتاب‌های کمک‌درسی خاموش نشده باشد و کورسوی امیدی در شعله‌ور کردن این حس غریب در آن‌ها وجود داشته باشد. و البته اگر در مقاطع بالاتر شیوه‌های نادرست دیگر پژوهشی و دیگرنویسی مجال خودباوری را در آنان از بین نبرد.

به خاطر دارم سال‌ها پیش که معلم بودم، الگوی تمام سال‌های تدریسم، بهترین معلم دوره تحصیل بود؛ همو که با اعجاز رفتار و گفتارش اندیشه معلم شدن را در جانم نشانده. معلمی که خود دائم در حال آموختن بود و ورای کتاب و درس موظفش ما را شیفته دانستن کرده بود. کلاس درس و اندیشه توانمند و رفتار و کردار معلمانه‌اش چنان نرم بود که روزها در پی هم می‌گذشتند و اشتیاق به کلاس و تکرار حضورش ما را به وجد می‌آورد. آن‌قدر مسلط و با اقتدار بود که جز نام «سلطان پرسطوت کلاس» نام دیگری را توصیف‌کننده روح حاکم بر درس و فحص کلاس او نمی‌یابیم. شیوه او در تدریس اگرچه بیشتر تبادل نظر بود؛ اما شیرینی کلامش از او سخنوری متبحر می‌ساخت و اگر ساعت‌ها به روش سخنرانی درس را ارائه می‌کرد، گذر زمان را حس نمی‌کردی. فصاحت کلامش مثال‌زدنی بود و اعتماد و اشتیاق مستمعین به دانشش بسیار. همه این صفات از او معلمی بی‌همتا ساخته بود. آموزندگان درسش او را از هر منبعی برای مراجعه صائب‌تر می‌دانستند و او که خود همواره تشنه آموختن بود با ارجاعات درستی که می‌داد، از تک‌تک دانش‌آموزان، پژوهشگری تشنه یافتن و محقق‌پیکر می‌ساخت.

من نیز سال‌های سال تلاش کردم دانش‌آموزانی پرسشگر و تلاشگر تربیت کنم؛ اما سالی دریغ از سالی دیگر گذشت و حسرت آموزشی چنین بر جان و روحم ماند. شگفت‌زده می‌شدم وقتی پرانرژی، محثی را پیش رویشان می‌گشودم و آن‌ها به دنبال پیدا کردن خلاصه‌های پربار، نام کتاب‌های کمک‌درسی را جویا می‌شدند و کلاس را بطلان وقتی می‌دانستند که می‌توانست زمان آن جایگزین آموزش‌های فردی برای راه‌یابی به المپیادهای مختلف و یادگیری چند تست بیشتر شود. ذره‌ذره طرح درس‌های تکمیلی و راه‌های متعدد تدریس برای ایجاد تفکر انتقادی کنار رفتند و به درخواست کادر آموزشی مدرسه که ملزم بود برای خود شناسنامه‌ای روشن در کسب نتایج ورودی‌های دانشگاه بسازد، کتاب‌های تست جایگزین شدند و معلمانی که درس آموخته مکتبی پرسشگر و تحلیل‌گر بودند کجا می‌توانستند طراح تست‌های محدودگر باشند. پس بازار دلالان گرم و گرم‌تر



## آفات فست‌فودهای آموزشی یا بازار یوسف‌های ارزان



حبیب یوسفزاده، می‌گوید ممکن است در کشورهای دیگر نیز کتاب‌های کمک‌درسی منتشر شوند، اما معمولاً تعریف و ساختاری هدفمند دارند و بیشتر از مخاطبان‌شان دانش‌آموزان باشند، وسیله‌ای هستند در دست معلمان تا به شکل مناسب از آن بهره بگیرند. او بر این باور است که «کتاب‌های کمک‌درسی» متأثر از جمعیت چهارده، پانزده میلیون نفری دانش‌آموزان و سود و سوسه‌کننده‌ای که دارند، رشدی سرطانی یافته‌اند و از آنجا که «قدر یوسف» شکسته است، بازار تجارت یوسف‌های تقلبی رونق یافته است. خواندن این یادداشت ممکن است چند دقیقه‌ای از وقت ما را بگیرد، اما دیدگاه نویسنده و اطلاعات جالبی که در این حوزه به ما می‌دهد، شاید باعث شود بگویید، می‌ارزید این وقت را بگذاریم.

مکمل برنامه درسی، «co text book» (همراه کتاب درسی) یا «work book» (کتاب کار) یاد می‌شود. مخاطبان این کتاب‌ها - که طبق استانداردها و چهارچوب برنامه درسی رسمی تدوین می‌شوند - بیشتر از آنکه دانش‌آموزان باشند، معلمان‌اند و اهداف مختلفی را پیگیری می‌کنند که برخی از آن‌ها به این شرح است:

- ارتقای سواد خواندن و گسترش دامنه لغات و غنی‌سازی زبان؛
- ارتقا سطح علمی معلمان برای فراتر رفتن از محدوده کتاب‌های درسی و توسعه قوه شناخت دانش‌آموزان؛
- دامن زدن به فعالیت‌های فوق‌برنامه و غنی‌سازی مفاهیم در کلاس درس؛
- تشویق و انگیزش دانش‌آموزان به کند و کاو در منابع و مفاهیمی فراتر از محدوده برنامه درسی؛
- آموزش نحوه کاربری، طبقه‌بندی و فرآوری و به‌روز کردن اطلاعات و تبدیل مخاطبان به یادگیرندگان مادام‌العمر. اگر نگاهی اجمالی به کتاب‌های کمک‌درسی تولید شده در بنگاه‌های آموزشی-تجاری کشورمان بیندازیم، به وضوح خواهیم دید که چقدر با اهداف یاد شده منطبق هستند! غالب این کتاب‌های «حل‌المسائل» و «بانک سؤالات چند گزینه‌ای» به جای اینکه فضای یادگیری مخاطبان را گل‌کاری کنند، طبق طبق شکر به خورد آن‌ها می‌دهند و البته هیچ زنبوری به اقتضای طبیعتش، از اینکه زحمتش کم شود و به جای شهید ناب، انبان خود را آکنده از شیرۀ آماده کند، نه تنها آزرده

آرتور شوپنهاور، فیلسوف آلمانی، کتابی دارد که در ایران با عنوان «هنر همیشه بر حق بودن» ترجمه شده است. وی در مقدمه کتاب تصریح می‌کند، قصدش از نگارش آن افزودن قدرت مخاطب در مجادله و فریب رقیبان نیست، بلکه صرفاً خواسته است آن‌ها را نسبت به روش‌های سفسطه‌گران آگاه نماید. یکی از ترفندهای مورد اشاره در این کتاب «بسط دادن گستره مصداق» و به عبارتی گنجاندن پیاز در ردیف میوه‌هاست. این شیوه ظریف که به فراوانی در دعاوی و مناقشات مورد استفاده قرار می‌گیرد، با اندکی غفلت می‌تواند ورق را به نفع مدعی برگرداند و در قبولاندن مفهومی نادرست به طرف مقابل مؤثر واقع شود. مثل اینکه بگوییم: هیچ انسانی کاملاً سیاه‌پوست نیست، چون به هر حال دندان‌های سفیدی دارد!

در تاریخ آموزش و پرورش ایران، به‌ویژه در چند دهه اخیر، یکی از چیزهایی که گستره مصداق آن جهشی سرطانی داشته است، عبارت «کتاب‌های کمک‌درسی» یا به تعبیر برخی «کمک آموزشی» بوده است که خود متأثر از جمعیت چهارده، پانزده میلیون نفری دانش‌آموزان و سود و سوسه‌کننده و کلانی است که می‌توان با پرسه زدن در اطراف این جمعیت پرشمار به جیب زد.

در کشورهایی که دانش‌آموزان مهم‌ترین سرمایه انسانی تلقی می‌شوند و نه بازاری بالقوه برای سودجویی، کتاب‌های کمک‌درسی تعریف و ساختاری هدفمند دارند و از آن‌ها با عناوینی همچون «supplementary books» (کتاب‌های

نمی‌شود، بلکه قدردان هم خواهد بود. همانند مواد هورمونی و خوراکی‌های زیان‌بخشی که در برخی باشگاه‌های بدن‌سازی برای برجسته ساختن سریع عضلات به خورد مشتری‌ها می‌دهند و پهلوان پنبه‌های خلق‌الساعه پدید می‌آورند! اما این عمل دور از انصاف، در دراز مدت نسلی شکرخوار و بیگانه با گلستان معرفت و لذت دانستن پدید خواهد آورد که ذهنش به فسق‌فودهای آموزشی خو گرفته، ذائقه‌اش با منابع خوش طعم پفکی کور شده و انگیزه‌های برای غور در رازهای عالم و گسترش مرزهای دانش نخواهد داشت.

البته بر این‌گونه بنگاه‌های شبه‌آموزشی و توزیع‌کنندگان عسل تقلبی خرّجی نیست؛ زیرا بدیهی است که خزها در محیط مرطوب و مناسب روی درختان رشد می‌کنند و یکی از مؤثرترین پدیدآورندگان این محیط مناسب در جنگل فعلی، رسانه‌هایی هستند که خود به هر دلیلی از همین بنگاه‌ها ارتزاق می‌کنند و هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی برقرار کرده‌اند! برای همین است که صدای عالی‌ترین مقام اجرایی در امر تعلیم و تربیت (وزیر آموزش و پرورش) ناشنیده گرفته می‌شود و بلافاصله بعد از پخش ابلاغیه ایشان مبنی بر ممنوعیت استفاده از کتب کمک‌درسی در دوره ابتدایی، رسانه ملی آگهی کنکور پخش می‌کند و این البته پیام روشنی دارد: عیسی به دین خود، موسی به دین خود!

هر ملتی برای حفظ ذات و هویت خود، نیازمند متاعی است که نتوان رویش قیمت گذاشت و خرید و فروش کرد، اما وقتی رسانه ملی گاهی در سه شبکه به طور هم‌زمان درس مهارت تست‌زنی در کنکور پخش می‌کند، مصداق این بیت از شاعر معاصر، فاضل نظری است: «دوک نخ‌ریسی بی‌اور یوسف مصری بپر/ شهر از بازار یوسف‌های ارزان پر شده است!» قدر یوسف را که بشکنیم، به راحتی می‌توان تجارت یوسف‌های تقلبی راه انداخت.

عامل مهم دیگری که در پدید آوردن محیط مناسب برای رواج فسق‌فودهای ذهنی نقش عمده‌ای دارد، شاکله فرهنگ عمومی، شرایط اجتماعی و معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه است که باز باید اذعان داشت عمدتاً از رسانه‌ها و ارزش‌گذاری مراجع تصمیم‌گیری خط می‌گیرند. وقتی فرصت‌های شغلی نه بر اساس شایستگی‌ها که بر اساس مدارک تحصیلی توزیع می‌شوند، وقتی نظام آموزش و پرورش کشور برای تأمین -

فقط - دستمزد معلمانش دائم دست و پا می‌زند و با چالشی پایان‌ناپذیر روبه‌روست، وقتی هزاران دختر در کشور در رشته‌هایی همچون زمین‌شناسی و معدن تحصیل می‌کنند، بی آنکه امکان ورود و فعالیت چندانی در این عرصه برای آنان وجود داشته باشد، وقتی فرصت‌ها در پی سراب مدارک تحصیلی بالاتر سپری می‌شوند، وقتی کارخانه تولید لبنیات به دلیل گران‌فروشی جریمه می‌شود، در حالی که مبلغ جریمه فقط کسری ناچیز از سودی است که از این طریق عایدش شده است! مسلم است که در چنین اوضاعی نباید انتظار شکوفایی به‌ویژه در عرصه تعلیم و تربیت داشته باشیم.

اما کدام نهاد است که قابلیت بر هم زدن این اوضاع را- ولو به تدریج- دارا باشد؟ بی‌شک ناچاریم به سر خط برگردیم و چاره کار را در تعلیم و تربیت درست و کاشت درخت صدساله جست‌وجو کنیم. باید علاوه بر محتوا و منابع، در روش‌های خویش تجدید نظر کنیم. باید طبق‌های مسموم شکر را از جلوی کندوها جمع‌آوری کنیم و فرصت رشد پایدار و طبیعی را به فرزندانمان بدهیم. چه بسا با اندکی نازک اندیشی و تدبیر بتوان ظرفیت بنگاه‌های شبه‌آموزشی فوق‌الذکر را در جهت صحیح فعلیت بخشید و با مشارکت ذابطه‌مند آنان در نظام تعلیم و تربیت - به مثابه بخش خصوصی- و تجدید نظر در رویکردهایشان، طرحی نو در انداخت.

البته در سال‌های اخیر اقداماتی در این راستا صورت گرفته است که درج فهرست منابع آموزشی مناسب در انتهای کتاب‌های درسی یا ایجاد سازوکار «سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، از آن جمله‌اند. همچنین نشریات «رشد» و شبکه ملی مدارس (www.roshd.it) که در شرایط کنونی، به‌ویژه برای دانش‌آموزان، نقش مکمل برنامه آموزشی را به خوبی ایفا می‌کنند، بسیار مغتنم هستند، اما به دلایل مختلفی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد، حتی این مقدار نیز چنانکه باید مورد بهره‌وری قرار نگرفته است. چرا که به‌طور مثال توزیع نشریات رشد در مدارس تا حد زیادی به میل و سلیقه مدیران مدارس وابسته است. با این وصف، تجربه ثابت کرده است که کار خطیر تحول در نظام تعلیم و تربیت، عبور از تغییرات فرمی و دستیابی به تحول کیفی و بنیادین، نیاز به عزم ملی و حساس نمودن مسئولان و آحاد جامعه به این امر مهم دارد.

# فهرسنگان

## منتشر شده در سال ۱۳۹۷



# کارگاه آموزشی\_ تبیینی ارزیابان جدید از نگاه دورین

